

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عربی (۱)

سال اول دبیرستان

وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

برنامه‌ریزی محتوا و نظارت بر تألیف : دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی

نام کتاب : عربی (۱) سال اول دبیرستان - ۲۰۴/۱

مؤلفان : حمیدرضا میرحاجی، عیسی متقی‌زاده، مجید صالح‌بک، علی چراغی و عبدالعلی آل‌بویه لنگرودی

آماده‌سازی و نظارت بر چاپ و توزیع : اداره‌ی کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی

تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره‌ی ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)

تلفن: ۹-۸۸۸۳۱۱۶۱، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کدپستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹،

وبسایت: www.chap.sch.ir

نقّاش : محمدحسین تهرانی، مانا نبوی فرهنگد

صفحه‌آرا : علی نجمی

طراح جلد : محمدحسن معماری

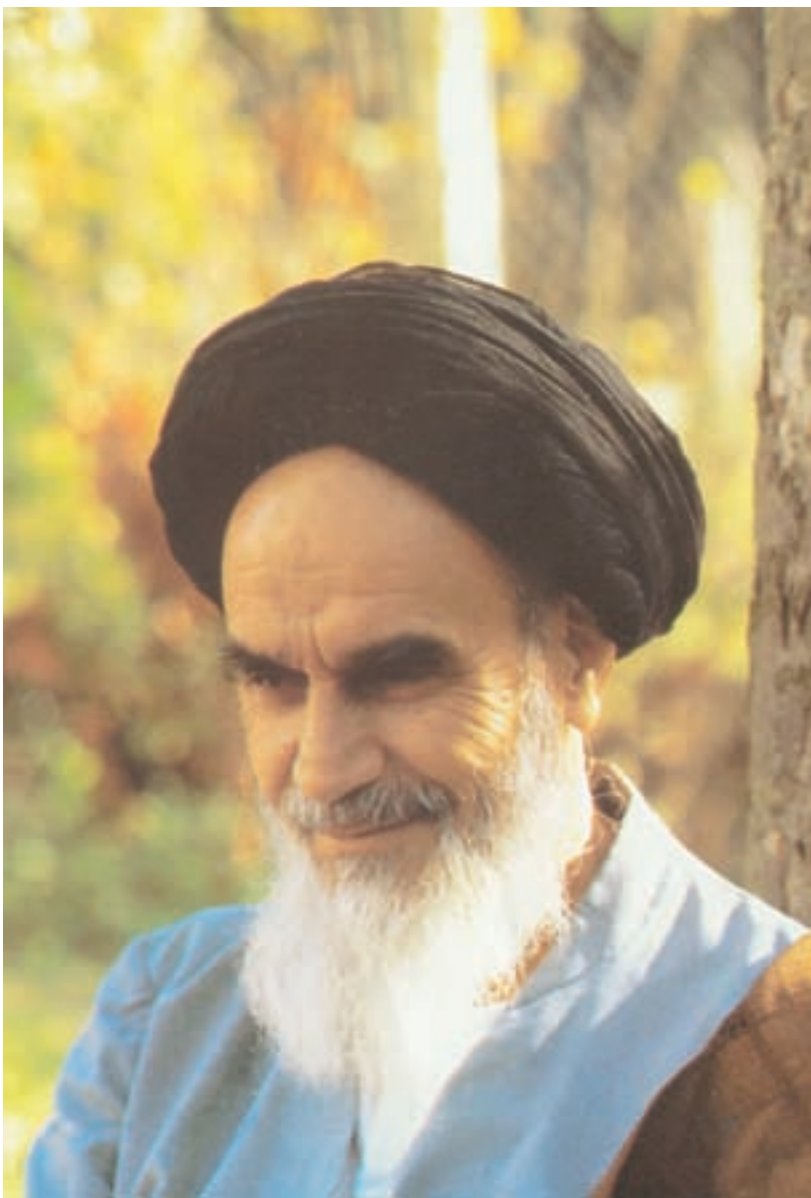
ناشر : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران: تهران - کیلومتر ۱۷ جاده‌ی مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروبخش)

تلفن: ۵-۴۴۹۸۵۱۶۱، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۱۳۴۴۵/۶۸۴

چاپخانه : شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»

سال انتشار و نوبت چاپ : چاپ دوازدهم ۱۳۹۰

حق چاپ محفوظ است.



نگوید که لغت عربی هم از ما نیست ؛ لغت عربی از ماست ؛
لغت عربی لغت اسلام است و اسلام از همه است.
امام خمینی

معلمین محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را در باره ی مطالب
 این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۳۶۳ ۱۵۸۵۵ - گروه درسی مربوط و یا پیام نگار (Email: talif@talif.sch.ir) ارسال نمایند.

دقت بر نامه ی ریزی و کیفیت کتاب باریز می

فهرس الكتاب

الدرس	العنوان	القواعد	الصفحة
الدرس الأول	ياربّ...	يادآوری	۱
الدرس الثاني	زيارة الحبيب	اوزان ثلاثی مزيد (۱)	۱۲
الدرس الثالث	التلميذ المثالي	اوزان ثلاثی مزيد (۲)	۲۵
الدرس الرابع	العبرة	جامد و مشتق (۱)	۳۶
الدرس الخامس	مُشاهدٌ من الحياة البسيطة	جامد و مشتق (۲)	۴۶
الدرس السادس	التجربة	ضمير	۵۸
الدرس السابع	الهجرة	موصول	۷۲
الدرس الثامن	توبه التعلب	معرب و مبنى	۸۳
الدرس التاسع	حُسنُ العاقبة	جمله ی فعلیه، (فعل و فاعل، مفعول به - جار و مجرور)	۹۱
الدرس العاشر	﴿فيه شفاءٌ للناس﴾	جمله ی اسمیه، مبتدا و خبر	۱۰۷
المُعجم			۱۲۱

مقدمه

ذات اقدس باری تعالی را سپاسگزاریم که توفیق خدمت به زبان قرآن را به ما عنایت فرمود تا حلقه‌ی ارتباط آشنایی نوباوگان ایران اسلامی با زبان وحی باشیم. احساس خدمت به زبان قرآن و معارف نورانی اسلام خود به تنهایی بسیار لذت‌بخش است. اما پس از فراغت از مرحله‌ی «تألیف کتاب‌های عربی دوره‌ی راهنمایی» و مورد استقبال قرار گرفتن آن‌ها از سوی دبیران و دانش‌آموزان، احساس اطمینان نسبت به درستی راهی که در پیش رو داریم، نیز بر آن افزوده گشت، و باعث شد در ادامه دادن راهی که از حدود یک دهه‌ی پیش، طبق برنامه‌ریزی دقیق زمانی و موضوعی به منظور متحول ساختن روش آموزش زبان قرآن یعنی زبان «عربی فصیح» در مدارس کشور اسلامی مان آغاز کرده‌ایم، مصرتر گردیم!

آموزش مرحله‌ای

آموزش زبان، با هر هدفی که باشد، به صورت مرحله‌ای انجام می‌گیرد و از مرحله‌ی مقدماتی آغاز می‌شود تا به مرحله‌ی پیشرفته برسد. گرچه دانش‌آموزان ما زبان عربی را به دلیل ریشه‌های عمیقی که در زبان، فرهنگ و باورهای دینی و مذهبی ما دارد، به‌عنوان زبان دوم نمی‌خوانند، بلکه آن را به‌عنوان یک مکمل، در کنار زبان فارسی فرا می‌گیرند، با وجود این در آموزش آن ناگزیر باید آموزش مرحله‌ای را در پیش گرفت. براساس همین نگرش، مباحث مقدماتی آموزش زبان عربی در کتاب‌های دوره‌ی راهنمایی گنجانده شده و در حقیقت مقطع راهنمایی، پایان مرحله‌ی ابتدایی آموزش زبان قرآن بود و با تألیف این کتاب، «مرحله‌ی دوم» آغاز می‌شود، که این مرحله در دو شاخه‌ی عمومی و اختصاصی (برای علوم انسانی) ادامه خواهد یافت.
إن شاء الله تعالی!

ویژگی‌های این کتاب

کتاب حاضر از سه بخش اساسی تشکیل شده است:

۱- متون

متون کتاب به شکل قصه و گفت‌وگو تهیه شده است تا ضمن برخورداری از جذابیت و زیبایی، بهتر بتواند دانش‌آموزان را در فهم و درک متون عربی و ترجمه‌ی آن‌ها یاری کند. محتوای این متون اغلب برگرفته از داستان‌های قرآنی، روایی و اخلاقی است. واژه‌های به‌کار گرفته شده در تهیه‌ی این متون، غالباً واژگان قرآنی و روایی هستند و دانش‌آموز با یادگیری آن‌ها،

عملاً متوجه خواهد شد ریشه‌ی اغلب لغات و اصطلاحات «عربی فصیح» همان لغات و اصطلاحات قرآنی است و نمی‌تواند از کلام الهی دور باشد!

برای اجتناب از طولانی شدن متون داستان‌ها، با بهره‌گیری از تصویر، علاوه بر جذاب شدن کتاب، بار معنایی فراوانی بر عهده‌ی این تصاویر گذاشته شده است.

۲- قواعد

در شیوه‌سازماندهی محتوای قواعد سعی شده است که میان قواعد درس و عینیت بخشیدن آن در طبیعت پیوند داده شود، تا دانش‌آموز احساس کند که عالم زبان و کلمه بیگانه از عالم طبیعت و آفرینش نیست. پس از ایجاد این ارتباط، با به‌کارگیری نمودار، جدول و کادرهای مختلف، سعی شده که دانش‌آموز با به‌کارگیری روش اکتشافی، خود در فرآیند یادگیری شرکت کند و سنگینی آموزش قواعد با به‌کارگیری این روش حتی الامکان تسهیل شود.

اهمیت استفاده از حضور فعال دانش‌آموز در فرآیند یادگیری و بهره‌مندی از روش پرسش و پاسخ، از نکاتی است که نباید نادیده گرفته شود!

مطالب کادرهای سمت چپ و راست صفحات قواعد نیز می‌تواند به عنوان یک «چاشنی»، امر یادگیری را تسهیل و جذاب کند.

۳- تمرین

در شیوه‌ی ارایی تمرین‌ها سعی شده که این تمرینات ضمن تحقق بخشیدن به اهداف مورد نظر در هر درس، از جذابیت و تنوع برخوردار باشد تا بتواند مورد توجه دانش‌آموزان قرار گیرد.

در این کتاب، بخش «تجزیه و ترکیب» نیز تحت عنوان «الإعراب و التحلیل الصرفی» آمده که با در نظر گرفتن این که «شجره»ی آموزش قواعد هر زبان، وقتی به بار خواهد نشست که این قواعد را بتوان بر کلمات و جمله‌ها تطبیق داد تا وسیله‌ای شود برای درست خواندن و درست درک کردن مطالب، اهمیت بسیار زیاد این بخش بر اهل فن پوشیده نیست و نباید از آن غافل بود!

در کنار این سه بخش اصلی، بخش‌های دیگری در نظر گرفته شده که همگی با هدف تسهیل فراگیری سه بخش اول سازماندهی شده‌اند. این بخش‌ها عبارتند از:

۱- اضاء قرآنیة

در کتاب‌های عربی دوره‌ی سه ساله‌ی راهنمایی صفحه‌ای با عنوان «الدراسات القرآنیة» گنجانده شده تا دانش‌آموزان رد پای آموخته‌های خود را در قرآن کریم جستجو کنند و به آن‌ها یادآوری شود که چگونه می‌توانند آموخته‌های خویش را مورد استفاده و بررسی قرار دهند.

توصیه‌هایی که در این بخش از کتاب حاضر می‌تواند مفید واقع شود، همان مواردی هستند که در کتاب‌های دوره‌ی راهنمایی مطرح شده‌اند.

۲- فی رحاب نهج البلاغة

در سه درس از کتاب حاضر تحت عنوان «فی رحاب نهج البلاغة» سعی شده است تا با فراهم ساختن زمینه‌ی آشنایی دانش‌آموزان، هرچند بسیار مختصر، با مطالب ارزشمند «نهج البلاغة» عملاً به آنان نشان داده شود کلمات و عبارات زبان «عربی فصیح» همگی از یک «اصل» منشعب شده‌اند، و آن همان کلام الهی یعنی قرآن کریم است!

۳- کارگاه ترجمه

این صفحه قصد دارد به منظور تقویت قوه‌ی درک و فهم عبارات که از اهداف غایی آموزش زبان عربی است، دانش‌آموز را با نکات و اصول ترجمه‌ی صحیح آشنا کند. تأکید روی این زمینه در تمامی متون و عبارات و تمرینات، مورد نظر است تا به تدریج امر پرداختن به تقویت فهم متون و عبارات جایگاه شایسته‌ی خود را باز یابد!

۴- اِصْنَع و اَعْمَل

ساخت و استفاده از ابزارهای آموزشی در فرآیند تعلیم و تربیت، امری غیرقابل انکار است. در ادامه‌ی سال سوم راهنمایی، این صفحه نیز وسیله‌ی تسهیل کار معلمان و دانش‌آموزان هنرمند را فراهم می‌کند و زمینه‌ای برای استفاده هر چه بیشتر از ابزارهای آموزشی در سال‌های آتی می‌گردد. این صفحه هر چند جزء اهداف و تکالیف اصلی دانش‌آموزان نیست، اما استفاده کردن از آن سبب پربارتر کردن آموزش زبان می‌گردد!

۵- کارهای فوق برنامه

در پایان هر درس، صفحه‌ای در نظر گرفته شده که زمینه‌ی کار فوق برنامه‌ی دانش‌آموزان را فراهم می‌کند. کارهای مطرح شده در این صفحه نیز گرچه جزء اهداف کتاب نیست، اما در ارتقای سطح علمی دانش‌آموزان و بسترسازی مناسب برای یادگیری زبان قرآن، بسیار حائز اهمیت است.

۶- توجه به کاربرد عربی در فارسی

از آنجا که فهم متون فرهنگ اسلامی و نیز دریافت لطایف و حلاوت زبان فارسی جز با یادگیری زبان عربی امکان‌پذیر نیست، لذا در این کتاب نیز چون کتاب‌های دوره‌ی راهنمایی، تا حد امکان به این مهم پرداخته شده و در جای جای کتاب علاوه بر استفاده از لغات و عبارات و متون اسلامی، سعی شده که از عبارات و لغات عربی مورد استفاده در زبان فارسی استفاده شود. در پایان و با امید این که تلاش مسؤولان، برنامه‌ریزان، کارشناسان و مؤلفان این کتاب بتواند

نقش سازنده‌ای در آموزش زبان قرآن داشته باشد، توجه دبیران ارجمند را به چند نکته‌ی زیر نیز جلب می‌نماید:

نکته‌ها

۱- در زمینه‌ی ترجمه، همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شده، کار اصلی بر عهده‌ی دانش‌آموزان است و معلم می‌بایست نقش راهنمایی و ارشاد داشته باشد.

۲- در زمینه‌ی قواعد، تلاش شود که از روش اکتشافی بهره گرفته شود و دانش‌آموز در جریان یادگیری، مستقیماً دخالت کند.

استفاده از کادرها و جدول‌ها در فرآیند یادگیری، بسیار مفید و لازم است. برگزاری مسابقات علمی در هنگام آموزش قواعد، می‌تواند به نشاط و تحرک بیشتر دانش‌آموزان کمک کند.

در زمینه‌ی قواعد به هیچ‌وجه مطالب خارج از کتاب، آموزش داده نشود. و اطمینان داشته باشیم که تمامی مطالب مورد نیاز به تدریج آموزش داده خواهد شد.

۳- سعی شود که پاره‌ای از جمله‌های ساده به هنگام ورود به کلاس و خروج از کلاس، بازکردن کتاب، حل تمرین‌ها و ... به زبان عربی بیان شود تا دانش‌آموز احساس کند در حال فراگیری زبانی زنده و پویا است و می‌تواند از کلمات و عبارات قرآن کریم در گفت‌وگوها و ... استفاده کند.

۴- توجه بیشتر به زبان قرآن و ایجاد انگیزه‌ی لازم در مخاطبان، منوط به استفاده از روش‌های جدید آموزشی است. امید است همکاران فاضل ضمن توجه به ارتقای سطح علمی خود، در زمینه‌ی بهبود روش‌های تدریس نیز توجه کافی بنمایند تا بتوان آفاق آینده‌ی «تعلیم و تعلم» زبان قرآن را هرچه بیشتر نورانی‌تر و روشن‌تر مشاهده کرد.

۵- در ارزشیابی از پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، فقط از آن دسته از لغات و کلمات و عبارات به کار رفته در «اضواء قرآنیة» و «فی رحاب نهج البلاغة» و «کارگاه ترجمه» می‌توان استفاده کرد که به نحوی در متن دروس نیز به کار رفته باشد.

«وَمِنَ اللَّهِ التَّوْفِيقُ»

گروه عربی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی

﴿... هَبْ * لِي حُكْمًا * وَالْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ﴾

يَارَبِّ

قَوِّ * عَلَيَّ خِدْمَتَكَ جَوَارِحِي!

وَأَشْدِّدْ * عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي!

فإِلَيْكَ * يَا رَبِّ

نَصَبْتُ * وَجْهِي.

وإِلَيْكَ يَا رَبِّ

مَدَدْتُ يَدِي.

يَا سَابِعُ * النِّعَمِ! يَا دَافِعَ النِّقَمِ!

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ

أَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ.*





تصویر فوق خلاصه‌ی مطالبی است که در دوره‌ی راهنمایی خوانده‌ایم. اکنون به کمک وسایل کمک آموزشی و انجام چند مسابقه، نکات و موضوعات خوانده شده را به یاد می‌آوریم.



هو	هی	ت
هما	هما	تا
هم	و	تن
أنت	أنت	ت
أنتما	أنتما	تُما
أنتم	أنتم	تُمّت
أنا	نحن	نا

فعل ماضی

اگر به «استوانه‌ی ماضی» توجه کنید، می‌بینید که فعل ماضی از یک «ریشه» (ماده، بُن) به علاوه تعدادی «ضمیر» ساخته می‌شود. با بالا و پایین آوردن نوار مقوایی صیغه‌های مختلف فعل ماضی ساخته می‌شود.

مطالب دوره‌ی راهنمایی پایه و اساس آموزش دوره‌ی دبیرستان است.

یادگیری «فعل» را دست کم نگیریم! صیغه‌های فعل را طوطی‌وار حفظ نکنیم!

فعل مضارع

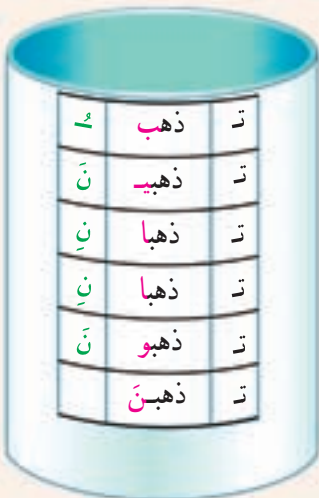
فعل مضارع نیز علاوه بر ریشه و ضمیر، تعدادی علامت دیگر هم دارد.

با دقت کردن به تمام حروف مضارع در تابلو و تکرار و تمرین، متوجه می‌شویم که چگونه با تغییر حرکت نوار روی صفحه، صیغه‌های مختلف ساخته می‌شود.

ذهب			ذهب		
هـ	ی	هـ	هـ	ی	هـ
ان	ی	ان	ان	ی	ان
ن	ی	ن	ن	ی	ن
ین	ت	ین	ین	ت	ین
ان	ت	ان	ان	ت	ان
ن	ت	ن	ن	ت	ن
هـ	أ	هـ	هـ	أ	هـ

نهی

در استوانه‌ی زیر می‌بینیم که هرگاه حرف «لا» مقابل فعل‌های مضارع مخاطب قرار می‌گیرد، تنها در پی تغییر دادن آخر فعل است، جز ...



فعل امر

اگر به استوانه‌ی زیر توجه کنیم، درمی‌یابیم که نوار صورتی رنگ روی هر فعلی که قرار می‌گیرد، حروف مضارع را می‌پوشاند و به جای آن یک حرف «ا» می‌گذارد و حرف «ن» نیز محو می‌شود؛ جز صیغه‌ی ...!



مسابقه‌ی دقت و سرعت

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید، در این جا ۸ تصویر کشیده شده و دو گروه از بچه‌ها باید تلاش کنند علامت‌هایی را که در دست دارند، زیر هر یک از تصاویر قرار دهند. آیا شما می‌توانید به آن‌ها کمک کنید؟!



آیا به این نتیجه رسیدیم که چقدر نکته و مطلب در دوره‌ی راهنمایی خوانده‌ایم؟!

مسابقه علاوه بر تقویت یادگیری و تثبیت آن، به ایجاد نشاط و تحرک در کلاس کمک می‌کند!

إعراب

مسابقه ای دیگر

کلاس به دو گروه تقسیم شده است. مسابقه از این قرار است که در مرحله ی اول جملاتی از سوی معلم نشان داده می شود :

ذَهَبَ الطَّالِبُ. ، شَرَبَ الطِّفْلُ الْمَاءَ. ، أَلْعِمَ مُفِيدٌ.



سپس روی کلماتی اشاره می کند. هر گروه به تناسب کلمه ای که به آن اشاره می شود، می بایست یکی از گزینه های زیر را بگوید :

«فاعل» همیشه «مرفوع»
«مبتدا» همیشه «مرفوع»
«خبر» همیشه «مرفوع»

«مفعول» همیشه
«منصوب»

در مرحله ی بعد معلم جملات را نشان می دهد و اعراب کلمات را می خواهد :

ذَهَبَ الطِّفْلُ. ، قرأت الطالبة القرآن. ، فَتَحَ الْمَعْلَمُ الْكِتَابَ فِي الصَّفِّ.

و در مرحله ی سوم معلم جملاتی را گاه صحیح و گاه غلط نشان می دهد و از دو گروه جواب

مورد نظر را می خواهد!

ضمیر — اسم اشاره

مسابقه ی حضور ذهن

دو گروه مسابقه دهنده ابتدا به دو تابلوی زیر توجه می کنند :

در دنیای اطراف خودمان،
همه چیز را با علامت ها
می شناسیم.

«رفع» و «نصب» و «جر»
را فراموش نکرده ایم؟! با
کدام حرکات نشان داده
می شوند؟

التصنيف الأول

ستون رمز

			ف	
			ل	
			م	

أَكْمِلِ الْجَدُولَ التَّالِيَ ثُمَّ أَكْتُبِ الرَّمْزَ فِي الْمَكَانِ

المُنَاسِبُ:

۱۔ کلید

۲۔ عبادت کن!

۳۔ جمع ((علیم))

۴۔ فرمان می دهند

۵- زن

۶ - جمع «رُكن»

رمز را این جا بنویسید :

التمرين الثاني

تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ التَّالِيَةَ ثُمَّ اجْعَلْ كُلَّ فِعْلٍ فِي مَكَانِهِ الْمُنَاسِبِ:



القسم الثاني الثالث

اجعل في الفراغ فعلاً مضارعاً للنهي:

۱- ﴿... الْحَقُّ بِالْبَاطِلِ﴾ (تَلْبِسُونَ)

٢- ﴿... إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ (تَحْزَنُ)

۳- ﴿... هَذِهِ الشَّجَرَةُ﴾ (تَقْرَبَانِ)

التكميلي الرابع

أكمل الجدول التالي:

چه تغییری ایجاد شد؟		آیا تغییری مشاهده می کنید؟	
ماضي	منفی (ماضي)	مضارع	منفی (مضارع)
تَعَبَ - (خسته شد)		يَتَعَبُ	
-	ماشربَتَ (...)		
		يَصْرُخُنَ (...)	
چه علامتی آمد؟		چه تغییری می بینید؟	

التكميلي الخامس

اكتب كل كلمة في مكانها المناسب من الجدول ثم اذكر مفرداتها:

والدين، أيام، مسؤولين، جنتان، عالمات، صادقین، صالحات، بحرین، علوم، خاشعون،
فراشات، عباد.

المثنى	المفرد	الجمع السالم	المفرد	جمع التكسير	المفرد

التصنيف السادس

اجعل في الفراغ ضميراً مناسباً:



التصنيف السابع

عَيِّنْ إعراب الكلمات التي أُشيرَ إليها بخطٍّ:

اللَّهُمَّ! ... قولك حقٌّ و وعدك صدق .

و يضرب الله الأمثال للناس

مبتدأ	خبر	فاعل	مفعول	مجرور بحرف الجر
...
...	...			

التصنيف الثامن

عَيِّنِ التَّرْجُمَةَ الصَّحِيحَةَ:

١- لَا تَبْتَغُوا عَنْ غُيُوبِ النَّاسِ.

☐ در مورد عیب های مردم بحث نکنید.

☐ در جست و جوی عیب های مردم مباشید.

٢- وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

☐ خداوند می داند و شما نمی دانید.

☐ خداوند می داند و آن ها نمی دانند.

٣- ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ

☐ رکوع و سجود کنید و پروردگارتان را پرستید.

☐ رکوع و سجود کردند و پروردگارشان را پرستیدند.



در ترجمه، توجه به نکات زیر- که در سال‌های قبل خوانده‌ایم - ضروری است.

- ۱- اسمیه یا فعلیه بودن جمله
- ۲- فعل و صیغه‌ی آن (ماضی، مضارع، امر، غایب، مخاطب، متکلم)
- ۳- ضمائر
- ۴- اسم‌های اشاره
- ۵- سؤالی و یا منفی بودن جمله
- ۶- تشخیص فاعل و مفعول
- ۷- تشخیص مفرد یا مثنی و یا جمع بودن اسم‌ها

با توجه به مطالب گفته شده، غلط‌های ترجمه‌های زیر را پیدا کنید و صحیح آن‌ها را بنویسید:

- ۱- ﴿أَكْتُبْ لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ﴾
برای ما در آن دنیا و آخرت نیکی را می‌نویسم.
- ۲- ﴿إِزِجْ عِي إِلَى رَبِّكَ﴾
به‌سوی پروردگارتان باز گردید.
- ۳- ﴿سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا﴾
خداوند پس از سختی آسانی قرار داد.
- ۴- يَسْمَعُ اللَّهُ نِدَاءَ الْمَظْلُومِينَ .
صدای مظلومان پیام خدا را می‌شنود.
- ۵- ﴿لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ﴾
عبادت نمی‌کنید مگر خدا را!

صفحه‌ی «کارگاه ترجمه» قصد دارد در پایان هر درس شما را با اصول ترجمه و نکته‌های مهم آن آشنا کند!

صفحه‌ی «کارگاه ترجمه» به منظور توجه و اهتمام بیشتر به موضوع تقویت قوه‌ی درک و فهم متون عربی فراهم شده است.

در ترجمه‌ی عبارت‌های متن درس و نیز تمرینات، نکات «کارگاه ترجمه» را مدنظر قرار دهیم.

نکاتی که در این زمینه مطرح خواهد شد، با مطالب خوانده شده‌ی هر درس ارتباط دارد.

الف

با توجه به زمان و صیغه ی فعل های مشخص شده، جاهای خالی را پر کنید :

- ۱- قَالَ : ﴿ اَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَاجِعٌ ﴾ . (حجر / ۳۴) گفت : از این [مقام] ... که تو رانده شده ای .
- ۲- ﴿ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ﴾ . (رحمن / ۲۲) از هر دو [دربار] مروارید و مرجان
- ۳- ﴿ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ يَنْظَرُونَ ﴾ . (انفال / ۴۷) مانند کسانی مباشید که از خانه هایشان با حالت سرمستی

ب

حرکت آخر (اعراب) کلماتی را که زیر آن ها خط کشیده شده، مشخص کنید :

- ۱- ﴿ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ ﴾ (اسراء / ۸۱) حق آمد و باطل از میان رفت
- ۲- ﴿ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ ... ﴾ (توبه / ۲۶) خدا آرامش خویش را بر پیامبرش و ... فرو فرستاد.
- ۳- ﴿ اللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ﴾ (بقره / ۹۵) خداوند بر (حال) ستمکاران آگاه است.

فهرست لغات

- «الْعَلَمُ»
یا کُمَيْلُ!
الْعَلَمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ.
الْعَلَمُ يَحْرُسُكَ^۲ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ. «جَم ۱۴۷»
● ترجم عباراتِ اِلَى الْفَارَسِيَّةِ ثُمَّ عَيْنَ الْمَبْتَدَأِ وَالْخَبَرِ.

- ۱- وسایلی را که برای درس اول ساخته ایم، در معرض دید دانش آموزان کلاس های دیگر قرار دهیم.
- ۲- آیا علاوه بر وسایل گفته شده، می توانیم وسایل دیگری را طراحی کنیم؟
- ۳- در ساعت های فوق برنامه، کارگاه ساخت وسایل کمک آموزشی ایجاد کنیم.
- ۴- طریقه ی ساخت وسایل کمک آموزشی را درکنار هر وسیله نمایش دهیم.
- ۵- از معلمان و دانش آموزان مدارس دیگر برای بازدید از نمایشگاه دعوت کنیم.
- ۶- برای درس های دیگر نیز به فکر ساخت وسایل کمک آموزشی باشیم!
- ۷- از برگزارکنندگان نمایشگاه و فعالان و طراحان وسایل به نحو مقتضی تقدیر شود.

عربی را با استفاده از ابزارهای کمک آموزشی بیاموزیم!

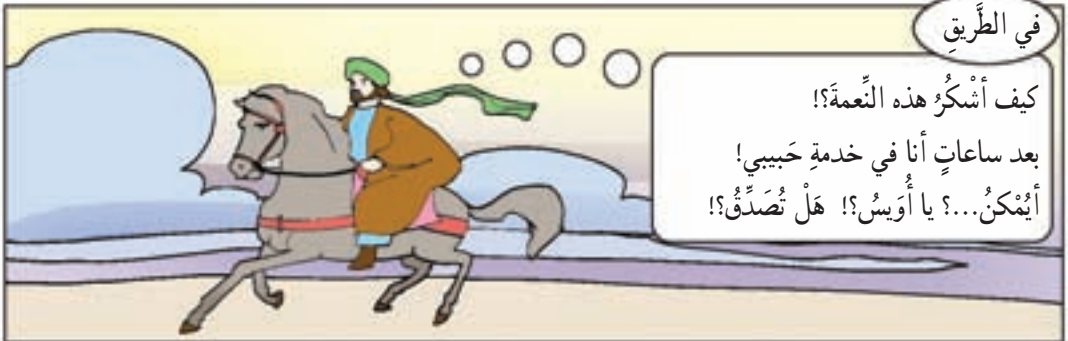
نمایشگاهی از وسایل کمک آموزشی پر پا کنیم!

روزهای فعالیت جنبی درس عربی و برگزاری نمایشگاه ها و ...
را از روزهای شیرین مدرسه قرار دهیم!

در آغاز سال تحصیلی فعالیت و نشاط دانش آموزان کلاس
عربی را با ایجاد نمایشگاه وسایل کمک آموزشی نشان دهیم!

زِيَارَةُ الْحَبِيبِ *

الدَّرْسُ الثَّانِي



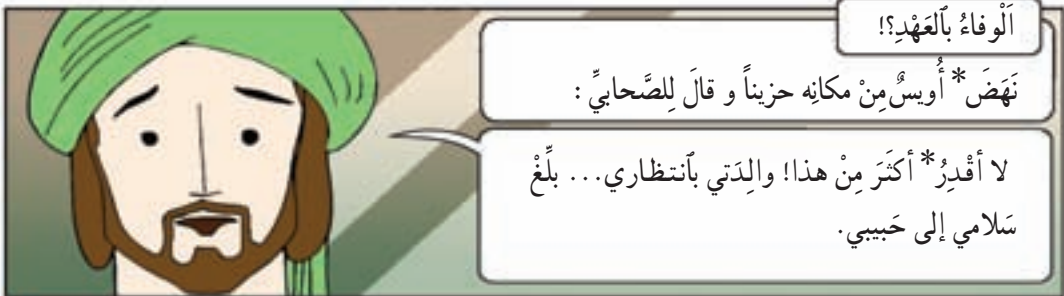




– لا ... لا ... أين ... أين؟
– هو سافر إلى مكان قريب،
يرجع بعد قليل* إن شاء الله.



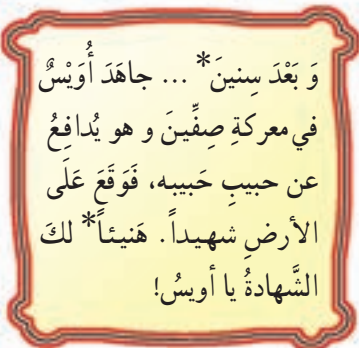
– قَطَعْتُ هذه المسافة البعيدة لزيارة حبيبي.
والدتي؟!
فَجَلَسَ على الأرضِ قَلِيقاً* ... نَظَرَ إلى
السَّمَاءِ،
يُقَنِّشُ* عَنِ مَوْضِعِ الشَّمْسِ ...



الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ؟!
نَهَضَ* أُوَيْسٌ مِنْ مكانه حزناً و قَالَ لِلصَّحَابِيِّ:
لا أَقْدِرُ* أَكْثَرَ مِنْ هذا! والدتي بانتظاري ... بَلِّغْ
سَلامِي إلى حَبِيبِي.



و تَرَكَ المَدِينَةَ.



و بَعْدَ سِنَيْنِ* ... جَاهَدَ أُوَيْسٌ
فِي مَعْرَكَةِ صِفِّينَ وَ هُوَ يُدَافِعُ
عَنِ حَبِيبِ حَبِيبِهِ، فَوَقَعَ عَلَى
الأَرْضِ شَهِيداً. هَنِيئاً* لَكَ
الشَّهَادَةُ يَا أُوَيْسُ!



رَجَعَ النَّبِيُّ (ص) مِنْ سَفَرِهِ ...
إِنِّي لَأَجِدُ نَفْسَ الرَّحْمَنِ مِنْ
جَانِبِ الْيَمَنِ!
تَفُوحُ* رَائِحَةُ الْجَنَّةِ مِنْ
قَبْلِ* «قَرْن»!



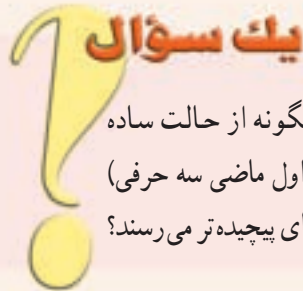
آیا تا به حال فکر کرده‌اید که اصل و اساس و ریشه‌ی هر موجودی به یک امر ساده و غیر مرکب و بسیط ختم می‌شود؟
به عبارت دیگر همه‌ی درختان و نباتات و حیوانات و انسان‌ها در ابتدا یک شیء ساده بوده‌اند؟!

عالم کلمات هم جدای از عالم مخلوقات نیست. در این جا هم کلمه‌ها در آغاز ساده‌تر بودند، سپس به تدریج با اضافه شدن حروفی به آن‌ها، کلمات جدیدتری ساخته شدند.

ح	ع	ک
س	ل	ت
ن	م	ب

أَحْسَنَ
كَاتَبَ
عَلَّمَ

حَسَنَ
كَتَبَ
عَلَّمَ



فعل‌ها چگونه از حالت ساده (صیغه‌ی اول ماضی سه حرفی) به حالت‌های پیچیده‌تر می‌رسند؟

به آیات زیر توجه کنید :

کلمات هم
عالمی دارند!

باز هم بحث فعل!
مگر نگفتیم که «فعل» اصل و
اساس است؟!
آن‌را یاد بگیریم و تمرین کنیم!

- ۱- ﴿أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ﴾
- ۲- ﴿النَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ﴾
- ۳- ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا﴾

حال به سؤالات زیر پاسخ دهید :

- ۱- چه تفاوتی از لحاظ تعداد حروف در این افعال مشاهده می کنید؟
- ۲- کدام فعل کم ترین تعداد حروف را دارد؟
کدام فعل بیش ترین تعداد حروف را دارد؟
- ۳- صیغه ی اول ماضی این فعل ها کدام است؟

نتیجه

فعل هایی مانند «أَمَرَ»، «يَسْجُدَانِ»، «فَتَحْنَا» که صیغه ی اول فعل ماضی آن ها از سه حرف تشکیل می شود، «ثلاثی مجرد» نام دارد.

يك سوال اساسی

آیا فکر می کنید همه ی نیازهای ما در گفتن و نوشتن با فعل های سه حرفی برطرف می شود؟
برای یافتن پاسخ سؤال فوق به تابلوی زیر توجه کنید :

- ۱- ﴿أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ﴾
- ۲- ﴿فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ﴾
- ۳- ﴿وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا...﴾

فریب ظاهر فعل را
نخوریم!
ملاک صیغه ی اول است!

- آیا می توانید فعل های آیات فوق را پیدا کنید؟
- آیا می توانید صیغه های اول ماضی این افعال را پیدا کنید؟
- صیغه ی اول ماضی این افعال دارای چند حرف است؟

ثلاثی : سه حرفی
مجرد : تنها
ثلاثی مجرد : ... ؟

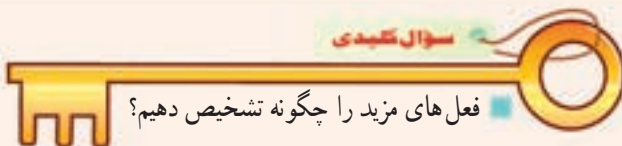
فعل‌هایی مانند: «تُكْذِبَانِ»، «أَرْسَلْنَا»، «هَاجَرُوا»، «جَاهَدُوا...» که صیغه‌ی اول ماضی آن‌ها بیش از سه حرف دارد، «ثلاثی مزید» نامیده می‌شود.

حال از خود سؤال کنید:

- ۱- ملاک تشخیص مجرد یا مزید بودن فعل، کدام صیغه است؟
- ۲- فعل «ثلاثی مجرد» با «ثلاثی مزید» از لحاظ ظاهری چه تفاوتی دارند؟
- ۳- برای یافتن صیغه‌ی اول ماضی چه کارهایی انجام می‌دهیم؟



سؤال کلیدی



جواب

فعل‌های مزید قالب‌های مشخصی دارند!
ما در این درس با سه وزن از فعل‌های مزید آشنا می‌شویم:



این سه نکته را در مورد باب افعال به خاطر داشته باشیم!

معرفی افعال

۱- ماضی این باب بر وزن «أَفْعَلَّ»: أَحْسَنَ، أَظْهَرَ

۲- مضارع این باب بر وزن «يُفْعِلُ»: يُحْسِنُ، يُظْهِرُ

۳- مصدر این باب بر وزن «إِفْعَال»: إِحْسَان، إِظْهَار

در اینجا هم «حرکات» مهم است!
با تغییر حرکت، معانی عوض می‌شود!
زبان قرآن زبان «حرکت» است.

هرچه قالبی باشد، یادگرفتنش راحت‌تر است! مانند فعل‌های مزید! مگر نه؟!

نکته همه ی فعل ها - چه مجرد و چه مزید - «مصدر» دارند.



«مصدر» را به عنوان پایه و اساس برای فعل قرار دهیم.

مصادر فعل های مجرد اوزان معینی ندارند، بلکه **سماعی** هستند!

اما

مصادر فعل های مزید وزن معینی دارند. به عبارت دیگر «**قیاسی**» هستند.

مصادر قیاسی

- ۱- ماضی و مضارع و مصدر فعل «كَرَّمَ» در باب افعال کدام است؟
- ۲- صیغه ی اول ماضی از باب افعال چند حرف دارد؟
- ۳- در فعل ماضی باب افعال کدام حرف زاید است؟
- ۴- ملاک تشخیص اصلی یا زاید بودن حروف یک کلمه چیست؟
- ۵- جاهای خالی را پر کنید :
 - هی ... (أُتِّبْتُ)
 - اُتِّم ... (يُتِّبْتُ)

معرفه

تفعیل

این سه نکته را در مورد باب تفعیل به خاطر داشته باشیم!

همه برای خود ریشه ای دارند، آدم بی ریشه، بی هویت است!

مصادر فعل های مجرد قالب مشخصی ندارند! پس باید آن ها را با تکرار و تمرین به خاطر سپرد!

- ۱- ماضی این باب بر وزن **فَعَّلَ** : **عَلَّمَ**، **قَدَّمَ**
- ۲- مضارع این باب بر وزن **يُفَعِّلُ** : **يُعَلِّمُ**، **يُقَدِّمُ**
- ۳- مصدر این باب بر وزن **تَفَعَّلَ** : **تَعَلَّمَ**، **تَقَدَّمَ**



حال به این چند سؤال پاسخ دهید :

- ۱- ماضی و مضارع و مصدر فعل «صَدَقَ» از باب تفعیل را بنویسید.
- ۲- صیغه ی اول ماضی در باب تفعیل چند حرف زاید دارد؟
- ۳- آیا تعداد حروف زاید باب افعال و تفعیل با هم دیگر فرق می کند؟
- ۴- چرا فعل «قَدَّمَ» ثلاثی مزید است؟
- ۵- جاهای خالی را پر کنید :
هما ... (دَبَّرَ)
أَنْتَ ... (يُدَبِّرُ)

این سه نکته را در مورد باب مفاعلة به خاطر داشته باشیم :

مرفوعه

۱- ماضی این باب بر وزن «فَاعَلَ» : جَاهَدَ، دَافَعَ، خَالَفَ

۲- مضارع این باب بر وزن «يُفَاعِلُ» : يُجَاهِدُ، يُدَافِعُ، يُخَالَفُ

۳- مصدر این باب بر وزن «مُفَاعَلَةٌ» و گاهی «فِعَالٌ» : مُجَاهَدَةٌ، مُدَافَعَةٌ،

مُخَالَفَةٌ، جِهَادٌ، دِفَاعٌ، خِلَافٌ

حال به سؤالات زیر پاسخ دهید :

- ۱- ماضی و مضارع و مصدر فعل «نَصَرَ» از باب «مفاعلة» را بنویسید.
- ۲- صیغه ی اول ماضی در باب «مفاعلة» چند حرف زاید دارد؟
- ۳- آیا تعداد حروف زاید باب مفاعلة و افعال و تفعیل با هم دیگر فرق می کند؟
- ۴- چرا فعل «صَادَقَ» ثلاثی مزید است؟
- ۵- جاهای خالی را پر کنید :

هم ... (دَافَعَ)

أَنْتُمْ ... (يُدَافِعُ)

نکته اول

قبلاً آموختیم که برای ساختن فعل امر حرف مضارع «ت» حذف

می شود و به جای آن یک همزه با حرکت کسره ـ و یا ضمه ـ آورده

می شود ؛ مانند : اِذْهَبْ، اُخْرِجْ

اگر طریقه ی تشخیص وزن کلمات را ندانیم، آیا می توانیم فعل های مجرد و مزید را از یکدیگر تشخیص دهیم؟

فعل های مزید نیز مانند فعل های ثلاثی مجرد صرف می شوند :
يُعَلِّمُونَ، اُكْرِمْنَا و ...

اکنون می‌آموزیم که

همزه‌ی بابِ اِفعال در فعل امر همیشه **مفتوح** است :
تُكْرِمُ ← أَكْرِمُ تُحْسِنُ ← أَحْسِنُ

نکته دوم

آیا تا کنون پیش خودتان فکر کرده‌اید که برای ساختن فعل امر چه نیازی به همزه داریم؟! برای یافتن پاسخ، یک بار دیگر به نحوه‌ی ساخت فعل امر توجه می‌کنیم :

تَخْرُجُ حذف «ت» از اول خُرْجُ ← أُخْرِجُ
حذف حرکت آخر

تَذْهَبُ ← ذَهَبُ ← إِذْهَبُ

— آیا جواب را پیدا کردید؟

— در عربی مانند فارسی حرف ابتدای کلمه نمی‌تواند ساکن باشد.

— همزه امر (غیر از باب اِفعال) چه حرکتی دارد؟

به خاطر داشته باشیم!



هرگاه پس از حذف **حرف مضارع**،
مواجه با حرکت ساکن نشدیم، دیگر نیازی
به **همزه** نداریم؛ مانند :

تُجَاهِدُ ← جَاهِدُ
تُعَلِّمُ ← عَلِّمُ

همزه به هنگام ناتوانی و نیاز
عصای دست بود!
اما در زمان توانایی و عدم نیاز
دیگر چه حاجتی به عصا هست؟!

مسابقه را فراموش نکنیم!
شناخت فعل‌های مجزّد و مزید و
تشخیص فعل امر و ... را میان
دو گروه کلاسی به مسابقه بگذاریم!

عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَلَى حَسَبِ النَّصِّ :

- ١- كَانَ أُوَيْسٌ مُشْتَاقًا لِرِيَاةِ النَّبِيِّ (ص).
- ٢- وَعَدَ أُوَيْسٌ أُمَّهُ بِالزُّجُوعِ بَعْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ.
- ٣- جَاهَدَ أُوَيْسٌ فِي مَعْرَكَةِ «نَهْرَوَانَ»، فَوَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ شَهِيدًا.

التدريب الثاني

با توجه به کفه های پر شده، کلمات هاجر أَكْرَمَ أَشْرَكَ جَالَسَ أَحْسَنَ عِلْمَ قَدَّمَ كَبَّرَ كَاتَبَ هم وزن آن ها را پیدا کنید :

أفعل	؟	فعل	؟	فاعل	؟
أكرم					

حال چنانچه در کفه های پر شده کلمات «يُفَعِّلُ، يُفَعَّلُ و يُفَاعِلُ» را قرار دهید، جهت برابر شدن کفه ها در وزن فعل های بالا چه تغییری ایجاد می شود؟

يُفَعِّلُ	يُفَعَّلُ	يُفَاعِلُ	؟
	يُعَلِّمُ		

اکنون مصادر فعل های بالا را در جای خالی قرار دهید :

--	--	--

التصويث الثالث

اجعل في الفراغ كلمة مناسبة من الدوائر:

١- ﴿وَ أَحْسِنْ كَمَا ... اللَّهُ إِلَيْكَ﴾

٢- ﴿إِنَّا ... هُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾

٣- ﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ... أَقْدَامَنَا﴾

٤- ﴿إِنَّا نَحْنُ ... عَلَيْكَ الْقُرْآنَ﴾

أَحْسَنَ

أَحْسَنُوا

أَنْزَلَ

أَنْزَلْنَا

تَبَيَّنُوا

تَبَيَّنَتْ

نَزَّلَتْ

نَزَّلْنَا

التصويث الرابع

برگ هایی که روی زمین افتاده مربوط به هر سه درخت است، شما به کمک قرائن بگویید هر

برگ مربوط به کدام شاخه است؟



التصويث الخامس

أكمل ترجمة الجمل التالية:

١- لَا يَشْعُرُ الْمُؤْمِنُ بِالضَّعْفِ عِنْدَ مُوَاجَهَةِ الْمَشَاكِلِ.

... به هنگام ... با مشکلات احساس ضعف ...

٢- اَللّٰهُمَّ! نَوِّرْ قُلُوْبَنَا بِنُورِ الْإِيمَانِ وَ الْيَقِيْنِ.

خدایا! ... ما را به نور ... و ...

٣- هَؤُلَاءِ وَجَدُوا السَّعَادَةَ فِي مُسَاعَدَةِ الْآخَرِيْنَ.

اینان ... را در ... به دیگران ...

٤- الْمُؤْمِنُونَ يُجَاهِدُونَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.

مؤمنان با ... و جان هایشان در ...



□ فعل‌هایی که در یکی از باب‌های «إفعال»، «تفعیل» به کار می‌روند، اغلب به صورت «متعدی» ترجمه می‌شوند. به عبارت دیگر در هنگام ترجمه، نیاز به مفعول دارند.

□ پاره‌ای از افعال همراه حرفی به کار می‌روند که در هنگام ترجمه به فارسی نیازی به ترجمه‌ی آن حروف نیست؛ مانند: سَخَّرَ مِنْ (مسخره کرد)، حَصَلَ عَلَيَّ (به دست آورد)، شَغِرَ (متوجه شد، احساس کرد)

ترجمه‌ی متن زیر را بخوانید و اصلاحات لازم را در آن انجام دهید:

«التَّجْرِیةُ»

أَرْسَلَ رَجُلٌ وَلَدَهُ إِلَى خَارِجِ الْمَدِينَةِ لِكَيْ يَتَجَرَّبَ. فَلَمَّا خَرَجَ الْوَلَدُ مِنَ الْمَدِينَةِ، شَاهَدَ ثَعْلَبًا مَرِيضًا. فَوَقَفَ مُدَّةً ... وَفَكَّرَ ...

«كيف يحصلُ على الطعام؟!»

في هذه اللحظة شاهد أسدًا معه صيدٌ. فلما قَرَّبَ مِنَ الثَّعْلَبِ أَكَلَ مِنَ الصَّيْدِ وَتَرَكَ الْبَاقِيَّ وَذَهَبَ! بعد لحظة حَرَكَ الثَّعْلَبُ نَفْسَهُ بِصُعُوبَةٍ وَقَرَّبَ مِنَ الصَّيْدِ وَبَدَأَ بِالْأَكْلِ.

فقال في نفسه: إِنَّ اللَّهَ كَفِيلٌ بِالرِّزْقِ، فلماذا أَتَحْمِلُ الْمُسْهَقَةَ؟! فَرَجَعَ إِلَى الْوَالِدِ وَشَرَحَ لَهُ الْقِصَّةَ. فقال الوالد: يَا بُنَيَّ لَقَدْ أَخْطَأْتَ ... فَإِنِّي فَصَدْتُ لَكَ حَيَاةً كَرِيمَةً. أَنْظِرْ إِلَى الْأَسَدِ! كيف يُسَاعِدُ الْآخَرِينَ وَهُوَ حَيَوَانٌ قَوِيٌّ كَمَا تَعْلَمُ! وَلَكِنْ أَنْظِرْ إِلَى الثَّعْلَبِ ... هُوَ يَنْتَظِرُ مُسَاعَدَةَ الْآخَرِينَ ... فَلَيْسَتْ لَهُ حَيَاةٌ كَرِيمَةً ... فَفَهِمَ الْوَلَدُ وَغَيَّرَ نَظْرَتَهُ حَوْلَ الْحَيَاةِ.

تجربه

مردی فرزندش را برای به دست آوردن تجربه به خارج شهر فرستاد. پس زمانی که فرزند از شهر خارج شد، رویاه مریضی دیده شد پس مدتی درنگ کرد ... و اندیشید ... «چگونه بر غذا به دست می‌آورد؟! در این لحظه شیری را دید که با او شکاری بود. زمانی که از رویاه نزدیک شد، از شکار خورد و باقی را ترک گفت و خارج شد. پس از لحظه‌ای، رویاه به سختی خود را حرکت داده شد و به شکار نزدیک شد و شروع به خوردن کرد. پس پسر با خود گفت: بی شک خداوند ضامن روزی است، پس چرا مشقت و سختی تحمل می‌کنم؟! سپس نزد پدرش رفت و برای او توضیح داد. پدر گفت: فرزندم، اشتباه می‌کنی! ... من برای تو زندگی شرافتمندانه‌ای را می‌خواستم. به شیر نگاه می‌کنم! به دیگران کمک می‌کند چگونه و همانطور که می‌دانی او حیوانی قوی است! اما به رویاه نگاه کن ... او منتظر کمک دیگران می‌باشد ... و از این رو برای او زندگی شرافتمندانه نیست. پس فرزند متوجه شد و دیدگاه خود پیرامون زندگی عوض شد.

دقت کنیم که:

از اهداف غایی آموزش زبان عربی، توانایی در ترجمه و فهم عبارت‌ها است.

نقش اصلی در ترجمه‌ی متون و عبارت‌ها، برعهده‌ی ما دانش‌آموزان است!

معلم نقش «مصحح» و «منقح» را در ترجمه‌ی ما دانش‌آموزان ایفا می‌کند!

ترجمه‌ی صحیح عبارت‌های عربی کتاب را از وظایف خود بدانیم!

الف: در قواعد درس با باب «تفعیل» آشنا شدیم، اکنون با توجه به ترجمه‌ی آیات در جای خالی از مصدر «تسبیح»

(خدا را به پاکی یاد کردن) فعل مناسب قرار دهید :

۱- ﴿نَحْنُ... بِحَمْدِكَ وَتُقَدِّسُ لَكَ﴾ (بقره/ ۳۰)

ما با ستایش تو، از تو به پاکی یاد می‌کنیم و به تقدیس می‌پردازیم.

۲- ﴿... اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ لَا يَقُتِرُونَ﴾ (انبیاء/ ۲۰)

شبانه‌روز خداوند را به پاکی یاد می‌کنند و سستی نمی‌ورزند.

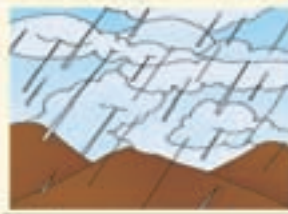
۳- ﴿فَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَ... بِحَمْدِ رَبِّكَ﴾ (طه/ ۱۳۰)

بر آنچه می‌گویند، شکیباهش و با ستایش پروردگارت از او به پاکی یاد کن.

ب: دو آیه‌ی زیر را بخوانید و به سؤالات پاسخ دهید :

﴿وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ﴾ (اسراء/ ۱۰۵) ﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ (حجر/ ۹)

أُنْزِلَ - نَزَلَ



نَزَلَ

سؤال:

تفاوت میان نزل و أنزل از جهت لفظ و معنی چیست؟

تفاوت میان نزل و نَزَلَ از جهت لفظ و معنی چیست؟

مطالب ماهنامه‌ی شما می‌تواند شامل موارد زیر باشد :

- ۱- ترجمه‌های تصویری
- ۲- معرفی وسایل کمک آموزشی
- ۳- اشعار عربی زیبا و ساده
- ۴- داستان‌های مصور
- ۵- لطایف
- ۶- جدول
- ۷- مصاحبه با دبیران و مسئولان مدرسه
- ۸- مصاحبه با دانش آموزان
- ۹- نقد کتاب‌های درسی
- ۱۰- ...

از اولین روزهای مدرسه به فکر اجرای کارهای فوق برنامه

باشیم ؛ از قبیل : تهیه‌ی ماهنامه‌ی دیواری!

چه خوب است ماهنامه دیواری هم مطالب عربی داشته باشد و

هم فارسی. و از این مسأله بیم نداشته باشیم که غلط‌هایی در عبارت‌ها

مشاهده شود. مهم شروع کردن است. پس شروع کنیم ؛ بسم الله!



هو تلميذٌ في مدرستِنَا.



في البيت

مالِك *تَنَاقُلُ*...؟!
الْشَّمْسُ مُخْرِقَةٌ *
... غَدَا حَفْلَةٌ *...!

— بَلَى ... ولكن هؤلاء يَهْرُبُونَ من
قِرَاءَةِ الدُّرُوسِ.
هم يَتَكَاسِلُونَ * ... حتماً ... لاشك.

— ولكن ...!



— مَنْ هُوَ؟

— لا أدري!
... حتماً ...
ذلك الولد ...
لا أدري! لا أدري!



— شيء جميل! بأي مناسبة؟
— لِتَعْيِينِ التِّلْمِيزِ
المثالي!

— أمّاه! تَتَعَقَّدُ حَفْلَةٌ في
المدرسة.



إِسْتَبَقْتُ * قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ وَ تَوَضَّأْتُ * وَ
بَعْدَ الصَّلَاةِ، هَيَّأْتُ * نَفْسِي لِلذَّهَابِ ...
فَذَهَبْتُ وَحْدَهُ.



لا بأس!



— على أي حال ... هل نذهب معاً يا
أمّاه؟

— يا بُنَيَّ! أَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ غَدَاً *
مَوْعِدَ تَسْلِيمِ السَّجَّادَةِ *
لصاحبها ... لا أَفِدِرُ،
أَسِفُهُ *.

في المدرسة

مَرَحَبًا * ... مَرَحَبًا ... تَقْضَلُوا ... تَقْضَلُوا!

— شُكْرًا جَزِيلًا ... شُكْرًا جَزِيلًا.



...و بعد دقائق

بَدَأَتِ المَراسِيمُ و بعد إجراء مَسْرَحِيَّةٍ * و أنشودةٍ ...

نحنُ أَجْتَمَعْنَا هُنَا لِتَكْرِيمِ * تلميذٍ مِثَالِي ... هُوَ أُسْوَةٌ * لِلْجَمِيعِ ... في الأخلاقِ ... في الدرسِ ... والعَمَلِ. هذا هُوَ («سعيد»).



— إلهي! ماذا أَسْأَلُهُ؟ هُوَ ذَلِكَ الْبَائِعُ!

— بُيَّي ... بُيَّي ... لَقَدْ اشْتَبَهْتُ ... لا ... لا ... هُوَ النَّاجِحُ ...! في الْحَقِيقَةِ نحنُ نَتَكَاسَلُ.



أَقْبَلَ * سَعِيدٌ وَأَسْتَقْبَلَهُ الْمُدِيرُ بِحَفَاوَةٍ * و بعد مصافحته * عَلَّقَ * على عُنُقِهِ * وَسَامَ * الْأَجْتِهَادِ وَالنَّشَاطِ. و مَنَحَهُ * جَائِزَةً.





ملاک تشخیص
صیغه‌ی اول ماضی

مفاعلة

فَاعِل

يُفَاعِلُ

فَاعِل

بیش از سه حرف
یعنی مزید

تفعیل

فَعَّلَ

يُفَعِّلُ

فَعَّلَ

مجرد و مزید

إفْعال

أَفْعَلَ

يُفْعِلُ

أَفْعِلَ

چرا باب‌های مزید را می‌آموزیم؟

آموختن باب‌های مزید عبارت است از :

فوائد

- ۱- به دست آوردن معانی جدید.
- ۲- آشنایی و فهم معانی فعل‌های مزید.
- ۳- استفاده از کتاب‌های لغت (چون اکثر فرهنگ‌های لغت براساس ریشه‌ی سه حرفی تنظیم شده‌اند).
- ۴- آشنایی با کلمات مزید رایج در زبان فارسی.
- ۵- توانایی بیشتر در ترجمه.

و اکنون ادامه‌ی موضوع ...

معرفه باب‌های تفعیل

۱- ماضی این باب بر وزن «تَفَعَّلَ» می‌آید: تَعَلَّمَ

۲- مضارع این باب بر وزن «يَتَفَعَّلُ» می‌آید: يَتَعَلَّمُ

۳- امر این باب بر وزن «تَفَعَّلْ» می‌آید: تَعَلَّمْ

۴- مصدر این باب بر وزن «تَفَعَّلَ» می‌آید: تَعَلَّمَ

ابواب مزید موجب گسترش دایره‌ی کاربرد کلمات است، همچون یک کارخانه‌ی تولیدی!

کتاب‌های درسی خود را ورق بزنید؛ فارسی، ریاضی ... آیا کلماتی از ریشه‌ی عربی می‌یابید؟

حال به این سؤالات پاسخ دهید :

- ۱- ماضی و مضارع و امر فعل «صَدَقَ» از باب «تَفَعَّلَ» کدام است؟
- ۲- صیغه‌ی اول ماضی در باب «تَفَعَّلَ» چند حرف زاید دارد؟
- ۳- آیا می‌توانید سه مصدر از باب تَفَعَّلَ را که در فارسی به کار می‌رود، ذکر کنید؟
- ۴- جاهای خالی را پر کنید :
- هم ... (تَصَدَّقَ) - أنا ... (يَتَصَدَّقُ)

معرفه تفاعل

- ۱- ماضی این باب بر وزن «تَفَاعَلَ» می‌آید : تَكَاتَبَ
- ۲- مضارع این باب بر وزن «يَتَفَاعَلُ» می‌آید : يَتَكَاتَبُ
- ۳- امر این باب بر وزن «تَفَاعَلْ» می‌آید : تَكَاتَبْ
- ۴- مصدر این باب بر وزن «تَفَاعَلَ» می‌آید : تَكَاتَبَ

حال به سؤالات زیر پاسخ دهید :

- ۱- ماضی و مضارع و امر فعل «قَبِلَ» از باب «تَفَاعَلَ» کدام است؟
- ۲- صیغه‌ی اول ماضی در باب «تَفَاعَلَ» چند حرف زاید دارد؟
- ۳- فعل «تَضَارَبَ» ماضی است یا مضارع؟
- ۴- آیا از مصدر باب تفاعل کلماتی در زبان فارسی به خاطر دارید؟
- ۵- جاهای خالی را پر کنید :
- هي ... (تَعَارَفَ) - هم ... (يَتَعَارَفُ)

معرفه افتعال

- ۱- ماضی این باب بر وزن «اِفْتَعَلَ» می‌آید : اِكْتَسَبَ
- ۲- مضارع این باب بر وزن «يَفْتَعِلُ» می‌آید : يَكْتَسِبُ
- ۳- امر این باب بر وزن «اِفْتَعِلْ» می‌آید : اِكْتَسِبْ
- ۴- مصدر این باب بر وزن «اِفْتَعَلَ» می‌آید : اِكْتِسَاب

صیغه‌ی اول ماضی بر وزن «تَفَاعَلَ» می‌آید ؛ آیا حرف «تاء» از حروف مضارعه است؟

«اِخْتَرَمُوا» هم در فعل «امر» است و هم «ماضی». تشخیص میان این دو چگونه است؟

حال به سؤالات زیر پاسخ دهید :

- ۱- ماضی و مضارع و امر فعل «حَرَمَ» از باب «اِفْتَعَال» کدام است؟
- ۲- صیغه ی اول ماضی در باب «اِفْتَعَال» چند حرف زاید دارد؟
- ۳- آیا از مصدر باب اِفْتَعَال کلماتی را در زبان فارسی به کار می بریم؟
- ۴- جاهای خالی را پر کنید : - اَنتم ... (يَعْتَدِلُ) - اَتَنْتَنَ ... (يَعْتَدِلُ «امر»)

معرفت

اِنْفَعَال

- ۱- ماضی این باب بر وزن «اِنْفَعَل» می آید : اِنْقَلَبَ
- ۲- مضارع این باب بر وزن «يَنْفَعِلُ» می آید : يَنْقَلِبُ
- ۳- امر این باب بر وزن «اِنْفَعِلْ» می آید : اِنْقَلِبْ
- ۴- مصدر این باب بر وزن «اِنْفَعَال» می آید : اِنْقِلَاب

حال به سؤالات زیر پاسخ دهید :

- ۱- ماضی و مضارع و امر فعل «جَمَدَ» از باب اِنْفَعَال کدام است؟
- ۲- باب «اِنْفَعَال» چند حرف زاید دارد؟ (معیار، فعل ماضی است)
- ۳- آیا در باب «اِفْتَعَال» و «اِنْفَعَال» تفاوتی از لحاظ قرار گرفتن حروف زاید مشاهده می کنید؟
- ۴- آیا از مصدر باب «انفعال» در زبان فارسی کلماتی را سراغ دارید؟
- ۵- جاهای خالی را پر کنید : - اَنَا ... (يَنْصَرِفُ) - اَتَنْتَنَ ... (يَنْصَرِفُ «امر»)

معرفت

اِسْتِفْعَال

- ۱- ماضی این باب بر وزن «اِسْتَفْعَلَ» می آید : اِسْتَخْرَجَ
- ۲- مضارع این باب بر وزن «يَسْتَفْعِلُ» می آید : يَسْتَخْرِجُ
- ۳- امر این باب بر وزن «اِسْتَفْعِلْ» می آید : اِسْتَخْرِجْ
- ۴- مصدر این باب بر وزن «اِسْتِفْعَال» می آید : اِسْتِخْرَاج

«اِتَّسَّرَ» و «اِنْقَلَبَ» کدام از باب «اِفْتَعَال» است و کدام «اِنْفَعَال»؟

حال به سؤالات زیر پاسخ دهید :

- ۱- ماضی و مضارع و امر فعل «قَبِلَ» از باب «استفعال» کدام است؟
- ۲- باب استفعال چند حرف زاید دارد؟
- ۳- آیا میان معنای «قَبِلَ» و «اِسْتَقْبَلَ» تفاوتی را مشاهده می کنید؟
- ۴- آیا معمولاً میان معانی فعل های مجرد و مزید تفاوتی وجود دارد؟ مثال بزنید.
- ۵- جاهای خالی را پر کنید : - هُم ... (اِسْتَقْبَلُ) - اَنْتَ ... (يَسْتَقْبِلُ «امر»)

با دانستن ابواب مزید تقریباً تمامی افعال را شناخته ایم! به همین راحتی!!



التدريب الأول

عَيِّنِ الصَّحِيحَ عَلَى حَسَبِ النَّصِّ:

○
○
○
○

- ١- اِنْعَقَدَتِ الْحَفْلَةُ لِتَعْيِينِ التَّلْمِيزِ النَّاجِحِ.
- ٢- اَلتَّلْمِيزُ الْمَثَالِيُّ يَشْتَغِلُ بِالدِّرَاسَةِ وَبَيِّعِ الصُّحُفِ.
- ٣- اَلَّذِي يَدْرُسُ وَيَعْمَلُ لَا يُمَكِّنُ لَهُ النَّجَاحَ.
- ٤- اَلَّذِي يَجْمَعُ بَيْنَ الْعَمَلِ وَالدِّرَاسَةِ يَعْرِفُ قِيَمَةَ الْوَقْتِ.

التدريب الثاني

عَيِّنِ الْأَفْعَالَ الْمَزِيدَةَ ثُمَّ اكْتُبْهَا فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ:

(
(
(
(
(

- ١- ﴿يَنْقَلِبُ﴾ إِلَى أَهْلِهِ مَسْرُورًا
- ٢- ﴿يُجَاهِدُ﴾ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ
- ٣- ﴿إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا﴾
- ٤- ﴿رَبَّنَا ... كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا﴾
- ٥- ﴿اسْتَكَبَّرَ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ﴾

التدريب الثالث

اكْمِلِ الْفُرَاقَ مُنَاسِبًا لِلضَّمِيرِ:

أَنْتُمْ أَنْتِ أَنْتَا

هُمَا هُنَّ هُمْ

باب

إِسْتَضَعْتُمْ	استضعفتم
.....	تَتَعَارَضُنَ	تتعارضن
.....	تَعَلَّمَا	تعلمتا

اسْتَضَعْنَا	ماضي (ض ع ف)
.....	يَتَعَارَضُنَ	مضارع (ع ر ض)
.....	امر (ع ل م)

اُكْتُبْ كُلَّ فِعْلٍ فِي مَكَانِهِ الْمُنَاسِبِ:

اِفْتَتَحَ، اجْتَنَبُوا، نَكَسِبُ، تَبَسَّمَ، يَنْتَصِرُونَ،
اِنْصَرَفَ، اِنْتَقَمْنَا، اِنْقَلَبَ، تَنْزِلُ، تَنْبَسِطُ

اِنْفِعَال

تَفْعُل

اِفْتِعَال

عَيِّنِ الصَّحِيحَ:

۱- لَا يَسْتَسْلِمُ الْأَحْرَارُ لِلظُّلْمِ. انسان های آزاده در برابر ظلم....

تسلیم نشدند ○ تسلیم نمی شوند ○ نباید تسلیم شوند ○

۲- ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ! جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ...﴾ ای پیامبر: با کافران و منافقان ...

جهاد کردی ○ جهاد می کنی ○ جهاد کن ○

۳- تَعَلَّمَ حُسْنَ الْإِسْتِمَاعِ كَمَا تَتَعَلَّمُ حُسْنَ الْحَدِيثِ.

خوب گوش کردن را ... همان طور که خوب صحبت کردن را ...

پیاموز - آموختی ○ می آموزی - آموختی ○ پیاموز - می آموزی ○



- ☐ گاهی در ترجمه‌ی فعل های باب تفاعل و مفاعله به آوردن یک «با» نیاز داریم.
- ☐ فعل های باب «انفعال» به صورت «لازم» ترجمه می شوند.
- ☐ فعل های باب «افتعال» و «تفعّل» لازم و گاهی متعدی هستند.
- ☐ فعل های باب «استفعال» غالباً متعدی هستند.

ترجمه‌ی زیر را بخوانید و اصلاحات لازم را در آن انجام دهید :

«الشَّهَامَةُ»

سَمِعَ الْغَزَالُ الصَّغِيرُ كَلَامَ الْأَسَدِ وَ الدَّبِّ.
 هُمَا يَتَحَدَّثَانِ وَ يَتَفَاخِرَانِ بِقَتْلِ الْحَيَوَانِ وَ السَّيْطَرَةِ عَلَى الْغَابَةِ. عندما رجع الغزال سأل أمّه : يا أمّاه...!
 عندما يُفْتَخِرُ الْآخَرُونَ بِقُوَّتِهِمْ نحن بماذا نُفْتَخِرُ؟
 قالت الأمّ : نحن تحمّلنا صُعبَةَ الْحَيَاةِ شَهَامَةٍ بين هذه الوحوشِ سَنَوَاتٍ طَوِيلَةً ولكن ما انْهَزَمْنَا وَ ما
 تَرَكْنَا الْغَابَةَ وَ اكْتَسَبْنَا رِزْقَنَا بين هذه الْوُحُوشِ ... هذا فَحْرُنَا يَا وَلَدِي! اِبْتَسَمَ الْغَزَالُ وَ رَفَعَ رَأْسَهُ
 بِاِفْتِخَارٍ.

شهامت

آهوی کوچک سخن شیر و گرگ را می شنود. آن دو صحبت می کنند و به کشتن حیوانات و ...
 افتخار می کنند. هنگامی که آهو رفت از مادرش پرسید : مادر جان! ... موقعی که دیگران به قوت و

۲- به زمان و صیغه‌ی
 افعال، نوع اسم ها و ...
 توجه کنیم.

۴- از کم یا زیاد نمودن کلمه
 در ترجمه‌ی فارسی پرهیز
 کنیم. (مگر در هنگام
 ضرورت‌ها)

نیروی خود افتخار می کنند ما به چه چیزی
 افتخار می کنیم؟ زمانی که از کشتن حیوانات
 صحبت می کنند!
 مادر گفت : ما سالهای طولانی سختی و
 دشواری زندگی را در میان این حیوانات وحشی
 با شهامت تحمل خواهیم کرد اما فرار کردیم و
 جنگل را رها کردیم و رزق و روزی خود را در
 میان این حیوانات وحشی بدست آوردیم ...
 ای فرزندان! این افتخار ما است! آهو خندید و
 سر خود را با افتخار بلند کرد!

«قدم های آغازین»!

۱- ابتدا واژه های عبارت
 را یکایک ترجمه کنیم.

۳- پس از ترجمه‌ی
 تحت اللفظ، عبارت فارسی
 را پخته و روان کنیم.

الف: با توجه به معنی فعل های زیر، ترجمه ی آیات را کامل کنید. نوع و صیغه و مصدر فعل های تعیین شده را بنویسید: تَكْبَرُ

(تکبر ورزید) استَكْبَرُ (سرکشی کرد) كَبَرُ (بزرگ داشت)

۱- ﴿سَاصِرُفٍ عَنْ آيَاتِي الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ﴾ (اعراف/ ۱۴۶)

به زودی کسانی را که در زمین به ناحق.....، از آیاتم روی گردان خواهم ساخت.

نوع ☐ صیغه ☐ مصدر ☐

۲- ﴿إِسْتَكْبَرُ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ﴾ (قصص/ ۳۹)

او و سپاهیان به ناحق در زمین ...

نوع ☐ صیغه ☐ مصدر ☐

۳- ﴿يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ، قُمْ فَأَنْذِرْ وَرَبُّكَ فَكَبِيرٌ﴾ (مدثر/ ۱-۳)

ای جامه در سر کشیده، برخیز و بیم ده و پروردگارت را ...

نوع ☐ صیغه ☐ مصدر ☐

ب: دو آیه زیر را بخوانید و به سؤالات پاسخ دهید:

﴿فَاسْتَغْفِرُوا لِلذَّنُوبِ إِلَّا اللَّهَ﴾ (آل عمران/ ۱۳۵)

پس برای گناهان خویش آمرزش خواستند و کیست جز خدا که گناهان را ببامزد؟

﴿فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا﴾ (نصر/ ۳)

پس به ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از او آمرزش بخواه که او بسیار توبه پذیر است.

سؤال

۱- تفاوت میان عَفَرَ وِ اسْتَعَفَرَ از جهت معنی چیست؟ ۲- تفاوت میان عَفَرَ وِ اسْتَعَفَرَ از جهت لفظ چگونه است؟

موضوعات پیشنهادی:

- ۱- ابواب مزید در کتاب های درسی
- ۲- ارتباط میان زبان عربی و فارسی
- ۳- چگونه می توان برای فهم بهتر موضوعات کتاب، وسایل کمک آموزشی بسازیم؟
- ۴- باب های مزید در قرآن
- ۵- تفاوت معنایی میان افعال مجرد و مزید
- ۶- فعل های امر و صیغه های نهی در دعای کمال
- ۷- باب های مزید در خطبه ی پنج نهج البلاغه
- ۸- ...

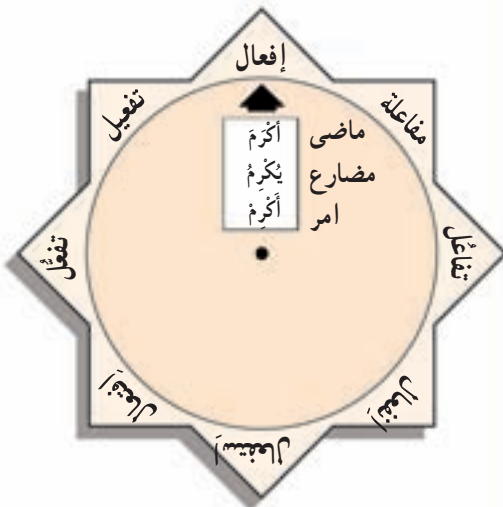
آیا تا به حال راجع به پژوهش و تحقیق در موضوعات کتاب درسی خود فکری کرده اید؟

تحقیقات خود را برای روز برگزاری نمایشگاه نگهداری کنید!

به مقالات برگزیده جوایزی اهدا خواهد شد!

جوایز می تواند شامل:

- ۱- تقدیرنامه از سوی مدرسه و یا ...
- ۲- اعلام نام برگزیدگان در تابلوی اعلانات
- ۳- تشویق در مقابل سایر دانش آموزان
- ۴- اختصاص نمره کلاسی ...
- ۵- ...



۱- دو قطعه مقوا یکی به شکل دایره و دیگری به شکل ستاره هشت پر مطابق شکل تهیه کنیم.

۲- در پرهای مقوای ستاره‌ای، نام باب‌های مزید را بنویسیم.

۳- در زیر هر یک از باب‌ها از کلمات خوانده شده به ترتیب، صیغه‌ی اول ماضی، مضارع، امر آن کلمه را به صورت منظم و زیر هم بنویسیم.

۴- در مقوای دایره‌ای شکل مطابق نمونه قسمت هاشور زده را خالی کنیم و در بالای آن علامت پیکان را رسم کنیم و سپس در سمت راست آن از طرف بالا به پایین کلمات ماضی، مضارع و امر را بنویسیم.

اکنون دو قطعه مقوا خواهیم داشت که با قرار دادن آن‌ها بر یکدیگر و چرخاندن آن‌ها خواهیم دید که هر وقت علامت پیکان بر یکی از باب‌ها نشانه رود، صیغه‌های ماضی، مضارع، امر و ... فعل نوشته شده، در آن باب نمایان می‌شود.

أَيُّهَا النَّاسُ مَوْكِبُ* صَاحِبِ الْجَلَالَةِ* «قَارُونَ» الْمُعْظَمُ فِي الطَّرِيقِ ... إِبْتَغِدُوا*! إِبْتَغِدُوا*!

– اَللّٰهُمَّ خَلِّصْنَا مِنْ شَرِّ
هَذَا الطَّاغُوتِ*!



– يَا لَيْتَ* لَنَا ثَرَوَةَ قَارُونَ ...!

– أَنْظُرُ ... لَقَدْ خَرَجَ قَارُونَ
فِي زِينَتِهِ*!

– إِنَّهُ شَرُّ مَخْلُوقٍ!

– أَخِي! مَا الْفَائِدَةُ فِي ثَرَوَةٍ وَرَاءَ لَعْنَتِهِ
النَّاسِ؟! إِنَّهُ كَافِرٌ بِنِعْمَةِ اللَّهِ.







— إِنَّكَ سَتُشَاهِدُ جَزَاءَ عَمَلِكَ.



— ماهذه الكلمات؟!
— أخرجوا... أنزكوا
فَصْرَى... ..

— أنتم مُفْسِدُونَ!



لا ... لا ... لا نَطْلُبُ الْمَالَ.
وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ* الذَّهَبَ* و
الْفِضَّةَ* وَلَا يُنْفِقُونَهَا* فِي سَبِيلِ
اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ*.



— أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى
قَارُونَ الْعَذَابَ ...
العذاب...



— ماذا حَدَّثَ؟ ...
ماذا حَدَّثَ؟



الْفِرَارَ ...
الْفِرَارَ ...!

— هذه عاقبة
الْمُكْذِبِينَ!!



— سَمِعْتُ أَنَّ مُوسَى (ع)
دَعَا قَارُونَ إِلَى طَرِيقِ الْحَقِّ.

— نعم ... ولكن ... هو كافرٌ
بِدِينِ الْمُرْسَلِينَ!



الْتَّجْدَةَ* ... الْتَّجْدَةَ!

سَأُنْفِقُ أَمْوَالِي...!
سَأُسَاعِدُ الْفُقَرَاءَ...!

لَا تَلَاتِ حِينَ مَنَاصِي*

وهكذا أَبْتَلَعَتْهُ* الْأَرْضُ وَذَهَبَتِ الزَّيْنَةُ وَالْمَوْكِبُ وَالْفُصُورُ! وَأَصْبَحَ قَارُونَ عِبْرَةً لِلْأَجْيَالِ*.



در جهان خلقت با پدیده‌هایی مواجه هستیم که «**فعل**» انسان‌ها و کار آن‌ها در ایجاد آن دخالت نداشته و از این لحاظ استقلال دارند؛ از قبیل آن‌چه در تصویر اول ملاحظه می‌کنیم.



اما بسیاری از اشیا و پدیده‌ها در جهان آفرینش توسط انسان‌ها ایجاد شده‌اند و «**فعل**» او در ایجاد پدیده‌ها دخالت داشته است. او به کمک مواد و اشیاء مختلف و ترکیب آن‌ها و کنار هم قرار دادن آن‌ها توانسته به کمک قدرتی که خداوند در او نهاده، پدیده‌های جدیدتری را درست کند. از قبیل آن‌چه در تصویر دوم ملاحظه می‌کنیم.

در عالم کلمات نیز چنین فرضی دور از تصور نیست. کلماتی که از خود استقلال دارند و از کلمه‌ی دیگری درست نشده‌اند و کلماتی که از کلمه‌ی دیگری درست شده‌اند و بدین خاطر از خود استقلال ندارند!

توجه داشته باشیم که :

در عالم کلمات واژه‌هایی داریم که تغییر یافته‌ی کلمه‌ی دیگری هستند؛ مانند : **کاتب**، **مکتوب**، **مکتب** و ...

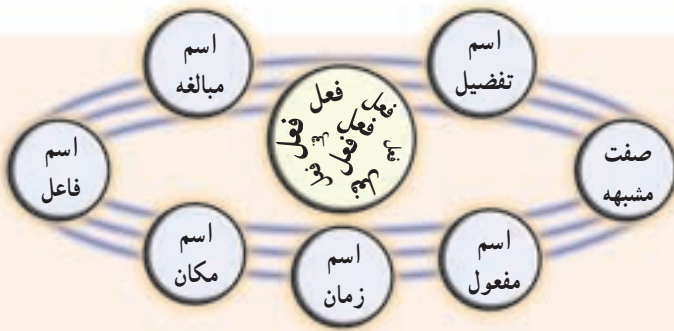
و در مقابل کلماتی داریم که در ایجاد آن فعل و انفعالاتی صورت نگرفته و به عبارت دیگر از کلمه‌ی دیگر گرفته نشده‌اند؛ مانند : **شمس**، **بحر**، **جبل**، **سحاب**

مفاهیم موجود در قواعد هر درس را در عالم طبیعت جستجو کنیم!

کلماتی مانند **جبال**، **بحار** و ... تنها از لحاظ لغوی اشتقاق یافته‌اند اما جزء مشتقات اصطلاحی نیستند!

«**اسم**» ها یا از کلمه‌ی دیگری گرفته شده‌اند که به آن اسم «**مشتق**» می‌گوییم و یا از کلمه‌ی دیگری گرفته نشده‌اند که به آن اسم «**جامد**» می‌گوییم!

در این کتاب با هفت نوع از مشتقات (در اصطلاح علم صرف) آشنا می‌شویم.



أما ...

مزید

یا

مجرد

نکته اول «اسم فاعل» فعل های مجرد بر وزن «فاعل» می آید.

فعل	فاعل
نَصَرَ	ا
کَتَبَ	ا

اسم فاعل از فعل «نَصَرَ»

می شود : ...!

و از فعل «کَتَبَ» می شود : ...!

بنابراین

نکته دوم «اسم مفعول» در فعل های مجرد بر وزن «مفعول» می آید.

فعل	مفعول
نَصَرَ	م
کَتَبَ	م

اسم مفعول از فعل «نَصَرَ»

می شود : ...!

و از فعل «کَتَبَ» می شود : ...!

بنابراین

حال از خود سؤال کنید:



- ۱- آیا اسم های جامد از فعل گرفته می شوند؟
- ۲- بحث جامد و مشتق در اصطلاح علم صرف مربوط به کدام یک از سه قسم کلمه است؟
- ۳- ملاک جامد یا مشتق بودن کلمات چیست؟

«مشتقات» از اقسام «فعل» به شمار می آیند!

برای ساختن اسم فاعل نیاز به تمرین «وزن کلمات» داریم.
بسم الله! شروع کنیم به تعیین وزن کلمات!



«اسم فاعل» از «فعل» ساخته می شود!

حال از خود سؤال کنید:

۱- حروف زاید اسم «فاعل» و «مفعول» کدام است؟

۲- آیا می توانید چند اسم فاعل عربی نام ببرید که در زبان فارسی نیز به کار می بریم؟

۳- آیا می توانید چند اسم مفعول عربی نام ببرید که در زبان فارسی نیز به کار می بریم؟

۴- آیا می توانید جمع مذکر سالم «عالم»، «ناصر»، «کاتب»، «منصور» را ذکر کنید؟

۵- مؤنث «کاتب»، «عالم»، «مکتوب» و «منصور» کدام است؟



نکته سوم

۱- از فعل مضارع ساخته می شود.

۲- به جای حرف مضارعه، **میم مضموم** «م» می آید:

۳- حرف ماقبل آخر **مکسور** می شود.

يُعَلِّم ← عَلَّمَ ← مُعَلِّم

اسم فاعل از

فعل های مزید:

نکته چهارم

۱- از فعل مضارع ساخته می شود.

۲- **میم مضموم** به جای حرف مضارعه آورده می شود.

۳- حرف ماقبل آخر **مفتوح** می شود.

يُرْسِلُ ← رَسَلَ ← مُرْسِل

اسم مفعول از

فعل ثلاثی مزید:

حال از خود سؤال کنید:

باید به گونه ای ساختن اسم فاعل و اسم مفعول را یاد بگیریم که به محض شنیدن یک فعل مزید بتوانیم فوراً اسم فاعل و اسم مفعول آن را بسازیم.

مسابقه را فراموش نکنیم: فعل بگوییم و اسم فاعل، اسم مفعول بخواهیم، جامد و مشتق بگوییم و تمیز میان آن ها را بخواهیم!



۱- حرف ماقبل آخر در اسم فاعل ثلاثی مزید دارای چه حرکتی است؟

۲- آیا اسم فاعل، مثنی یا جمع دارد؟ مثال بزنید.

۳- آیا می توان اسم فاعل را به صورت مؤنث به کار برد؟ مثال بزنید.

۴- آیا می توانید چند نمونه اسم فاعل از فعل های مزید ذکر کنید؟

۵- آیا می توانید چند نمونه از اسم مفعول را مثنی و جمع کنید؟

۶- آیا می توان اسم مفعول را به صورت مؤنث به کار برد؟ چگونه؟

التمرين الأول

عَيْنُ الْجَوَابِ الصَّحِيحِ:

١- أَمَرَ قَارُونَُ بِدَفْعِ دِينَارٍ لِأَوَّلِكَ الرِّجَالِ لـ

- الف - تحقيرهم ☐ ج - تخويفهم ☐
ب - مُسَاعَدَتِهِمْ ☐ د - تبشيرهم ☐

٢- قَارُونَُ ... ، عِنْدَ نُزُولِ الْعَذَابِ .

- الف - سَاعَدَ الْفُقَرَاءَ ☐ ج - قَصَدَ الرُّجُوعَ عَنْ كُفْرِهِ ☐
ب - مَا قَصَدَ مُسَاعَدَةَ الْفُقَرَاءِ ☐ د - أَنْفَقَ أَمْوَالَهُ ☐

التمرين الثاني

این حروف چین قصد دارد با استفاده از حروف اصلی پراکنده در هر یک از ردیف‌های جدول به ترتیب اسم فاعل و اسم مفعول معنی داری (به ترتیب شماره) در جاهای خالی قرار دهد، به او کمک کنید تا فرازهایی از دعای «جوشن کبیر» بدست آید:

«یا صانعُ* کُلِّ مَصْنُوعٍ یا ...»

کُلِّ ... یا ... کُلِّ ...

یا ... کُلِّ ... یا ... کُلِّ ... یا

... کُلِّ ...»

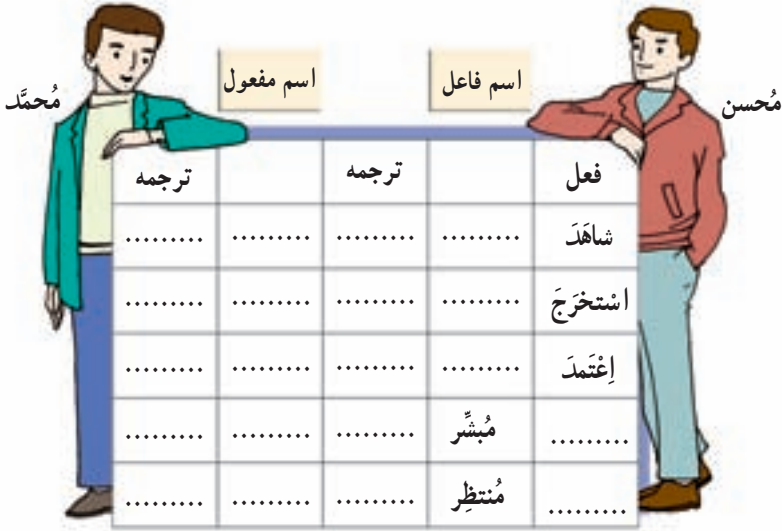


(اسم مفعول)

(اسم فاعل)

التمرين الثالث

این دو نفر در کارگاه خود از تابلوی افعال، تعدادی اسم فاعل و اسم مفعول ساخته‌اند. آیا می‌توانید پیش‌بینی کنید که تابلوهای بعدی چگونه خواهد بود و یا تابلوهای ساخته شده، قبلاً چگونه بوده‌اند؟ فراموش نکنید که معنی آن‌ها را نیز بنویسید:



التمرين الرابع

تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ ثُمَّ عَيِّنِ اسْمَ الْفَاعِلِ وَ اسْمَ الْمَفْعُولِ:

لقد جاء النَّبِيُّ وَ الدُّنْيَا مَمْلُوءَةٌ* بِالشُّرُورِ* وَ الْمَعَاصِي*.
و حقوقُ الْمُحْرُومِينَ مُغْتَصَبَةٌ*، وَ الْمُسْتَضْعَفُونَ مِنَ النَّاسِ
مَظْلُومُونَ. فَاصْبِحِ النَّاسَ بِنِعْمَةِ الْإِسْلَامِ إِخْوَانًا.

مجرّد

مزيد

تَضَرَّعْتُ* إِلَى رَبِّي مُعْتَذِرًا*: إِنِّي حَافِظٌ* عَهْدِكَ، طَالِبٌ
عَفْوِكَ. فَإِنْ عَفَوْتَ فَأَنْتَ الْمُتَفَضِّلُ* وَ أَنَا السَّاكِرُ وَ إِنْ
عَاقَبْتَ* فَأَنْتَ الْمُنْصِفُ وَ أَنَا الْمُسْتَسْلِمُ*.

مجرّد

مزيد

التمرين الخامس

تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ إِلَى الْفَارْسِيَةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ:

- ١- الْإِنْسَانُ مَخْلُوقٌ مِنَ التُّرَابِ وَ يَرْجِعُ إِلَى التُّرَابِ.
- ٢- اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَ غَافِرُ كُلِّ ذَنْبٍ.
- ٣- الْمُؤْمِنُونَ يُدَافِعُونَ عَنِ الْمَظْلُومِينَ وَ يُحَارِبُونَ الظَّالِمِينَ.
- ٤- الْقُرْآنُ هُوَ الدَّلِيلُ*، يُرْشِدُ إِلَى خَيْرِ سَبِيلٍ.
- ٥- أَلْعَامِلُ بِالْعِلْمِ كَالسَّائِرِ* عَلَى الطَّرِيقِ الْوَاضِحِ.



- «اسم فاعل» بر انجام دهنده یا دارنده ی حالتی بودن دلالت می کند و معادل آن در فارسی معمولاً «صفت فاعلی» یا «اسم فاعل» است ؛ مانند : ناصر : یاری کننده، مُنذِر : بیم دهنده
- صفت فاعلی در زبان فارسی دارای پسوندهایی از قبیل «نده، ا» است ؛ مانند : بیم دهنده، دانا
- «اسم مفعول» بر «انجام شدن و یا واقع شدن» دلالت می کند و معادل آن در فارسی معمولاً «صفت مفعولی» یا «اسم مفعول» است ؛ مانند : منصور : یاری شده، مُحترَم : احترام شده
- در ترجمه ی اسم مفعول گاهی از پسوند «شدن» استفاده می کنیم ؛ مانند : مُستضعَف : ضعیف نگاه داشته شده

غلط های موجود در ترجمه های فارسی زیر را تصحیح کنید :

۱- ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ... الَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ﴾

مؤمنان محققاً رستگار شدند ... کسانی که از بیهوده دور شده اند.

۲- مُشَاوَرَةُ الْمُشْفِقِ الْجَاهِلِ خَطَرٌ.

مشورت کننده ی دلسوز نادان شده خطرناک است.

۳- ﴿وَمَا تُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ﴾

رسولان را جز بشارت شده و انداز شده نمی فرستیم.

۴- الْعَقْلُ مُصْلِحٌ كُلُّ أَمْرٍ.

عقل اصلاح شده ی هر کاری است.

۵- الْمُسْتَضْعَفُونَ هُمْ وَارَثُونَ الْأَرْضِ.

ضعیف کنندگان همان وارثان زمین هستند.

ترجمه یک کار هنری است،

پس کارهای زیبا بیافرینیم!

مترجم امانت دار است. در

امانت خیانت جایز نیست!

کاستن و یا افزودن در ترجمه ی

عبارت ها، (بدون وجود ضرورت

خاصی) به اصالت کار ترجمه

خدشه وارد می کند.

ترجمه ی تحت اللفظ در

صورتی مقبول است که

روان و گویا باشد!

الف: شما با کلمات زیر در متن درس آشنا شدید، اکنون هر یک از آن‌ها را با توجه به معنی آیات، در جای خالی مناسب قرار دهید:

الْمُرْسَلِينَ، الْمُكَذِّبِينَ، مُبَشِّرِينَ، مُنْذِرِينَ

۱- ﴿قَبَعَتِ اللَّهُ النَّبِيَّ... وَ...﴾ (بقره / ۲۱۳)

خداوند پیامبران را بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده مبعوث کرد.

۲- ﴿فَوَهَّبَ لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِّنَ...﴾ (شعراء / ۲۱)

[پروردگارم] به من دانش و حکمت بخشید و مرا از فرستاده‌شدگان قرار داد.

۳- ﴿فَنَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ...﴾ (نحل / ۳۶)

بنابراین در زمین حرکت کنید و بنگرید عاقبت تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است.

ب: دو آیه‌ی زیر را بخوانید و به سؤالات پاسخ دهید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَ مُبَشِّرًا وَ نَذِيرًا﴾ (أحزاب / ۴۵)

ای پیامبر، ما تو را شاهد و بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده فرستادیم.

﴿وَ مَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ﴾ (کهف / ۵۶)

و ما پیامبران را جز بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده نمی‌فرستیم.

سؤال: تفاوت میان «شاهدًا، مُبَشِّرًا» از لحاظ اشتقاق چیست؟

شباهت میان «مُرْسَلِينَ، مُنْذِرِينَ» از چه جهتی است؟

در زمینه‌های زیر می‌توان مسابقاتی را تدارک دید:

۱- جمله‌سازی با واژه‌های معین

۲- سرعت در ساختن و یافتن موارد خوانده شده

در قسمت قواعد

۳- حضور ذهن در زمینه‌ی سؤال و جواب به زبان

عربی

۴- تعیین سریع‌ترین مترجم برای عبارت‌های عربی

۵- تعیین سریع‌ترین مترجم از فارسی به عربی

۶- ...

آیا تا به حال راجع به برگزاری مسابقه برای درس عربی فکر کرده‌ایم؟!

برگزاری مسابقه نشاط بیش‌تری را برای فهم دروس ایجاد می‌کند!

همیشه دقایقی از وقت کلاس را به برگزاری مسابقات اختصاص دهیم!

نظم و ترتیب و رعایت حقوق دیگران از مقدمات برگزاری مسابقات کلاسی است!

سوق البزازين*

ذهب الإمام عليّ «عليه السلام» مع خادمه الشاب إلى السوق.

أليسّة*... أليسّة...! مِنْ أَحْسَنِ الْأَنْوَاعِ...!



هل عندك قميص* لي و قميصٌ لِخادمي؟



لَمَّا* عَلِمَ أمير المؤمنين بأنَّ البائع قد عرفه،
تَرَكَ الْمَكَانَ وَ ذَهَبَ إِلَى دُكَّانٍ آخَرَ.



نَعَمْ... نَعَمْ... يا أمير المؤمنين! تَفَضَّلْ. أَنَا فِي خِدْمَتِكَ...



بَعْدَ صَلَاةِ الْمَغْرِبِ صَوَّرَ* الْوَالِدُ الْمَشْهَدَ* الثَّالِي لَهُ.

فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ

أَحَدُ الصَّحَابَةِ :

رَسُولُ اللَّهِ حَزِينٌ ... هُوَ ... مَاذَا نَعْمَلُ؟

سَلْمَانُ :

أَنَا أَعْرِفُ مَاذَا أَعْمَلُ! هُوَ يُفَرِّحُ بِزِيَارَةِ
بَنْتِهِ فَاطِمَةَ.



فَذَهَبَ سَلْمَانُ إِلَى بَيْتِ فَاطِمَةَ (س) وَ أَخْبَرَهَا.

فِي الطَّرِيقِ

لَمَّا شَاهَدَ سَلْمَانُ أَلْسِنَةَ فَاطِمَةَ (س)، بَدَأَ بِالْبُكَاءِ* ...

وَاحْزَنَاهُ*! إِنَّ بَنَاتِ قَيْصَرَ* وَكِسْرَى*
لَفِي السُّنْدُسِ* وَالْحَرِيرِ وَلِبَاسِ ابْنَةِ
مُحَمَّدٍ هَكَذَا*!!



فَاطِمَةُ (س) :

يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّ سَلْمَانَ تَعَجَّبَ مِنْ أَلْسِنَتِي ...

عِنْدَ النَّبِيِّ (ص)

بَعْدَ دَقَائِقٍ*

رَسُولُ اللَّهِ (ص) : يَا سَلْمَانُ! إِنَّ ابْنَتِي لَفِي «الْحَيْلِ السَّوَابِقِ*».





از خود سؤال کنید:

۱- مشتقات به چند قسم تقسیم می شوند؟

۲- مشتقات از چه کلمه ای گرفته می شوند؟

۳- ملاک تشخیص جامد یا مشتق بودن کلمه کدام است؟

۴- «مشتق» در اصطلاح علم صرف در مورد کدام یک از اقسام کلمه صحبت می کند؟

۵- جامد و مشتق از لحاظ لغوی به چه معنی هستند؟

۶- دو قسم از انواع مشتقات را که تاکنون خوانده اید ذکر کنید.



آیا اموری که در جهان اتفاق می افتد، وقوع آن ها در یک «زمان» معین نیست؟

آیا اموری که در جهان اتفاق می افتد، وقوع آن ها در یک «مکان» معین نیست؟

به تصویر شماره ی ۱ و ۲ نگاه کنید.

زمان وارد شدن به خانه هنگام غروب خورشید است!

در تصویر شماره ی ۲ مادر در جایی مشغول آشپزی است!

«فعل» مانند مادری مهربان
وظیفه ی تغذیه ی فرزندان خود
را دارد.

مطبخ : مکان طبخ

مغرب : زمان غروب

مشرق : زمان شروق و طلوع

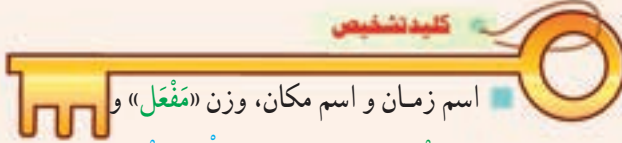
مسکن : محل سکنی و آرامش

اسم های زمان و مکان نشان دهنده ی زمان وقوع و یا

مکان وقوع فعل است.

اسم زمان و اسم مکان هر دو بر یک وزن می آید.

کلید تشخیصی



در بعضی موارد «مَفْعَل» است. مانند: مَطْبُخ، مَغْرِب

از خود سؤال کنید:

۱- آیا می توان تصور کرد که در دنیا ممکن است کاری اتفاق بیافتد که در زمان یا مکان معینی نباشد؟

۲- اسم های زمان و مکان از کدام یک از سه قسم کلمه ساخته می شوند؟

۳- چند مثال از اسم های زمان و مکانی که در زبان فارسی نیز به کار می رود، ذکر کنید.



آیا با «صفت» در زبان فارسی آشنا هستید؟



آیا می دانید که یکی از انواع صفت در فارسی، صفت مطلق یا ساده است، مانند: خوب، شجاع؟

صفات مطلق یا ساده ی فارسی اغلب در زبان عربی صفت مشبّه هستند.



مهم ترین اوزان صفت مشبّه عبارتند از:

فَعِيل : شَرِيف فَعْل : صَعْب
فَعِل : حَسِن فَعْلان : عَطْشان

از خود سؤال کنید:

۱- آیا صفت مشبّه ویژگی های افراد و اشیا را بیان می کند؟

۲- آیا می توانید چند صفت ساده در زبان فارسی نام ببرید؟

۳- جواب صحیح کدام است؟

فَرَح یعنی: شادی کردن ○ شادی می کند ○ شاد ○

آیا تا به حال دقت کرده اید که گاهی صفتی بیش از اندازه ی

معمول در کسی وجود دارد؛ مثل صبر و پایداری زیاد؟

به صاحبان شغل و حرفه نگاه کنید: بَقال، عطار، قصاب، خباز و ...

آیا این افراد با شغل و پیشه ی خود زیاد سر و کار ندارند؟

به دلیل اهمیت «زمان» و «مکان» در زبان عربی کلمات خاصی برای آن وضع شده است!

آیا تا به حال دقت کرده اید که در بیشتر مشتقات، صفت ها هستند که مورد ارزیابی قرار می گیرند؟



زیاد بودن یک صفت در انسان یا بسیار پرداختن بدان، دلیل بر «مبالغه» در

آن صفت است!



اسم هایی که بر وزن **فَعَال** یا **فَعَالَة** می آیند، اسم مبالغه هستند. مانند :

«غَفَّار»، «عَلَّامَة»

از خود سؤال کنید:



۱- فرق صفت مشبیه و اسم مبالغه در چیست؟ آیا شباهتی هم با هم دارند؟

۲- آیا می توانید چند اسم مبالغه که در زبان فارسی به کار می رود، ذکر کنید؟

۳- جواب صحیح کدام است؟ «أَمَّارَة» یعنی :

دستور ○ بسیار امرکننده ○ امر کرد ○

آیا یک صفت در تمام موجودات به مقدار یکسان وجود دارد؟

وسیله ی تشخیص مقدار وزن اشیا در طبیعت چیست؟

آیا در طبیعت می توان دو موجود را از نظر مقدار داشتن یک صفت، با یک دیگر مقایسه کرد؟



آیا کلمات هم دارای وزنی برای این گونه مقایسه ها هستند؟



اسم تفضیل در زبان عربی معمولاً بر وزن «أَفْعَل» می آید : أَحْسَن، أَكْبَر

و در مؤنث گاهی بر وزن «فُعْلَى» : حُسْنَى، كُبْرَى

حالا وقت مسابقه است!

موضوع مسابقه :

۱- تشخیص انواع مشتقات

۲- ساختن مشتقات

۳- معانی مشتقات

از خود سؤال کنید



وجود «من» پس از «أَفْعَل»

دلیلی بر اسم تفضیل بودن

کلمه است!

۱- آیا در زبان فارسی صفت تفضیلی داریم؟ مثال بزنید.

۲- چرا در جمله از اسم تفضیل استفاده می کنیم؟

۳- جواب صحیح کدام است : «أَشْجَع» یعنی :

شجاع تر ○ بسیار شجاع ○ شجاعت نشان می دهد ○

در آیات و عبارات های زیر اسم های مشتق به شکل متضاد به کار رفته، آن ها را با ذکر نوع مشتق

داخل دایره بنویسید :



- ۱- ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا... بَشِيرًا وَنَذِيرًا﴾
- ۲- ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ﴾
- ۳- لَوْ عَلِمَ * التَّاقِصُ بِنَقْصِهِ لَكَانَ كَامِلًا.

تمرین الثاني

عین نوع المشتق الذي أُشير إليه بخط و اكتبه في الجدول:

مشتق	نوع	معنى

- ۱- ﴿إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ * بِالسُّوءِ﴾
- ۲- ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾
- ۳- ﴿... رَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ﴾
- ۴- ﴿وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ﴾

تمرین الثالث

متن زیر را بخوانید و ترجمه کنید و نوع مشتق کلماتی را که زیر آن ها خط کشیده شده، مشخص کنید :



قالت الفَرَّاشَةُ الصَّغِيرَةُ لِلطَّبِيعَةِ :
«لِلوَرْدَةِ الحَمْرَاءِ رَائِحَةٌ طَيِّبَةٌ ...
لِلشَّجَرَةِ الحَضْرَاءِ * أَوْرَاقٌ لَطِيفَةٌ ...
لِلشَّمْسِ فِي الصَّبَاحِ طَلَعَةٌ * جَمِيلَةٌ ...
لِلبُلْبُلِ صَوْتُ عَذْبٌ * بَدِيعٌ ...
لِلنَّهْرِ مِاءٌ صَافِيَةٌ وَ صَوْتُ رَنَانٌ * ...

فماذا تَرَكْتَ أَيُّهَا الطَّبِيعَةُ لِلْفَرَّاشَةِ، ابْنَتِكَ الصَّغِيرَةِ؟
فقالت أُمُّهَا الطَّبِيعَةُ :

«لِلْفَرَّاشَةِ الصَّغِيرَةِ الحُسْنُ وَ الْجَمَالُ، أَلَا تَفْتَنِينَ بِهَذَا النَّصِيبِ *؟!»

الْإِعْرَابُ وَ التَّحْلِيلُ الصَّرْفِيُّ

می دانیم که بین دنیای «انسان» ها و دنیای «کلمه» ها مشترکات زیادی وجود دارد.

آیا تاکنون به این مشترکات فکر کرده اید؟

به عنوان مثال هر انسانی دارای ویژگی های فردی است، از قبیل : وزن، قد، رنگ و...

علاوه بر آن در جامعه نیز دارای نقشی است، یعنی یا کشاورز است، یا کارگر، یا کارمند یا...

«کلمات» نیز این گونه اند، یعنی هر «کلمه» را می توان از دو جهت مورد بررسی قرار داد :

الف - ویژگی های فردی

ب - نقش آن در جمله

به جمله ی «نَجَعَ الطَّالِبُ» دقت کنید :

چه ویژگی هایی را می توانیم برای «الطَّالِب» ذکر کنیم؟

آیا اسم است یا فعل، مفرد است یا مثنی یا جمع، مذکر است یا مؤنث...

حال در جمله چه نقشی دارد؟

آیا فاعل است یا مبتدا یا مفعول، در نتیجه آیا مرفوع باید باشد یا منصوب یا مجرور...؟

اکنون بدانیم که:

■ بررسی ویژگی های «فردی» هر کلمه - بدون در نظر گرفتن موقعیت آن در جمله - در زبان

فارسی «تجزیه» نام دارد و در عربی «التَّحْلِيلُ الصَّرْفِيُّ».

■ بررسی نقش هر کلمه - با توجه به موقعیت آن در جمله - در زبان فارسی «ترکیب» نام دارد

و در عربی «الْإِعْرَاب».

بنابراین بر طبق قواعدی که تا کنون خوانده ایم، برای هر یک از اقسام کلمه در «الْإِعْرَاب و

التَّحْلِيلُ الصَّرْفِيُّ» موارد ذیل را باید به ترتیب تشخیص دهیم :

اسم: مفرد یا مثنی یا جمع (عدد) - مذکر یا مؤنث (جنس) - مشتق یا جامد - ... و نقش و

اعراب آن در جمله (فاعل، مفعول، مبتدا ...)

فعل: ماضی یا مضارع یا امر - صیغه (غائب، مخاطب، متکلم) مجرد یا مزید ... - و نقش آن در

جمله و اشاره به فاعل آن.

حرف: نوع آن و ...

در نتیجه با توجه به مطالب فوق «الْإِعْرَابُ وَ التَّحْلِيلُ الصَّرْفِيُّ» جمله ی «نَجَحَ الطَّالِبُ» چنین

خواهد بود :

نَجَحَ: فعلٌ ماضٍ، للغائب، مجزء ثلاثي / فعلٌ و فاعله «الطَّالِبُ» و الجملة فعلية
الطَّالِبُ: اسمٌ، مفردٌ، مذکر، مشتقٌ و اسمٌ فاعل / فاعلٌ و مرفوعٌ

تجزیه و ترکیب (الْإِعْرَابُ وَ التَّحْلِيلُ الصَّرْفِيُّ) به ما کمک می کند که :

- هر یک از کلمات را درست بشناسیم.
- موقعیت هر کلمه را در جمله تشخیص دهیم.
- مفهوم جمله را درست درک کنیم.



فراشوش نکنیم که:

- ✓ - تجزیه و ترکیب را به عربی بنویسیم.
- ✓ - در ذکر ویژگی های هر کلمه، ترتیب به کار رفته در نمونه ها را رعایت کنیم.
- ✓ - در ترکیب، ذکر نقش و اعراب هر دو ضروری است.
- ✓ - آموخته های جدید را به موارد «الْإِعْرَابُ وَ التَّحْلِيلُ الصَّرْفِيُّ» کلمات اضافه کنیم.
- ✓ - هدف نهایی از فراگرفتن قواعد، تطبیق آن ها بر کلمات است. پس، از پرداختن به تمرین «الْإِعْرَابُ وَ التَّحْلِيلُ الصَّرْفِيُّ» غفلت نکنیم!!

تمرین الرابع

عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ :
رَزَقَهُ اللَّهُ وَلَدًا صَالِحًا.

رَزَقَ:

- الف - فعلٌ ماضٍ، للغائبة، مزيدٌ ثلاثي.
- ب - فعلٌ ماضٍ، للغائب، مجزء ثلاثي.
- ج - فعل مضارع، للمخاطب، مزيد ثلاثي.

صالح:

- الف - اسم، مفرد، مذکر، مشتق (اسم مفعول).
- ب - اسم، مفرد، مذکر، مشتق (اسم فاعل).
- ج - اسم، مثنى، مؤنث، مشتق (اسم مكان).

١- لِلْغَائِبِ أَيْ لِلْمَفْرَدِ الْمَذْكَرِ الْغَائِبِ



- در ترجمه ی اسم های مبالغه معمولاً از قید «بسیار» استفاده می کنیم ؛ مانند : غفّار : بسیار آمرزنده
 - گاهی میان اسم های تفضیل از لحاظ ظاهری با فعل ماضی باب افعال مشابهت ایجاد می شود، توجه به مفهوم عبارت راهگشای مسأله است!
 - اگر بعد از اسم تفضیل حرف «مِن» بیاید، به صورت صفت تفضیلی ترجمه می شود : أحسن مِن ... : نیکوتر از ...
 - و اگر همراه «مِن» نیاید، معمولاً به صورت صفت عالی ترجمه می شود : أحسن کتاب : بهترین کتاب
- ترجمه ی زیر را بخوانید و اصلاحات لازم را در آن انجام دهید :

أَفْضَلُ إِنْسَانٍ

دَخَلَ وَقَدْ مِنَ التُّجَّارِ فِي مَجْلِسِ أَمِيرٍ. بَدَأَ فَتَى ذَكِيٌّ بِالْكَلَامِ نِيَابَةً عَنْ قَوْمِهِ. فَأَشَارَ إِلَيْهِ الْأَمِيرُ : أَلَيْسَ فِي الْمَجْلِسِ أَكْبَرُ مِنْكَ؟! عِنْدَئِذٍ قَالَ الْفَتَى «الْعَلَامَةُ»! بِشَهَامَةٍ : أَيُّهَا الْأَمِيرُ! قِيمَةُ الْإِنْسَانِ بِعَقْلِهِ وَ لِسَانِهِ! حِينَما رَزَقَ اللَّهُ الْإِنْسَانَ عَقْلاً كاملاً و لِسَاناً فَصيحاً فَلَهُ فَضيلَتَانِ. لَوْ كَانَتْ قِيمَةُ الْإِنْسَانِ بِسِنِّهِ لَكَانَ فِي هَذَا الْمَجْلِسِ مَنْ هُوَ أَحَقُّ مِنْكَ بِالْحُكْمِ ...

عِنْدَئِذٍ سَكَتَ الْأَمِيرُ وَ عَجَزَ عَنْ جَوَابِ الْفَتَى الصَّغِيرِ!

انسان برتر

ترجمه هایم را روی ورقه ای می نویسم و در صدد تصحیح کردن و رساتر ساختن آن ها برمی آیم.

هیأتی از بازرگانان وارد مجلس امیری شد. جوانی باهوش به نیابت از یارانش شروع به صحبت کرد. امیر به او اشاره کرد : آیا در مجلس بزرگتر از تو هستم؟! در این موقع جوان دانا با شهامت گفت : ای امیر! ارزش انسان به عقل و زبان اوست. موقعی که به انسان عقلی و زبانی فصیح روزی خواهد داد پس برای او فضیلت است. اگر ارزش انسان به سن او باشد، در آن مجلس کسی هست که او از شما به حکومت سزاوارتر است ...

در این موقع امیر سکوت کرد و از پاسخ عاجز ماند!

می خواهم مترجمی خوب باشم، پس :

محتوای کتاب عربی ام را خوب فرامی گیرم و نمی گذارم ابهامی در محتوای کتاب برایم باقی بماند.

از خواندن متون فارسی غفلت نمی کنم و آثار نویسندگان دلخواهم را بسیار می خوانم.

الف: در متن درس با کلمه ی «أَعْلَمُ» آشنا شدید، اکنون دیگر مشتقات از این ریشه را در آیات زیر مشخص کنید و نوع و ترجمه ی آن را در مربع ها بنویسید :

- | نوع | ترجمه |
|----------------------|----------------------|
| <input type="text"/> | <input type="text"/> |
| <input type="text"/> | <input type="text"/> |
| <input type="text"/> | <input type="text"/> |
- ۱- ﴿إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ (فاطر / ۳۸)
 - ۲- ﴿إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾ (مائدة / ۱۰۹)
 - ۳- ﴿وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِلنَّسَائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾ (معارج / ۲۴)
- ب: پس از خواندن آیات زیر، به سؤالات پاسخ دهید :
- ﴿وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا﴾ (التساء / ۱۲۵) ﴿وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ﴾ (انعام / ۱۰۳)
- معنی کلمه های خط کشیده شده به ترتیب کدام است؟

- خلیل : ☐ دوست بودن ☐ دوست ☐ دوستی انتخاب می کند
- لطیف : ☐ مهربانی کرد ☐ مهربانی ☐ مهربان
- خبیر : ☐ آگاه ☐ آگاه کردن ☐ آگاه تر

فِرْعَانُ نِعَمِ الْبَلَاءِ

«القرآن»

تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ. وَتَفَقَّهُوا^۱ فِيهِ فَإِنَّهُ رِيحُ الْقُلُوبِ. أَحْسِنُوا تِلَاوَتَهُ فَإِنَّهُ أَنْفَعُ الْقَصَصِ ...

تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ بِعِبَارَاتٍ مَأْلُوفَةٍ وَ عَيِّنْ نَوْعَ الْمُسْتَقَاتِ الْمُشَارِ إِلَيْهَا بِخَطٍّ :

«الخطبة ١١»

گروه های زیر را می توان در درس عربی
تشکیل داد :

- | | |
|--------------|-------------------|
| ۱- قواعد | ۲- ترجمه |
| ۳- قرائت متن | ۴- تجزیه و ترکیب |
| ۵- مکالمه | ۶- تمرین و کاربرد |
| ۷- نمایش | ۸- شعر |
| ۹- ... | |

گروه های درسی راهی در جهت تقویت برنامه های درسی

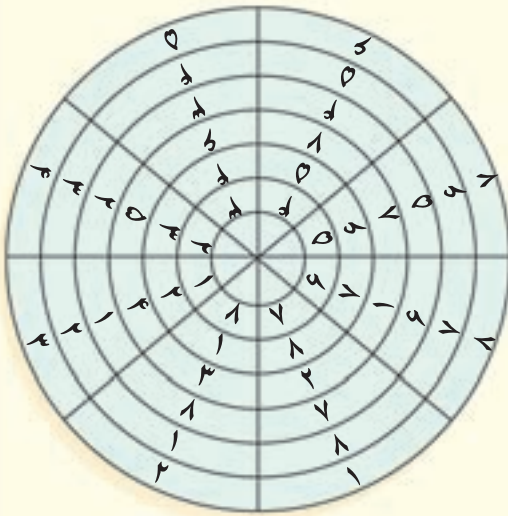
در کلاس هایمان گروه های درسی تشکیل دهیم.

مشارکت در سایر گروه ها بلامانع است.

کارهای گروهی را از هم اکنون تمرین کنیم!

تمرین کردن برای مشتقات

- ۱- دو قطعه مقوا و با ابعاد مختلف به شکل دایره تهیه کنیم.
- ۲- در قطعه‌ی کوچک شش دایره و در قطعه‌ی بزرگ تر هفت دایره با فواصل برابر از هم رسم کنیم.
- ۳- هر یک از مقواهای دایره‌ای را به کمک رسم کردن قطر به هشت قسمت تقسیم کنیم.
- ۴- در هر یک از قسمت‌های ایجاد شده، مطابق شکل عددگذاری کنیم.
- ۵- در خانه‌هایی که دارای عدد یک می‌باشند، به جای عدد یک به ترتیب از سمت مرکز: اسم فاعل، اسم مفعول، اسم

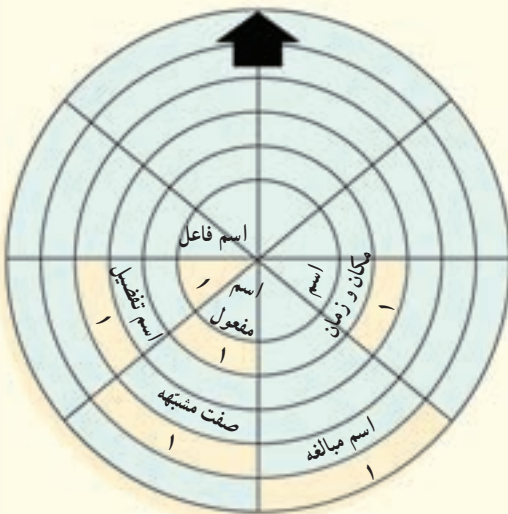


مکان و زمان، اسم تفضیل، صفت مشبیه و اسم مبالغه بنویسیم. همین عمل را نسبت به خانه‌هایی که دارای عدد دو و سه و ... می‌باشند، با فعل دیگری تکرار کنیم.

- ۶- در مقوای دوم (کوچک) پس از عددگذاری مطابق شکل، خانه‌هایی را که دارای عدد یک می‌باشند از مقوا جدا کرده و در قسمت بالای خانه‌های خالی شده به ترتیب از سمت مرکز دایره، این کلمات را بنویسیم: اسم فاعل، اسم مفعول، اسم مکان و زمان، اسم تفضیل، صفت مشبیه و اسم مبالغه.

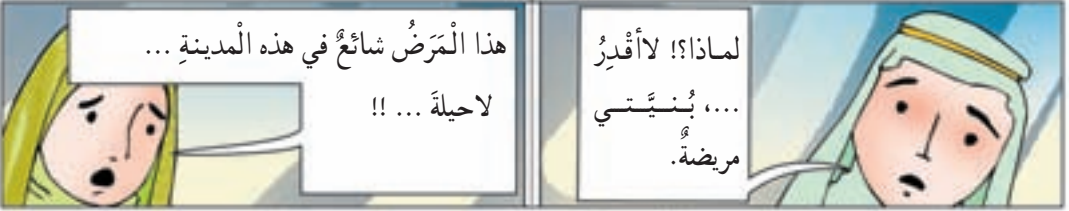
اکنون دو قطعه مقوا خواهیم داشت که در قطعه‌ی بزرگ‌تر کلمات مشتق و در قطعه‌ی کوچک‌تر شش خانه‌ی خالی وجود دارد. حال اگر دقت نماییم می‌بینیم که خانه‌های خالی همگی در یک نیم دایره قرار گرفته‌اند. در نیم دایره‌ی دیگر مطابق شکل علامت پیکان بکشیم و سپس دو دایره را از قسمت مرکز به هم وصل کنیم، به طوری که روی هم بچرخند. در این حالت روبروی پیکان و در قطعه‌ی دوم در محیط دایره، ریشه‌ی کلمات مشتق ظاهر شده را بنویسیم.

یادآوری: چنانچه از فعل‌های به کار رفته برخی اسامی مشتق وجود نداشته باشد در خانه‌ی مربوط از کلمه‌ی «ندارد» استفاده کنیم. ضمناً تمام خطوط موجود در دایره کوچک‌تر را پس از پایان کار برای زیباتر شدن وسیله، پاک کنیم.



التَّجَرُّبَةُ

الدرس السادس



نَظَلُّبُ عِلْمَاءِ الْبِلَادِ لِلْبَحْثِ* حَوْلَ
هَذَا الْأَمْرِ.

طَيِّبٌ، طَيِّبٌ.

أَحْسَنْتَ! هُنَاكَ عَالَمٌ مَشْهُورٌ فِي مَدِينَةِ الرَّيِّ، هُوَ طَبِيبٌ حَازِقٌ*.

قَصْدُكَ مُحَمَّدُ بْنُ زَكَرِيَّا الرَّازِيَّ

مُكْتَشِفُ الْكُحُولِ*؟!!

جَيِّدٌ، جَيِّدٌ!

أُطْلُبُوه بِإِعْزَازٍ* وَإِكْرَامٍ.

عِنْدَ الرَّازِيَّ

أَيُّهَا الْعَالَمُ الْجَلِيلُ! مَدِينَتُنَا فِي مُشْكَلَةٍ عَظِيمَةٍ... الْأَمْرَاضُ شَاعَتْ وَلَيْسَ لَنَا مُسْتَشْفَى مَنَاسِبٌ.

لِمَاذَا لَا تُبَادِرُونَ* بِنَاءِ الْمُسْتَشْفَى؟

مُشْكَلَتُنَا الْحَصُولُ* عَلَى مَكَانٍ
مَنَاسِبٍ لِلْمُسْتَشْفَى!

طَيِّبٌ، طَيِّبٌ!

إِخْتِلَافٌ كَثِيرٌ بَيْنَ الْأَطْبَاءِ حَوْلَ
تَعْيِينِ الْمَكَانِ الْمَنَاسِبِ.

إِلَى آخِرِ الْأُسْبُوعِ!

أَنَا أَفَكِّرُ فِي هَذَا الْأَمْرِ.

إِلَى مَتَى؟



ها... وَجَدْتُ...!

و بَعْدَ أَيَّامٍ



فِي الْبَيْتِ اللَّهُمَّ! أَنْتَ الْقَادِرُ عَلَى طَلْبَتِي وَتَعْلَمُ حَاجَتِي.
اللَّهُمَّ! اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا وَفَهْمًا وَعِلْمًا.

إِلَهِي! إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ.



أَنْتُمْ عَلَّقُوا كُلَّ قِسْمٍ فِي نَاحِيَةٍ مِنَ
الْمَدِينَةِ وَأَنَا سَأُخْبِرُكُمْ *بِالنتيجة.

و ماذا نَفْعَلُ نحنُ بهذه الأقسام؟



إِذْبَحُوا خُرُوفًا* وَ قَسِّمُوا
لَحْمَهُ إِلَى خَمْسَةِ أَقْسَامٍ.

و بَعْدَ أَيَّامٍ عَيَّنَ الرَّازِيُّ أَحْسَنَ مَكَانٍ لِبِنَاءِ الْمُسْتَشْفَى.



ذَهَبْتُ كُلَّ يَوْمٍ إِلَى نَوَاحِي *الْمَدِينَةِ وَشَاهَدْتُ التَّغْيِيرَاتِ الْحَاصِلَةَ
لِقِطْعِ *اللَّحْمِ. وَ وَصَلْتُ إِلَى هَذِهِ
النتيجة أَنَّ كُلَّ نَاحِيَةٍ يَفْسُدُ فِيهَا
اللَّحْمُ مُتَأَخِّرًا* أَحْسَنُ مَكَانٍ لِبِنَاءِ
الْمُسْتَشْفَى.



فِي الْمَجْلِسِ الْإِسْتِشَارِيِّ

أَيْهَا الْعَالَمُ الْجَلِيلُ! أَخْبِرْنَا عَنْ
سِرِّ تَعْلِيقِ اللَّحْمِ!



آیا تاکنون فکر کرده‌اید که اگر همه‌ی کارها فقط به یک شکل و صورت قابل تحقق بود، چه مشکلاتی پیش می‌آمد؟!



آیا اگر کارها و پدیده‌ها و افراد برای خود «جانشین» نداشتند، تنوع و تحوّل در طبیعت صورت می‌گرفت؟



اصل «جانشینی» در تمامی پدیده‌های خلقت جاری و ساری است! به تصویرها نگاه کنیم!



عمل تیمم «جانشین» کدام عمل شده است؟ بارش باران و یا شخم زدن زمین با گاوآهن و یا تراکتور چه طور؟!



آیا می‌توانید نمونه‌های دیگری از اصل جانشینی را در طبیعت و جهان پیرامون خود مثال بزنید؟

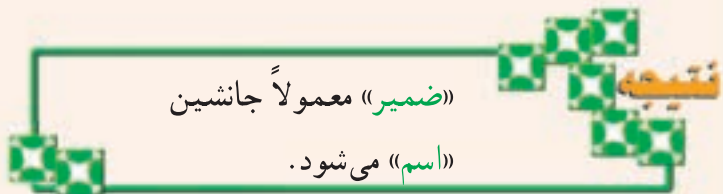
عالم کلمات

عالم کلمات نیز خالی از پدیده‌ی «جانشینی» نیست! در میان کلمات نیز گاهی کلمه‌ای به جای کلمه‌ی دیگر می‌آید و وظایف آن را به عهده می‌گیرد.

انسان هم در طبیعت «جانشین» خداست!

«جانشین»ها وظیفه‌ی «اصل» خود را باید ایفا کنند!

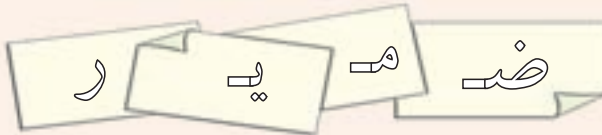
شاید کمتر عبارتی باشد که در آن «ضمیر» نباشد! آموختن ضمیر را جدی بگیریم!



حال از خود سؤال کنید:



- آیا کلمات «أنت، هي، نحن و...» را به خاطر می آوریم؟
- چند ضمیر مشابه آن‌ها در زبان فارسی ذکر کنیم!
- جمله‌ی «دانش آموز آمد» را با ضمیر مناسب بنویسیم.
- آیا می دانیم «ضمیر» معمولاً به جای چه کلمه‌ای می نشیند؟



نام گذاری

در زبان عربی به اسم‌هایی مانند «هو»، «أنتما»، «نحن» و یا «بُ» در «قَرَأْتُ» **ضمیر** می‌گوییم.

«**ضمایر**» یا به صورت مستقل در جمله به کار می‌روند و یا همراه کلمه‌ای دیگر می‌آیند.

بنابراین ضمایر یا «**منفصل**» اند و یا «**متصل**»!

ضمایر مُنفصل

دانستیم که:

مخاطب			غائب		
تصویر	ضمیر فارسی	معادل	تصویر	ضمیر فارسی	معادل
	أَنْتَ	تو		هُوَ	او
	أَنْتِ	تو		هِيَ	او
	أَنْتُمَا	شما		هُمَا	آن دو
	أَنْتُمْ	شما		هُمْ	آن‌ها
	أَنْتُنَّ	شما		هُنَّ	آن‌ها
متکلم					
	نَحْنُ	ما		أَنَا	من

ضمایر فوق همگی جزء **ضمایر منفصل** هستند!

تصویر ضمایر منفصل فرصت خوبی است برای انجام مسابقه! بسم الله!

در صیغه‌های غائب و مخاطب دو نوع ضمیر بیشتر نداریم: گروه «هاء» و گروه «تاء»! مگر این طور نیست؟

تصویر	ضمیر فارسی	معادل
	او را	إِيَّاهُ
	تو را	إِيَّاكَ
	شما را	إِيَّاكُمْ
	ما را	إِيَّايَ

حالا بدانیم که:

غایب

مخاطب

مخاطب

متکلم

ضمایر فوق نیز تعدادی دیگر از ضمایر منفصل به شمار می آیند.

حال از خود سؤال کنید:

– چرا به ضمایری که تاکنون خوانده ایم، «منفصل» می گوییم؟

– میان دو گروه از ضمایر منفصل فوق، چه تفاوتی از لحاظ معنا وجود دارد؟

– به جای «مریم» در جمله ی «مریم قرأت القرآن» یک ضمیر منفصل بیاوریم.

– عبارت «تو را می پرستیم» را با استفاده از ضمیر منفصل به عربی ترجمه کنیم.

– از متن درس چند ضمیر منفصل پیدا کنیم!



ضمایر متصل

آیا فعل های ماضی و مضارع و امر را به خاطر می آوریم؟

□ این فعل ها از چند جز تشکیل شده بودند؟

□ جز اصلی فعل را چه می نامیدیم؟

حال جواب صحیح را علامت بزنید :

قرأتم از ... جز تشکیل شده است.

«...» ریشه ی فعل «يَكْتُبُونَ» است.

○ دو ○ یک

○ کتب ○ یکتب

ضمایر منفصل را طوطی وار حفظ نکنیم! با دقت روی معنی و مفهوم، ضمیر مناسب را یاد بگیریم و تکرار کنیم.

اگر فعل ها را خوب یاد گرفته باشیم، ضمایر متصل به آن را به یاد داریم!

حال به فعل‌های زیر توجه کنید:

ماضی	مضارع	امر
کتابت	یکتب	اكتب
کتبت	تکتب	اكتبی
کتبتا	تکتبا	اكتبیا
کتبت	یکتب	اكتب
کتبت	تکتب	اكتبی
کتبتا	تکتبا	اكتبیا
کتبت	یکتب	اكتب
کتبت	تکتب	اكتبی
کتبتا	تکتبا	اكتبیا
کتبت	یکتب	اكتب
کتبت	تکتب	اكتبی
کتبتا	تکتبا	اكتبیا
کتبت	یکتب	اكتب
کتبت	تکتب	اكتبی
کتبتا	تکتبا	اكتبیا

حال از خود سؤال کنید:



- آیا ضمایر مشترک میان فعل‌ها وجود دارد؟ ☐
- آیا ضمایر «هو»، «هی»، «أنت» متصل به فعل نمی‌آیند؟ ☐
- «الف» در فعل «کتبا» از لحاظ معنی نشان‌دهنده‌ی چه چیزی است؟ ☐
- آیا علامت‌هایی مانند «الف» در «کتبوا» و «نون» در «یکتبنون» جزء ضمایر هستند؟ ☐

ضمایر مختص	ضمایر مشترک	
	ماضی - مضارع - امر	مضارع - امر
ت		ا
ن		
تا		
نم	ی	و
نم		
نم		
نا		ن

ضمایر بارز

می‌دانیم که:



همه‌ی فعل‌ها دارای ضمیر (انجام‌دهنده‌ی فعل) هستند، اما

- ضمایر متصل را برای خود شبیه‌سازی کنیم:
- ا = مانند؟
- و = مانند؟
- ی =؟
- ن =؟
- ا = برای مثنی
- و = برای جمع مذکر
- ن = برای جمع مؤنث

ضمایر فعل‌هایی مانند «کتب، یکتب، اکتب و ...» کدام است؟ ☐

«ضمیر»، گاه به صورت «بارز» همراه فعل

می آید و گاه به صورت «مستتر»

بنابر این

فعل هایی که دارای ضمیر بارز نیستند، ۵ صیغه هستند :

هو -	ماضی و مضارع
هي -	ماضی و مضارع
أنت -	مضارع و أمر
أنا، نحن -	مضارع

به خاطر بسپاریم که:



ضمایری مانند «ا»، «و»، «ن» و ... که همراه فعل می آیند و نشان دهنده ی «انجام دهندگان» فعل هستند، «ضمایر متصل فاعلی» نام دارند.

حال به تابلوی روبرو نگاه کنیم :

- ✓ ﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ﴾
- ✓ ﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا﴾
- ✓ ﴿فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ﴾
- ✓ ﴿وَمَا ظَلَمُونَا...﴾

به ضمایر «کُم»، «نا» دقت کنیم!

این ضمایر همراه کدام یک از اقسام کلمه آمده اند؟
آیا این ضمایر با ضمایر متصل فاعلی تفاوت دارند؟
آیا این ضمایر جزء ضمایر منفصل به شمار می روند؟

مسابقه!

شناخت ضمایر متصل فاعلی را به مسابقه بگذاریم. فعل بگوییم و ضمیر فاعلی بخواهیم و به عکس!

به خاطر بسپاریم که:



دقت کنیم که :

ضمایر متصل فاعلی تنها همراه فعل می آیند!

گروه دوم از ضمایر متصل، ضمایری هستند که به

هر سه قسم کلمه (اسم، فعل، حرف) متصل می شوند.



هنگام اتصال فعل به ضمیر «ی»، حرف «ن» (نون وقایه) میان آن دو آورده می‌شود.

نصر + ی ← نصرنی

به ضمایر متصل به هر سه قسم کلمه در جدول زیر توجه کنید :

ضمیر	معادل فارسی	ضمیر	معادل فارسی
ه	ش - او را (متصل به اسم) (متصل به فعل)	ت - تو را	ت - تو را
ها	ش - او را (متصل به اسم) (متصل به فعل)	ت - تو را	ت - تو را
هما	شان - ایشان را	کما	تان - شما را
هم	شان - ایشان را	کم	تان - شما را
هُنَّ	شان - ایشان را	کُنَّ	تان - شما را
ی	م - مرا		
نا	مان - ما را		

مسابقه‌ی سرعت

این سه ماهیگیر به دنبال طعمه‌ی ضمیر متصل به هر سه قسم کلمه برای قلاب‌های خود هستند. در میان ضمایر داده شده طعمه‌های موردنظر را بیابید و به قلاب ماهیگیر وصل کنید، و سپس در جعبه‌ی ماهیگیر قرار دهید :



«هما»، «هم»، «هن» هم در ضمایر منفصل وجود دارند و هم متصل؟
هُم طَلَبُوا!
هَذَا عَمَلُهُمْ!

«نا» در ضمیر متصل فاعلی و ضمایر متصل به هر سه قسم کلمه وجود دارد! معیار تشخیص کدام است؟



التمرين الأول

أكمل الفراغ:

هُم شَكَرُوا رَبَّهُمْ. هُنَّ شَكَرْنَ رَبَّهُنَّ.	هُمَا شَكَرَا رَبَّهُمَا. هُمَا شَكَرَتَا رَبَّهُمَا.	هُوَ شَكَرَ رَبَّهُ. هِيَ شَكَرَتْ رَبَّهَا.
... رَّبِّكُمْ. ... أَنْتَنَّ تَشْكُرَانِ أَتُثْمَا ...	أَنْتَ تَشْكُرِينَ ...
!... !... ..	!... أَشْكُرَا رَبَّكُمَا	أَشْكُرُ رَبَّكَ! !... ..

التمرين الثاني

أكمل الفراغ:

... نَاجِحُونَ.	... هُمَا	... نَاجِحٌ.	هو
... نَاجِحَتَانِ.	... نَاجِحَةٌ.	هي
... مُجْتَهِدٌ.	هو
...

التمرين الثالث

أكمل الفراغ بضمير مناسب (مُفَصِّلٍ او مُتَّصِلٍ):

الْمَطَرُ*! الْمَطَرُ! الْبَرْدُ*! الْبَرْدُ! ماذا أفعل يا رب؟! سأذهب إلى بيتِ الْفَأْرَةِ.

... تَطْرُقُ الْبَابَ!

مَنْ ...؟ ... الْقِطَّةُ*!

ماذا تَطْلُبِينَ؟

أَطْلُبُ مُسَاعَدَتَهُ ... تَفَضَّلِي، ادْخُلِي.





کیف؟ ... لا أَقْدِرُ! إصبري قليلاً! ... تَقْدِرِينَ.

هكذا، ادخلي!! أمّا...

دَنَبِي*، دَنَبِي!

بعد لحظاتٍ تَرَجُّعِ الفأرة مِنْ بَيْتٍ ... بِالْمِظَلَّةِ*.

و ... تَجْلِسَانِ تحتِ الْمِظَلَّةِ!

التسعين الرابع

صَحَّحِ الأخطاءَ في ترجمة العباراتِ التالية:

- ۱- هُمْ مشغولونَ بمطالعةِ دروسِهِمْ وَ نَحْنُ نُفَكِّرُ فِي الإمتحانِ.
ما سرگرم مطالعه درس هایمان هستیم و آن ها به امتحان فکر می کنند.
- ۲- أَنْتُمْ تَتَعَلَّمُونَ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ لِأَنَّهَا لُغَةُ الْقُرْآنِ.
آن ها زبان عربی را فرا می گیرند، چون زبان قرآن است.
- ۳- ﴿الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي﴾
امروز دین را برای شما کامل کردم، و نعمت را بر شما تمام کردم.

التسعين الخامس

اُكْتُبِ الكلماتِ التاليةَ مع ضميرِ «الياء» :

عَلَّمَ - معلّم - ينصّر - بِ - أكرَمَ - قَلَم



□ «ضمیر» یکی از اجزای اصلی جمله است. در تشخیص انواع ضمیر و ترجمه‌ی صحیح هر یک، دقت کنیم.

□ در تشخیص مرجع ضمایر غایب بسیار دقت کنیم.

کدام یک از دو ترجمه‌ی ارائه شده از متن زیر را می‌پسندید؟ چرا؟!

الْخُلُقُ الْحَسَنُ

لَمَّا قَرَّبَ النَّبِيُّ (ص) مِنَ الْمَدِينَةِ، أَخَذَ النَّاسُ زِمَامَ النَّافَةِ. فَقَالَ النَّبِيُّ (ص): أَيُّهَا النَّاسُ! أَتُزَكُّو النَّافَةَ فَهِيَ مَأْمُورَةٌ، فَعَلَى بَابِ دَارٍ مِنْ وَفَّتْ فَأَنَا عِنْدَهُ. فَهُمْ تَزَكُّوا زِمَامَهَا وَهِيَ دَهَبَتْ فِي مَسِيرِهَا.
بعد ساعه دَخَلَتِ الْمَدِينَةَ فَوَفَّتْ عَلَى دَارِ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ وَهُوَ كَانَ أَفْقَرَ النَّاسِ فِي الْمَدِينَةِ!
تَحَسَّرَ النَّاسُ وَانْقَطَعَتْ آمَالُهُمْ!

خُلُقِ نِیکو

زمانی که پیامبر (ص) به مدینه نزدیک شد، مردم عنان شتر را گرفتند. پیامبر (ص) گفت: ای مردم! شتر را رها کنید، چه او مأمور است. و بر درخانه‌ی هر که توقف کند من نزد او هستم! مردم عنان شتر را رها کردند و شتر به راه خود رفت، پس از یک ساعت شتر وارد شهر شد و بر در خانه‌ی ابی ایوب انصاری ایستاد و او فقیرترین مردم مدینه بود. مردم حسرت و تأسف خوردند و آرزوهایشان قطع شد!

خُلُقِ برتر

در مسیر ترجمه:

زمانی که پیامبر (ص) نزدیک شهر شد، مردم طناب شتر را به شدت گرفتند. پیامبر (ص) فرمود: ای مردم! شتر را ترک کنید زیرا آن مأمور است، پس هر کجا ایستاد من نزد او می‌مانم. مردم شتر را رها کردند و به راه خود رفتند. پس از چند ساعت مردم وارد شهر شدند و شتر نیز بر در خانه‌ی ابی ایوب ایستاد و او فقیرترین مردم بود!

بسیار تمرین می‌کنم.
مترجمان زبردست امروز،
مبتدیان دیروزند!

از کندی کار و خطاهای
بسیارم خسته و دل‌زده
نمی‌شوم. بزرگان ترجمه‌ی
امروز، در آغاز کار، مبتدیان
از خطا نبودند.

ترجمه‌هایم را در ذهنم انجام
نمی‌دهم، بلکه همیشه روی
کاغذ می‌نویسم.

الف

نوع ضمائر مشخص شده در آیات زیر را تعیین کنید، سپس ترجمه‌ی آیات را کامل نمایید.

۱- ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ (حمد/ ۴)

تنها ... را می‌پرستیم و تنها از ... یاری می‌جوئیم.

۲- ﴿نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ﴾ (یوسف / ۳)

... نیکوترین سرگذشت را بر ... حکایت می‌کنیم.

۳- ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ﴾ (بقره / ۲۱)

ای مردم! پروردگار ... را که ... را آفریده است، پرستش کنید.

ب

کدام آیه درباره‌ی مفهوم زیر سخن می‌گوید؟!

«گوش فرا دادن به قرآن هنگام تلاوت این کتاب آسمانی»

□ ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (اعراف / ۲۰۴)

□ ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾ (اسراء / ۹)

□ ﴿مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى﴾ (طه / ۲)

برای درس عربی

— آیا تا به حال دیوان حافظ را ورق زده‌اید و

اشعار عربی آن را خوانده‌اید؟

— آیا عبارات عربی گلستان و بوستان را دیده‌اید؟

— آیا با ترجمه‌ی آثار و نوشته‌های ادبای عرب

تاکنون برخورد کرده‌اید؟

— آیا دوست دارید مطالبی را پیرامون تأثیر زبان

عربی بر فارسی و به عکس بخوانید؟

— آیا دوست دارید مطالب خود را به زبان عربی

بیان کنید؟

آیا زمانی را به مطالعه کتاب‌های غیر درسی اختصاص می‌دهید؟

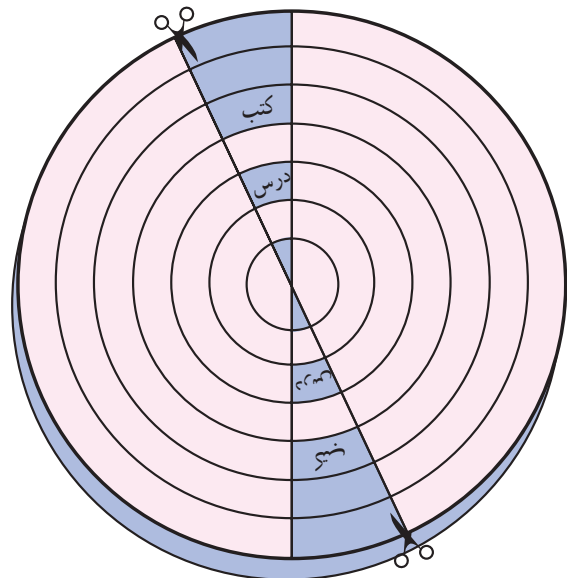
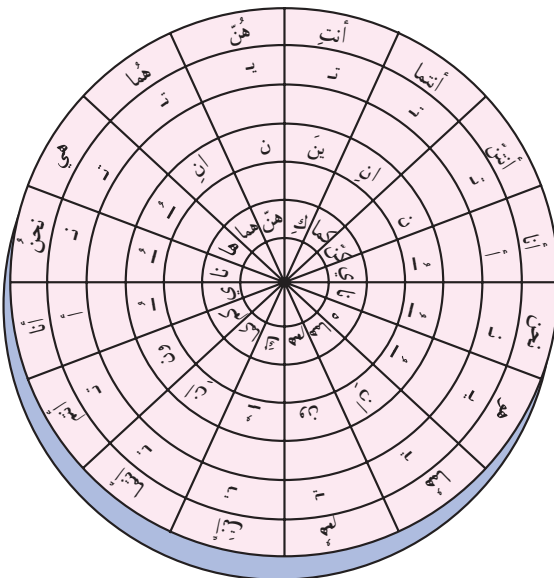
مطالعات جنبی شما چه مقدار است؟

مطالعات جنبی، نگرش شما را نسبت به محیط اطرافتان

روشن تر می‌کند!

تمرین نمودن افعال با ضمایر منفصل و متصل

- ۱- دو قطعه مقوا به شکل دایره تهیه کنیم.
- ۲- در هر یک از مقواها شش دایره با فواصل برابر از هم رسم کنیم.
- ۳- هر یک از مقواهای دایره‌ای را به کمک رسم نمودن قطر به شانزده قسمت تقسیم کنیم.
- ۴- در یکی از دایره‌ها مطابق شکل، کلمات موردنظر را با رنگ‌های مختلف بنویسیم.
(در دایره‌ی اول ضمایر منفصل مرفوع، در دایره‌ی دوم حروف مضارعه، در دایره‌ی چهارم ضمایر متصل فاعلی با یک رنگ و نون‌های رفع و ضمه‌ها با رنگ دیگر و در دایره ششم ضمایر متصل به سه قسم کلمه)
- ۵- در مقوای دوم قسمت‌های هاشور زده را از مقوا جدا کنیم و کلمات موردنظر را با ترتیبی که در شکل به کار رفته بر روی آن بنویسیم.
- ۶- خطوط اضافی مقوای دوم را پاک کنیم و سپس دو دایره را از نقطه‌ی مرکز به یک‌دیگر وصل کنیم به گونه‌ای که روی همدیگر بچرخند.





— رَبَّنَا إِنَّا أَفْقَاءٌ لِّمَا نُنَزَّلُ إِلَيْنَا مِنْ خَيْرٍ.

— فَأَمَرَ اللَّهُ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ بِالْهَجْرَةِ.

﴿إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ، فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ﴾

— فِي الْحَبْشَةِ حَاكِمٌ عَادِلٌ وَ مُوَحَّدٌ*.

رُؤَسَاءُ قَرِيشٍ

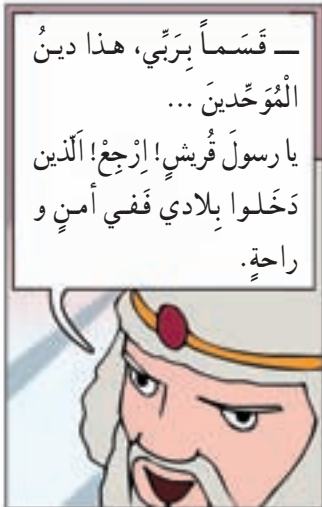
— الَّذِينَ هَاجَرُوا إِلَى الْحَبْشَةِ سَوْفَ يَخْلُقُونَ
لَنَا الْمَشْكَلاتِ.

— أَنْتُمْ صَامِتُونَ*! ... هَذَا عَجِيبٌ!!

— طَيِّبٌ ... طَيِّبٌ ... التَّطْمِيعُ*
مِنْ عَادَتِنَا.

— قَسَمًا بِالْآلَاتِ* وَالْعُرَى* سَنُرْجِعُ مَنْ هَاجَرَ وَنُعَذِّبُهُ.

— نَبْعَثُ رَسُولًا مَعَ هَدَايَا إِلَى
حَاكِمِ الْحَبْشَةِ وَ نَطْلُبُ مِنْهُمْ
تَسْلِيمَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى هُنَاكَ.





برای عبور از این رودخانه‌ی عریض و خروشان چه طرحی پیشنهاد می‌دهید؟
 شاید به آب زدن و شنا کردن یکی از راه‌های پیشنهادی شما باشد، اما خودروها
 و وسایل دیگر را چگونه باید از این سمت به سمت دیگر منتقل نمود؟
 در تصویر دوم راه‌حل منطقی و درست را مشاهده می‌کنید و تصویر سوم
 نمایانگر صحیح بودن این پیشنهاد است.
 در عالم طبیعت «پل»‌ها نقش ارتباطی میان دو قطعه‌ی مجزا از یک‌دیگر را
 دارند.

عالم کلمات

در عالم کلمات نیز گاهی به «پل» و یا نقطه‌ی وصل نیاز داریم تا دو قسمت یک جمله را به
 یک‌دیگر وصل کنیم.

در زبان عربی نیز کلماتی وجود دارند که موجب **ارتباط و اتصال** میان
 اجزای جمله می‌شوند.

حال از خود سؤال کنید:



- ☐ در جمله‌ی «دانش‌آموزی موفق می‌شود که تلاش می‌کند»، عامل اتصال میان دو جزء جمله کدام است؟
- ☐ آیا می‌توانید در جمله‌ی «فَهَيْتُ التَّرْسَ الَّذِي دَرَسَهُ الْمُعَلِّمُ» وصل‌کننده‌ی دو جمله را تشخیص دهید؟
- ☐ آیا می‌توانید بگویید که این اتصال‌دهنده‌ها در عربی جزء کدام یک از اقسام کلمه هستند؟

«پل»‌ها عامل ارتباط هستند!
 اگر «پل»‌ها نبودند، ارتباط‌ها
 دشوار می‌شد! آیا این طور
 نیست؟

مهندسی کلمات : بچه‌ها!
 هرگاه زمینه‌ی استفاده از پل در
 وسط دو قطعه‌ی مجزا از هم
 فراهم نباشد، پایه‌های پل را در
 آغاز جزء اول قرار می‌دهیم!

آیا اگر اتصال‌دهنده‌ها در جمله وجود نداشته باشند، معنای اصلی
 جمله دریافت می‌شود؟

حال به تصویر نگاه کنیم :

گاهی برای ارتباط میان دو جزء مجزا، از
 روش دیگری استفاده می‌کنیم.



التَّالِمِيذُ يَجْتَهِدُونَ فِي الدَّرْسِ. التَّالِمِيذُ يَنْجَحُونَ فِي الْحَيَاةِ.

برای ارتباط میان این دو جمله چه راهی را پیشنهاد می کنید؟
یک راه نصب «**پُلِ اتصال**» در قسمت اول عبارت است!

الَّذِينَ يَجْتَهِدُونَ فِي الدَّرْسِ، يَنْجَحُونَ فِي الْحَيَاةِ.

در این صورت :

علاوه بر تغییر در محل استفاده از پُل، معنای کلمه‌ی ارتباطی هم تغییر پیدا می کند!

که

الْإِنْسَانُ الَّذِي يَجْتَهِدُ يَنْجَحُ.

کسی که

الَّذِي يَجْتَهِدُ فَهُوَ يَنْجَحُ.

عبارت صحیح را علامت بزنید :

- ☐ اتصال دهنده‌ها برای وصل میان دو اسم به کار می روند.
- ☐ اتصال دهنده‌ها در وسط جمله‌ها نمی آیند.
- ☐ اتصال دهنده‌ها در آغاز جمله نیز می آیند.

نام گذاری

کلماتی از قبیل «الَّذِي»، «الَّتِي»، «الَّذِينَ» و «اللاتي» در زبان عربی «اسم موصول» نام دارند.

مذكر	مؤنث	معادل
مفرد	الَّذِي	الَّتِي
جمع	الَّذِينَ	اللاتي
		که، کسی که، چیزی که، کسانی که

کاربرد

موصول در عربی برحسب ماقبل خود تغییر می کند ؛ مانند :

- الْمُؤْمِنُ الَّذِي يَعْمَلُ الصَّالِحَاتِ يَنْجَحُ.
- الْمُؤْمِنَةُ الَّتِي تَعْمَلُ الصَّالِحَاتِ تَنْجَحُ.
- الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ يَنْجَحُونَ.
- الْمُؤْمِنَاتُ اللَّاتِي يَعْمَلْنَ الصَّالِحَاتِ يَنْجَحْنَ.

مگر نمی دانیم هر پل برای عبور
محموله‌های خاصی است؟!
پل «الَّذِي» برای عبور
پل «الَّتِي» برای عبور
و
نکته

مهندسی کلمات شما چگونه است؟!
آیا موافقید مسابقه‌ای برگزار کنیم
و ماهرترین مهندس را انتخاب کنیم؟
بسم الله ...!!



حال از خود سؤال کنید :

جاهای خالی را با کلمه‌ی مناسب پر کنید :

— اسم موصول «...» برای کلمه‌ای که مفرد مذکر باشد، استفاده می‌شود.

— اسم‌های موصول عبارتند از : ... ، ... ، ...

— موصول «الَّذین» برای اسم‌های استفاده می‌شود.

نوع دوم به این دو عبارت توجه کنیم : عِلْمٌ مِّنْ لَا یَعْلَمُ! اِعْمَلْ بِمَا تَعَلَّمْتَ!

— آیا کلمه‌های «مَنْ» و «مَا» در جمله‌های بالا برای سؤالی کردن هستند؟

— آیا کلمه‌ی «مَا» برای منفی کردن آمده است؟

و یا آن که ... ؟!

«مَنْ» و «مَا» نیز گاهی به عنوان «اسم موصول» در جمله به کار می‌روند.

کاربرد

«مَنْ» به معنی کسی که، کسانی که

«مَا» به معنی چیزی که، چیزهایی که، آنچه

نام‌گذاری

به اسم‌های موصول «مَنْ» و «مَا»، «مشترک» می‌گوییم و بقیه‌ی موصولات را «خاص»

می‌گوییم.

حال از خود سؤال کنید:

دو کاربرد برای اسم‌های

موصول :

۱- آغاز جمله

۲- داخل جمله

— آیا اسم‌های موصول «مَنْ» و «مَا» برای مذکر و مؤنث به صورت

یکسان به کار می‌رود؟

— چرا به اسم‌های موصول «مَنْ» و «مَا» مشترک گفته می‌شود؟

— مجموعاً چند کلمه به عنوان اسم موصول می‌شناسید؟

نام ببرید.



متناسب با کاربرد، معنی نیز تغییر می‌کند.

تا کنون با چند نوع «مَا» و «مَنْ» در عبارت‌ها آشنا شده‌ایم؟!

إجعل في الفراغ الموصول المناسب:

اللاتي ، ما ، التي ، من ، الذين

۱- الطالبة المجتهدة هي ... تتجح في درسها.

۲- الأمهات هن ... تعين من أجلنا.

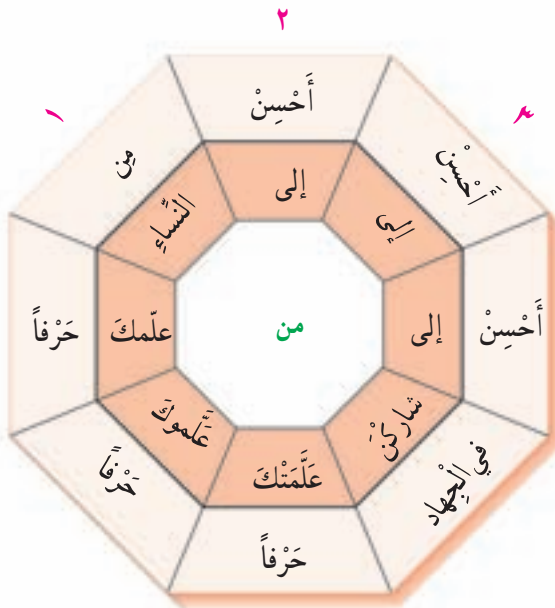
۳- أنفق بـ ... عندك في سبيل الله.

۴- احترم ... هو أصغر منك.

۵- ... يعملون الصالحات فلهم أجر عظيم.

ترجمه ی جمله های زیر را در کنار هم بنویسید تا مشخص شود اسم موصول «من» در چند صیغه

به کار می رود :



التَّحْقِيقُ الثَّالِثُ

أُكْمِلِ الْفَرَاغَ وَفَقِّ التَّمُودَج:

- اَلْمُؤْمِنُ هُوَ الَّذِي يَتَوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ فِي الْحَيَاةِ.
- اَلْمُؤْمِنَةُ
- اَلْمُؤْمِنُونَ
- اَلْمُؤْمِنَاتُ

التَّحْقِيقُ الرَّابِعُ

عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

- ۱- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾
حمد و سپاس خدای را که آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن اوست.
حمد و سپاس خدای را که آسمان‌ها و آن که در زمین است، از آن اوست.
- ۲- ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾
به تحقیق مؤمنانی که در نمازهای‌شان خاشع و فروتنند، رستگار شدند.
رستگار شدگان همان خاشعان و فروتنان در نمازند.
- ۳- اَلْعَاجِزُ مَنْ عَجَزَ عَنِ اكْتِسَابِ الثَّوَابِ.
ناتوان کسی است که از به‌دست آوردن ثواب عاجز باشد.
ناتوان از به‌دست آوردن ثواب عاجز است.

عَيَّنَ الصَّحِيحُ فِي التَّحْلِيلِ الصَّرْفِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي أُشِيرَ إِلَيْهَا بِخَطٍّ:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى﴾

اسمٌ □ ضميرٌ متصلٌ □ للغائب □ اسم الإشارة □

هو:

حرفٌ □ ضميرٌ منفصلٌ □ للغائبة □ ضميرٌ متصلٌ للفعل □

اسمٌ □ موصولٌ عامٌ □ للمفرد المذكر □ اسم الإشارة □

الذي:

حرفٌ □ موصولٌ خاصٌ □ للمثنى المؤنث □ ضميرٌ منفصل □

فعلٌ ماضٍ □ للغائب □ مجرد ثلاثي □

أرسل:

فعلٌ مضارعٌ □ للمخاطب □ مزيد ثلاثي □



- کلماتی مانند «الذی» و «الّتی» هر گاه پس از اسم دارای «ال» بیایند، به معنی «که» خواهند بود؛ مانند: ذهبْتُ إلى المسجد الذی قُربَ مدرستنا.
- دقت کنیم که «ما» با توجه به آن چه که تاکنون خوانده ایم، گاهی حرف نفی است و گاه اسم استفهام و گاه موصول. به کمک قرائن موجود در جمله، باید هر یک را از دیگری تمیز داد.
- ترجمه‌ی متن زیر را بخوانید و اصلاحات لازم را در آن انجام دهید:

نَبِيُّ الرَّحْمَةِ

إِنَّ يَهُودِيًّا طَلَبَ دِينَهُ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَلَكِنَّ النَّبِيَّ (ص) مَا كَانَ عِنْدَهُ مَا يَدْفَعُ دِينَهُ؛ فَقَالَ لِلْيَهُودِيِّ: أَلَا نَ مَا عِنْدِي شَيْءٌ؟ فَقَالَ الْيَهُودِيُّ: فَأَنَا لَا أَسْمَحُ بِخُرُوجِكَ مِنَ الْمَسْجِدِ؛ فَتَبَسَّمَ النَّبِيُّ (ص) وَقَالَ: أَجْلِسْ مَعَكَ وَلَا أَخْرِجْ مِنَ الْمَسْجِدِ!

أَصْحَابُ النَّبِيِّ (ص) الَّذِينَ شَاهَدُوا هَذَا الْمَنْظَرَ غَضِبُوا وَهَدَّدُوا الْيَهُودِيَّ؛ فَنَظَرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِلَيْهِمْ وَقَالَ: مَاذَا تَفْعَلُونَ؟ إِنَّ اللَّهَ مَابَعَثَ رَسُولَهُ لِلظُّلْمِ عَلَى النَّاسِ!

سَمِعَ الْيَهُودِيُّ كَلَامَ النَّبِيِّ (ص) وَقَالَ: أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ وَأَنَا مَا فَعَلْتُ الْعَمَلَ الَّذِي عَمِلْتُهُ إِلَّا لِاطْمِئْنَانِ نَفْسِي. فَإِنِّي قَرَأْتُ فِي التَّوْرَةِ:

... إِنَّ الَّذِي يَخْرُجُ مِنْ مَكَّةَ (لِلنَّبُوَّةِ) لَيْسَ غَلِيظًا وَلَا ظَالِمًا وَلَا ...

فَسَلَامٌ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ الرَّحْمَةِ!

پیامبر رحمت

دو نفر یهودی طلب خود را از پیامبر خدا (ص) درخواست کرد. اما پیامبر (ص) چه چیزی نداشت تا با آن دین خود را ادا کند. بنابراین به مرد یهودی گفت: الآن چیزی ندارم. یهودی گفت: پس من اجازه‌ی خارج شدن از مسجد را به تو نمی‌دهم؛ پیامبر (ص) تبسمی کرد و گفت: با تو نَسْتَم و از مسجد خارج نشدم یاران پیامبر (ص) کسانی که این صحنه را مشاهده می‌کنند عصبانی شدند و مرد یهودی را خواستند تهدید کنند. رسول الله (ص) به آن‌ها نگاه کرد و گفت: چه می‌کنید؟ همانا خداوندی که فرستاده‌اش را برای ستم بر مردم نفرستاد! یهودی سخن پیامبر (ص) را شنید و گفت: شهادت می‌دهم که تو پیامبر خدایی و من کاری را کردم، نبود مگر برای اطمینان یافتن خودم. چه در تورات خواند: ... همانا کسانی که از مکه خارج می‌شوند (برای پیامبری) نه خشن است و نه ستمگر و نه ... پس سلام بر تو ای پیامبر رحمت!

آیا می‌دانید؟!

مترجمان، حافظان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و انتقال‌دهندگان آن به نسل‌های بعدی هستند؟

آیا می‌دانید؟!

مترجمان در ایجاد تغییرات علمی – ادبی جوامع بشری نقش بسزایی دارند؟

آیا می‌دانید؟!

جنبش علمی – صنعتی اروپا (رنسانس) با ترجمه‌ی آثار مسلمانان به زبان‌های اروپایی آغاز شد؟

آیا می‌دانید؟!

هزارها کتاب به عربی در انتظار مترجمانی ماهر و کاردان بسر می‌برند؟

الف

با توجه به معنی آیات جای خالی را از کلمات داده شده پر کنید:

﴿... يَكُونُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَفْقَهُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾

کسانی که طلا و نقره را می‌اندوزند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، پس به آن‌ها عذاب دردناکی را مرثه ده!

الَّذِي الَّذِينَ الَّتِي

﴿يُسَبِّحُ لَهُ ... فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾

حمد و ثنا می گویند او را هر آن که در آسمان ها و زمین است.

□ مَنْ □ الَّتِي □ الَّذِي

پ

در کدام آیه هدایت‌گری قرآن مورد تأکید قرار گرفته است؟!

○ ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ﴾ ○

○ ﴿وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾

آیا می‌خواهیم مطالب خود را به زبان عربی بیان کنیم؟

برای صحبت کردن به زبان قرآن :

۱- سعی کنیم جملات ساده از قبیل سلام و احوال پرسی

و خدا حافظي و ... را به عربي ياد بگيريم.

۲- عبارت‌هایی را از متن و تمرین‌ها انتخاب و حفظ کنیم.

۳- اشعار و ضرب المثل ها و جملات حکمی را حفظ کنیم.

۴- با گوش دادن به مطالب رادیو عربی سعی کنیم گوش

خود را به شنیدن جملات عربی عادت دهیم.

۵- در گفتگوی با دوستانمان سعی کنیم بعضی از جملات

را به عربی بیان کنیم.

۶- مُلَمَّعِ سَخْنِ گُفْتَن (ترکیب جمله‌های فارسی و عربی)

قدمی در راه یادگیری است.

۷- از اشتباهات نهراسیم و به راه ادامه دهیم.

آیا می‌دانیم بیان مطالب به یک زبان قوّه‌ی درک و فهم ما را از متون آن زبان دو چندان می‌کند؟!

آیا می‌دانیم مشکل اساسی ما در صحبت کردن به زبان قرآن ندانستن
واژه نیست! بلکه عدم آشنایی با کیفیت جمله‌سازی است؟!

آیا می دانیم علاوه بر هزارها واژه ی عربی که در فارسی به کار می رود، تاکنون بیش از هزار واژه ی جدید عربی خوانده ایم؟!



بَرَزَ *الثَّعْلَبُ يَوْمًا فِي شِعَارِ النَّاصِحِينَ

فَمَشَى * فِي الْأَرْضِ يَنْصَحُ وَ يَسُبُّ * الْمَاكِرِينَ *



و يَقُولُ الْحَمْدُ لَكَ ... هُوَ إِلَهُ الْعَالَمِينَ
يَا عِبَادَ اللَّهِ تَوَبُوا فَهُوَ كَهْفُ * التَّائِبِينَ
و أَطْلُبُوا الدَّيْكَ * يُؤَدِّنُ لِصَلَاةِ الصُّبْحِ فِينَا



فَذَهَبُوا إِلَى الدَّيْكَ، فَقَالَ :

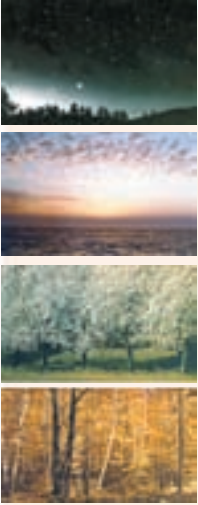
بَلِّغُوا * الثَّعْلَبَ عَنِّي * عَنْ جُدُودِي * الصَّالِحِينَ

عَنْ ذَوِي التَّيْجَانِ مِمَّنْ دَخَلُوا الْبَطْنَ * اللَّعِينَا

إِنَّهُمْ قَالُوا وَ حَيْرُ الـ ... قَوْلِ قَوْلِ الْعَارِفِينَ :

مُحْطِئِي * مَنْ ظَنَّ * يَوْمًا أَنْ لِلثَّعْلَبِ دِينًا !

أحمد شوقي (بتصرف)



آیا در جهان آفرینش همه ی پدیده ها پیوسته، چهره ی ثابت و تغییرناپذیری دارند؟

آیا پدیده هایی از قبیل زمین، آسمان، ماه، خورشید و دریاها و اقیانوس ها هر روز به صورتی جدید در می آیند و تغییر محسوسی می کنند؟
حال به ظاهر درختان و گل ها دقت کنید!
به تغییر محسوس آن ها در فصول چهارگانه توجه کنید.

عالم کلمات

در جهان پر رمز و راز کلمات نیز گاهی با کلماتی مواجه می شویم که ظاهری ثابت و تغییرناپذیر دارند. و در همه ی شرایط شکل ظاهری خود را حفظ می کنند، و گاهی به کلماتی برمی خوریم که در شرایط مختلف، تغییراتی در چهره ی ظاهری آن ها پدید می آید.

در کلمات معیار تغییر، حرف آخر آن ها است.

معیار تغییر

در تابلوی زیر به کلمه ی «کتاب» و حرکت آن توجه کنیم :

﴿ذٰلِكَ الْكِتٰبُ لَا رَيْبَ فِيْهِ﴾
﴿وَاُنْزِلَ مَعَهُمُ الْكِتٰبَ بِالْحَقِّ﴾
﴿مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتٰبِ مِنْ شَيْءٍ﴾

همه چیز در حال تغییر و تحول است اما ...
تغییرات گاهی محسوس نیست و به ظاهر دیده نمی شود!

برخی کلمات در زبان عربی با تغییر موقعیت در جمله، حرکت حرف آخرشان تغییر می کند و تعدادی نیز در همه ی موقعیت ها، حرکت حرف آخرشان ثابت می ماند!

شناخت مفهوم دقیق هر جمله از راه کلماتی که حرکت حرف آخرشان تغییر کند، راحت تر است! راستی! چرا؟

نام گذاری

به کلماتی که حرکت حرف آخر آن‌ها با تغییر موقعیت تغییر کند، «مُعَرَّب» گویند.
به کلماتی که حرکت حرف آخر آن‌ها در هر موقعیتی ثابت بماند، «مَبْنِی» گویند.

از خود سؤال کنید:



حرکت کدام حرف معیار تشخیص معرب و مبنی است؟

به نظر شما مشتقاتی که تاکنون خوانده‌ایم جزء کلمات معرب هستند یا مبنی؟

مصطلحات

آیا با حرکات های «ضَمّه»، «فَتْحَه»، «کَسَرَه» و نیز «سکون» آشنا هستیم؟
آیا تفاوت حرکت آخر کلماتی مانند: «نَحْنُ»، «هُوَ»، «هَؤُلَاءِ» و نیز «اُكْتُبْ» را تشخیص می‌دهیم؟

کلمات مبنی را بر اساس حرکت آخر آن‌ها (حرکت حرف لام الفعل) چنین می‌نامیم:
مبنی بر فتح (هُوَ) مبنی بر ضم (نَحْنُ) مبنی بر کسر (هَؤُلَاءِ) مبنی بر سکون (اُكْتُبْ)

اما

برای نام گذاری حرکات در آخر کلمات «معرب» از اصطلاحات دیگری استفاده می‌کنیم!

جزم

جر

نصب

رفع

اعراب آخر کلمات معرب دارای چهار حالت است!

و علامت آن ضَمّه است؛ مانند: الْحَسَنَةُ، حَسَنَةٌ

و علامت آن فَتْحَه است؛ مانند: الْصَادِقُ، صَادِقًا

و علامت آن کَسَرَه است؛ مانند: الْاجْتِهَادُ، اجْتِهَادٍ

و علامت آن سکون است؛ مانند: لَا تَكْذِبْ

رفع

نصب

جر

جزم

در زبان فارسی نیز گاهی حرکت حرف آخر کلمه تغییر می‌کند.
به حرکت کلمه «گُل» در ترکیب «گُلِ سرخ» دقت کنید!

نمی‌توانیم مدعی باشیم که عربی را یاد گرفته‌ایم در حالی که در خواندن دچار ضعف باشیم!

تفصیل
کلمات معرب را براساس حرکت آخر آن‌ها چنین می‌نامیم:
مرفوع، منصوب، مجرور و مجزوم.

کلمات معرب و مبنی

ضمیر، اسم اشاره، موصول، استفهام	مبنی	اسم
بیشتر اسمها (به جز اسم‌های مبنی)	معرب	
ماضی، امر	مبنی	فعل
مضارع	معرب	
تمام حروف	مبنی	حرف



در فعل مضارع دو صیغه‌ی جمع مؤنث نیز مبنی است!

از خود سؤال کنید:

کلمات زبان عربی بیشتر معربند یا مبنی؟

برای کدام یک از کلمات انتظار تغییر حرکت حرف آخر را ندارید؟

آیا می‌دانید چرا یادگیری بحث معرب و مبنی مهم است؟

کلمات مبنی که به الف ختم

می‌شوند؛ مانند:

علی، إلی، حتی ...

مبنی بر سکون هستند!

کلمات مبنی که به «یاء» ساکن

ختم شوند، مانند:

فی، أَلْذی، أَلْتی ...

مبنی بر سکون هستند!



اجعل الكلمات التي تحتها خط في مكان مناسب من الجدول:

(الف):

١- العَاقِلُ مَنْ وَعَظْتَهُ* التَّجَارِبُ.

٢- هل يَنْجِحُ الَّذِينَ لَا يَدْرُسُونَ؟

٣- هم وَجَدُوا طَرِيقَهُ لِحَلِّ هَذِهِ الْمَشْكِلةِ.

٤- نحن دَرَسْنَا وَنَجَحْنَا فِي الْإِمْتِحَانِ.

(ب):

١- وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا.

٢- لَا تَتَكَاسَلْ فَإِنَّ طَرِيقَ الْعِزِّ صَعْبٌ.

٣- هل يَعْتَمِدُ* الْعَاقِلُ عَلَى الْجَاهِلِ؟

عين المعرب و المبني من الأفعال التي أُشير إليها بخط:

في يومٍ من الأيام شاهدتِ ضِفْدَعَةً* بَقَرَةً في المزرعة، فَتَعَجَّبَتْ مِنْ عَظَمَتِهَا.

فَقَالَتْ: أَيْتُهَا الْبَقَرَةُ! كَيْفَ أَصْبَحْتَ هَكَذَا؟ أَنَا صَغِيرَةٌ وَأَنْتِ كَبِيرَةٌ!

قَالَتِ الْبَقَرَةُ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا هَكَذَا.

و خَلَقَ كُلَّ مَوْجُودٍ عَلَى شَكْلٍ!

قَالَتِ الضَّفْدَعَةُ: سَأُصْبِحُ مِثْلَكَ. فَتَفَحَّتْ* فِي نَفْسِهَا...

قَالَتِ الْبَقَرَةُ: لَا تَنْفُخِي! سَوْفَ تَنْفَجِرِينَ.

خَالَفَتْ* الضَّفْدَعَةُ وَأَسْتَمَرَّتْ*...

المبني			
على الفم	على الفتح	على الكسر	على الشكوة
الاسم			
الفعل			
الحرف			

المعرب			
المرفوع	المنصوب	المجرور	المجزوم
الاسم			
الفعل			



و بعد دقائق...

فَأَنْفَجَرَتِ الصَّفْذَعَةُ وَ مَاتَتْ!



التمرين الثالث

صِلْ كُلَّ كَلِمَةٍ فِي الْعُمُودِ الْأَوَّلِ بِمَا يُنَاسِبُهَا مِنَ الْعُمُودِ الثَّانِي:

موصولٌ خاصٌّ و مبنيٌّ على السُّكُونِ.	كَيْفَ
فعل مضارعٌ مرفوعٌ و معرب.	أُذْرسُ
ضميرٌ منفصلٌ مرفوعٌ و مبنيٌّ على الْفَتْحِ.	هؤلاءِ
اسمٌ استفهامٍ و مبنيٌّ على الْفَتْحِ.	هي
فعلٌ أمرٌ و مبنيٌّ على السُّكُونِ.	الَّذِي
اسمٌ إشارةٍ و مبنيٌّ عَلَى الْكَسْرِ.	يَعْلَمُ

التمرين الرابع

عَيِّنِ الصَّحِيحَ فِي تَرْجُمَةِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ:

١- ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ﴾ (بقرة / ١٧٧)

- ☐ آنان کسانی اند که راست گفتند و آنان همان پرهیزگارانند.
- ☐ اینان که راست می گویند ؛ همان پرهیزگارانند.

٢- ﴿فَاصْبِرْ عَلَى مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ﴾ (طه / ١٣٠)

- ☐ پس بر آنچه می گویند، بی تابی مکن، آنان به ستایش پروردگارت تسبیح گویند.
- ☐ پس بر آنچه می گویند، شکیا باش، و به ستایش پروردگارت تسبیح گوی.

٣- ﴿إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتُ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾ (قصص / ٢٤)

- ☐ همانا من به آنچه از نیکی به سویم فرستی، نیازمندم.
- ☐ همانا من به آنچه نفرستادی از خوبی ها نیازمندم.



□ در زبان فارسی، فعل معمولاً در آخر جمله قرار می‌گیرد، و حال آن‌که در عربی، فعل معمولاً ابتدای جمله می‌آید.

□ در ترجمه‌ی اسم‌هایی که دارای تنوین هستند، گاهی «ی» (وحدت یا نکره) اضافه می‌کنیم : کتابٌ : کتابی

ترجمه‌ی متن زیر را بخوانید و اصلاحات لازم را در آن انجام دهید :

مَهْرُ الْبُومَةِ

تَسْكُنُ بَوْمَةً فِي خَرِيبَةٍ مِنْ خَرَابَاتِ الْبَصْرَةِ. فَقَصَدْتُ تَزْوِيجَ وَلَدِهَا بِأَحَدِ بَوْمَاتِ الْمُوصِلِ .
فَرَفَضَتْ بَوْمَةَ الْمُوصِلِ وَقَالَتْ : إِنَّ الْبَصْرَةَ بَلَدٌ كَبِيرٌ وَمَعْمُورَةٌ وَلَكَ لَا يَقْدِرُ دَفْعُ مَهْرِ بَنَتِي
وَهُوَ عَشْرَةُ بَيُوتٍ خَرِيبَةٍ. فَقَالَتْ بَوْمَةُ الْبَصْرَةِ : نَعَمْ! هُوَ الْآنَ لَا يَقْدِرُ دَفْعُ هَذَا الْمَهْرِ وَلَكِنْ إِذَا
بَقِيََتْ حَكُومَةُ مَوْلَانَا الْحَاكِمِ «حَفِظَهُ اللَّهُ» لِمَدَّةِ سَنَةٍ، فَأَنَا أَضْمَنُ لَكَ أَلْفَ بَيْتٍ خَرِبٍ لِمَهْرِ بَنَتِكَ!

مَحَبَّتِ جَعْد

زندگی می‌کند جعدی در خرابه‌ای از

خرابه‌های بصره. پس خواست که پسرش را به ازدواج یکی از دختران موصل در آورد. جعد موصل مخالفت کرد و گفت : همانا بصره سرزمین کوچک و آبادی است و تو نمی‌توانی مهر دختر مرا بپردازی. مهر دختر من ده خرابه است. گفت جعد بصره : بله، من الآن توانایی پرداخت این مهر را دارم، اما اگر حکومت سرور حاکم ما که «خداوند او را حفظ کند» برای دو سال دیگر باقی بماند، من تضمین می‌کنم برای مهر دخترت هزارخانه‌ی خراب را!

غلط‌ها و اشتباهاتی را که در ترجمه‌ی عبارت‌ها انجام می‌دهیم، یادداشت کنیم تا از تکرار آن‌ها جلوگیری کنیم!

علامت‌های سجاوندی را در ترجمه رعایت کنیم تا بر زیبایی ترجمه و قابلیت فهم آن بیفزاییم.

برای پیشرفت در زمینه‌ی ترجمه و هرچه بهتر شدن ترجمه‌هایمان :

زیاد ترجمه کنیم. به هر عبارت و متنی که برخورد می‌کنیم، قلم به دست گیریم و شروع به برگرداندن متن به فارسی کنیم!

الف

در آیات زیر سه کلمه از یک ریشه هستند، آن‌ها را در مربع‌های خالی بنویسید و جاهای خالی را

پر کنید :

- ۱- ﴿لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى﴾ (بقره / ۲۶۴)
- صدقه‌های خویش را با ... گذاشتن و آزار رساندن باطل نکنید.
- ۲- ﴿لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ﴾ (فُصِّلَتْ / ۸)
- برای آن‌ها پاداشی بی ... است.
- ۳- ﴿قَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا﴾ (یوسف / ۹۰)
- خداوند بر ما ... نهاده است.



ب

کدام جمله بیانگر مفهوم آیه‌ی زیر است؟

﴿لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ﴾

☐ الْإِبْتِعَادُ عَنِ الْإِفْرَاطِ وَالتَّقْرِيبُ فِي الْإِنْفَاقِ

☐ عَدَمُ الْإِسْرَافِ فِي الْإِنْفَاقِ

☐ عَدَمُ التَّحَسُّرِ عَلَى الدُّنْيَا

☐ الْإِبْتِعَادُ عَنِ التَّكَاسُلِ

به نظر شما درس عربی با چه درس‌هایی ارتباط بیش‌تری دارد؟

کتاب‌های درسی در ارتباط با یک‌دیگر معنا پیدا می‌کنند!

عربی را آن‌گونه بخوانیم که ما را در فهم درس‌های دیگر کمک کند!

☐ برای فهم بهتر قسمت «پیام‌وزیم» در کتاب ادبیات فارسی

۱ و ۲، فهم بهتر مطالب کتاب عربی ضروری است!

☐ برخی قسمت‌های کتاب ادبیات فارسی ۱ و ۲، همچون بحث ضمیر را با همین بحث در کتاب عربی مقایسه کنید.

☐ متون کتاب زبان فارسی ۱ و ۲ بر توانایی در زمینه‌ی ترجمه‌ی متون عربی به فارسی می‌افزاید.

☐ در مورد خدمات ایرانیان به زبان عربی در زمینه‌های صرف، نحو، بلاغت و لغت ... چه می‌دانیم؟

☐ در ماه‌نامه‌ی دیواری خود راجع به این شعر حافظ مطلبی بنویسید :

اگرچه غرض هنر پیش یار بی ادبی است
زبان خموش ولیکن دهان پراز عربی است

حَسَنُ الْعَاقِبَةِ

الدرس التاسع

سعيد^١:

اللَّهُ أَكْبَرُ!



الامام (ع):

اللَّهُ أَكْبَرُ! فِيمَ تُكَبِّرُ*؟
يا سعيد^٢!



سعيد:

هذه الكوفة تُبَدُو* من بعيد!



الامام (ع):

أعلينا* أم لنا*؟



سعيد:

كَيْفَ تَمْشِي فِي رِكَابِ الظَّالِمِينَ؟! كَيْفَ
لَا تُبْصِرُ* نَوْرَ الْحَقِّ وَالنَّهْجَ* الْمُبِين*؟!!



الحُرُّ:

بَلْ عَلَيْكَ!



الحُرُّ: ها أَنَا
الحُرُّ الرِّياحِي!



٢- فِيمَ: في + ما

١- سعيد وَ بُرَيْرٌ مِنَ أَصْحَابِ الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ (ع) فِي وَاقِعَةِ كَرْبَلَاءَ.

٣- شُكُونُ آخِرِ الْكَلِمَاتِ لِوِزْنِ الشَّعْرِ.

الإمام (ع) :

كُلُّكُمْ يَعْرِفُ أَنِّي طَالِبُ إِصْلَاحِ
أُمَّةٍ
أَفْسَدْتُهَا الطَّاعِيَةَ، * حَكَمْتُهَا
بِأَغْيَةٍ *.

الْحَرَّ :

نَحْنُ عَطَشَى *، يَا بَنَ
بَنِي الْمُصْطَفَى !

الإمام (ع) :

وَرَعُوا * الْمَاءَ عَلَيْهِمْ وَعَلَيْنَا بِالتَّسَاوِي وَغَدًا يَأْتِي * الْفَرَجُ *.

الإمام (ع) :

حَانَتْ الْآنَ الصَّلَاةُ، أَتُصَلِّي * بِرِجَالِكَ؟

الْحَرَّ :

بَلْ نُصَلِّي كُنَّا
خَلَقَكَ يَا
سَيِّدُ * الرَّسُولِ.

الامام (ع) :

أَفَلَا أَنْتُمْ بَعَثْتُمْ لِي رَسُولًا ... وَ
صَرَخْتُمْ مِنْ مَظَالِمٍ * ... ؟!

الْحَرَّ :

يَا حَسِينَ يَا نِعْمَ * أَنْتَ أَوْ تَسْلَمُ * !

بُرَيْر :

لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى مَنْ رَوَّعَ * آلَ *
الرَّسُولِ !

الامام (ع) :

رَبِّ فَأَشْهَدْ * : ... خَدَّلُونَا * ! كَذَّبُونَا !
قَدْ تَوَكَّلْنَا عَلَيْكَ، رَبِّ فَأَشْهَدْ : ظَلَمُونَا !

الْحَرَّ :

أَتُقَاتِلُ أَنْتَ هَذَا الرَّجُلَ؟

ابن سعد :

إي *... قتلاً، سَشاَهْدُ فيه إسقاطُ*
الرؤوس*!



الحرُّ يَقتَرِبُ* مِنَ الإمام (ع) وَهُوَ يَرْعُدُ*...

أَيُّهَا الْحَرُّ لِمَاذَا تَرْعَدُ؟! أَنْتَ مِنْ أَشْجَعِ*
أَهْلِ الْكُوفَةِ!



الحرُّ: إِنِّي شَاهَدْتُ نَفْسِي بَيْنَ نَارٍ وَنَعِيمٍ*...



ثُمَّ جَاءَ الْحَرُّ نَحْوَ* الْإِمَامِ (ع) نَادِياً :

يَا إِلَهِي إِنِّي رَوَّعْتُ* أَبْنَاءَ الرَّسُولِ!
فَلِذَا أَطْلُبُ مِنْكَ الْمَغْفِرَةَ وَأُرِيدُ
الْمَعْدَرَةَ!



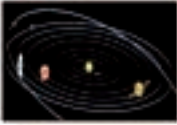
إِنَّهُ سَبَّطُ النَّبِيِّ، إِنَّهُ عَيْنُ* عَلِيٍّ.

هَلْ تَرَى لِي يَا إِلَهِي تَوْبَةً؟!

سَمِعَ الْإِمَامُ (ع) نِدَاءَهُ وَقَالَ :

عَادَ* - وَاللَّهِ - فَتَانَا* الْحَرُّ حَرًّا*...





در جهان طبیعت هر روز و هر لحظه «فعل» ی در حال انجام گرفتن است. آفرینش جز با «فعل» و حرکت معنا پیدا نمی کند. انسان ها و نباتات و جمادات همه و همه در تکاپوی حرکت به سوی مقصدی هستند.

جوهره ی طبیعت، «فعل» و کار و عمل است! هر یک از این فعل و انفعالاتی که در طبیعت شاهد آن هستیم، به وسیله ی یک «فاعل» انجام می گیرد. تحقق «فعل» ی بدون «فاعل» در طبیعت محال است. به محیط اطراف خود نگاه ی بیندازیم :



به آدم ها نگاه کنید...! به آسمان، خورشید، درختان، کوه ها... حیوانات، نباتات، جمادات... همه ی این ها «معلول» اند و «مفعول»! جهان خلقت براساس نظام «علت» (فاعل) و «معلول» (مفعول) بنا شده است. اگر «معلول» و «مفعول» نبود، عالم آفرینش شکل نمی گرفت و اثرات فاعل نمایان نمی گشت! جلوه ی عالم و زیبایی آن به خاطر وجود و خلقت «مفعول» ها و «معلول» ها است!

عالم کلمات

زبان یکی از وسایل به تصویر کشیدن رویدادها و پدیده های عالم هستی است. هر آنچه در طبیعت رخ می دهد، زبان، آن را در قالب الفاظ و کلمات در می آورد. از این رو طبیعی است که دنیای کلمات نیز از مقوله ی «فعل» و «فاعل» جدا نباشد!

به راستی حرکت و «فعل» همه ی پدیده ها رو به سوی کدام هدف دارد؟

هر فعلی، فاعلی دارد. پدید آمدن فعل، بدون فاعل، محال

است!

همه چیز از روی حساب و کتاب است! هر فعل، «فاعل» ی دارد!

آیا اقسام و حالات «فعل» را به خاطر می‌آورید؟
ماضی؟ ... مضارع؟ ... امر...؟!
آیا می‌توانید در عبارت‌های زیر «فعل»‌ها را تشخیص دهید:

﴿التَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ﴾
﴿كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ﴾
﴿إِصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾

دانستیم که

«فعل» همیشه همراه «فاعل» می‌آید.

اما

راه تشخیص فاعل چیست؟

تشخیص از طریق علامت

«فاعل» علامتی دارد که با دیدن آن به «فاعل» بودن کلمه یقین حاصل می‌کنیم.

تشخیص از طریق معنا

مطمئن‌ترین راه برای یافتن فاعل در جمله، ترجمه‌ی عبارت و درک مفهوم جمله است!

حال از خود سؤال کنید:



□ در زبان فارسی «فاعل» جمله را چگونه تشخیص می‌دهیم؟ مثال بنویس.

□ سؤال کردن با «چه چیزی» یا «چه کسی» چگونه ما را در یافتن فاعل کمک می‌کند؟ مثال بنویس.

□ آیا در زبان عربی هم می‌توانیم از چنین روشی استفاده کنیم؟

آیا با انجام یک «مسابقه‌ی سرعت» موافقت؟!

کلاس را به دو گروه تقسیم کنیم و کلماتی را مطرح کنیم و نوع آن‌ها را به مسابقه بگذاریم!



①



②



③

به تصاویر روبرو نگاه کنیم:

به راستی!

اگر در خیابان حادثه‌ای رخ دهد، در میان آدم‌های موجود در تصویر

شماره‌ی ۱ به چه کسی مراجعه می‌کنیم؟

به تصاویر شماره‌ی ۲ و ۳ نگاه کنیم!

آیا اگر علامتی همراه اشخاص و اشیاء نبود، آیا می‌توانستیم مطلوب

خود را به آسانی بیابیم؟

در عالم طبیعت «علامت»‌ها راهنمای جویندگان و سائلان هستند!

در عالم کلمات چطور؟!

«فعل» را که شناختیم، کارها آسان

می‌شود. با شناخت فعل، فاعل را

نیز می‌توان شناخت!

پس از یافتن فاعل از طریق معنا، به اعراب کلمه نگاه کنیم، آیا علامت مورد نظر را دارد؟!

علامت فاعل

اعراب فاعل «رفع» است!

نام‌گذاری

هرگاه فعل در آغاز جمله بیاید، به آن «جمله‌ی فعلیه» می‌گوییم!

جایگاه

به تابلوی روبه‌رو نگاه کنیم :

و خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ
بِالْحَقِّ
يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُؤُ وَ...

- ✓ هریک از جمله‌ها با کدام یک از اقسام کلمه شروع شده‌اند؟
- ✓ آیا از طریق معنای عبارت، «فاعل» را می‌توانید پیدا کنید؟
- ✓ جایگاه «فاعل» پس از «فعل» است یا قبل از آن؟

«فاعل» در جملات عربی، پس از «فعل» می‌آید!

کاربرد

یادآوری

آیا اسم‌های مذکر و مؤنث را به خاطر می‌آورید؟ علامت مؤنث بودن اسم، کدام است؟
با دانستن مطالب فوق، اکنون به مطالب زیر توجه کنید :

مطابقت

این نکته را فراموش نکنیم!



- ✓ فعل از لحاظ مذکر و مؤنث بودن، تابع فاعل خود می‌باشد؛ مانند :
- مذکر: يَدْخُلُ الْمُؤْمِنُ الْجَنَّةَ.
- مؤنث: تَدْخُلُ الْمُؤْمِنَةُ الْجَنَّةَ.

ارتباط

آیا تقسیم فعل به غائب و مخاطب و متکلم را به خاطر می‌آورید؟
آیا ضمایر متصل به فعل را می‌شناسید؟
ضمایر متصل فعل‌های ماضی و مضارع در صیغه‌های غائب کدام است؟
ضمایر متصل فعل‌های ماضی و مضارع و امر در صیغه‌های مخاطب کدام است؟

اول درک مفهوم عبارت سپس
کمک گرفتن از علامت!

برای ترجمه‌ی صحیح عبارت‌ها
دانستن دو نکته لازم است :

- ۱- معنای واژه‌ها
- ۲- قواعد مورد نیاز

به کاربرد فاعل همراه صیغه های غایب توجه کنید :

نَجَحَ الْمُؤْمِنُ . نَجَحَتِ الْمُؤْمِنَةُ .
نَجَحَ الْمُؤْمِنَانِ . نَجَحَتِ الْمُؤْمِنَتَانِ .
نَجَحَ الْمُؤْمِنُونَ . نَجَحَتِ الْمُؤْمِنَاتُ .

آیا فعل ها در جمله های مختلف تغییری کرده اند؟

آیا فعل ها همراه فاعل آمده اند؟

آیا فاعل به صورت اسم ظاهر آمده است؟

در صیغه های غایب هرگاه فاعل به صورت اسم ظاهر بیاید، فعل به صورت مفرد می آید.

حال به مثال های زیر توجه کنیم :

هو	أَلْمُؤْمِنُ نَجَحَ .	هی	أَلْمُؤْمِنَةُ نَجَحَتْ .
ا	أَلْمُؤْمِنَانِ نَجَحَا .	ا	أَلْمُؤْمِنَتَانِ نَجَحَتَا .
و	أَلْمُؤْمِنُونَ نَجَحُوا .	ن	أَلْمُؤْمِنَاتُ نَجَحْنَ .

هرگاه فاعل به صورت اسم ظاهر نیامده باشد، فعل

همراه ضمیری می آید که همان ضمیر، فاعل است.

بیشتر جمله ها در زبان عربی

به صورت جمله ی فعلیه

است!

توجه

در صیغه های مخاطب و متکلم – همانند همه ی زبان ها – فاعل

به صورت «ضمیر» می آید ؛ مانند :

أَكْتُبُ (أَنَا) – تَكْتُبُونَ (و) – تَكْتُبِينَ (ی) و ...

قبل از فعل به دنبال «فاعل»

نگردیم! اول فعل، سپس

فاعل!

بنابر این

فاعل در جمله به سه صورت می آید :



﴿إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ﴾

﴿إِعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا﴾

كَلَّمَ (أَنْتَ) النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ.

از خود سؤال کنید:



- ۱- آیا در زبان فارسی میان فعل و فاعل مطابقت صورت می گیرد؟
- ۲- جمله‌ی «دانش‌آموزان نشستند» را به دو صورت به عربی برگردانید.
- ۳- در صیغه‌های «اُكْتُبْ»، «اُكْتُبْ» و «نَكْتُبْ» فاعل را مشخص کنید.
- ۴- در فعل‌های فوق آیا فاعل می‌تواند ظاهر شود؟



ارتباط جهان طبیعت و عالم کلمات، تداعی‌کننده‌ی این معنا نیز هست که وجود **مفعول** در عالم کلمات نیز امری گریزناپذیر است!



در عالم کلمات نیز «مفعول» نشان از تأثیر «فعل» می‌کند و وجود «مفعول» حکایت از سرایت و نفوذ اثر **فعل** به کلمه‌ای دیگر و پدیده‌ای دیگر دارد.

أَمَا...!!!

آیا «فعل»‌ها و «نیرو»‌ها یا «قوه»‌ها به یک اندازه است؟
مثلاً تأثیر فعل‌هایی مانند: «نشستن»، «نشاندن»، «خوش‌حال شدن» و «خوش‌حال کردن»، «خندیدن» و «خنداندن» و ... به یک اندازه است؟

آیا تمامی افعال ناچارند اثر خود را در پدیده یا شیء دیگری نشان دهند؟
آیا مبحث «فاعل» و «مفعول» در همه‌ی زبان‌ها وجود دارد؟
آیا می‌توانید چند فعل در زبان فارسی نام ببرید که علاوه بر فاعل، نیاز به کلمه‌ای دیگر دارند تا تأثیر خود را روی آن نشان دهند؟

حال اگر پاسخ سؤالات فوق را به خوبی دریافتید، باید بدانیم که:

نام‌گذاری

مطابقت میان فعل و فاعل از نکات بسیار مهم است! با تمرین و تکرار این موضوع را برای خود ملکه بسازیم!

به فعل‌هایی که معنای آن‌ها با **فاعل** کامل می‌شود، «لازم» می‌گوییم.
به فعل‌هایی که علاوه بر فاعل، به **مفعول** نیز نیاز داشته باشند «متعدی» می‌گوییم.

مسابقه را فراموش نکنیم! تشخیص فاعل، انواع فعل و جمله‌سازی، مسابقاتی است که می‌توان دقایقی از وقت کلاس را به آن اختصاص داد!

تشخیص

- ✓ در زبان فارسی مفعول را چگونه تشخیص می‌دهیم؟
- ✓ آیا درک مفهوم عبارت ، کمکی در این زمینه می‌کند؟
- ✓ آیا مفعول در زبان فارسی دارای علامتی هست؟

حال به آیات تابلوی زیر توجه کنید :

﴿يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ﴾
 ﴿وَأَسْأَلُوا اللَّهَ﴾
 ﴿قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا﴾

در زبان عربی مفعول را چگونه تشخیص می‌دهیم؟

۱- تشخیص از راه معنا ۲- تشخیص از راه علامت

قدم نخست برای تشخیص مفعول به همچون سایر نقش‌ها، فهم **معنای عبارت** است. در زبان عربی «**مفعول به**» نیز دارای علامتی است که به وسیله‌ی آن می‌توان مطمئن شد که تشخیص ما صحیح بوده و کلمه‌ی مورد نظر «**مفعول به**» است.

علامت اختصاصی مفعول به معمولاً **فتحه** (ـَ) است، یعنی «**مفعول به**» پیوسته **منصوب** می‌باشد.

جایگاه

درک معنا و مفهوم جمله برای ما مطمئن‌ترین راه برای تشخیص نقش کلمات است!

«**مفعول به**» معمولاً بعد از **فاعل** می‌آید.

نکته

فرق میان معنای «نَصْرَه» و «نَصْرُهُ» چیست؟

ضمایر منفصل منصوب (إِيَّاكَ و ...) و نیز ضمایر متصل به هر سه قسم کلمه، هرگاه با فعل بیایند، غالباً مفعول به هستند.

به تابلوی روبه‌رو توجه کنید :

﴿لَا تَقْنُطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ﴾
﴿يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا﴾

آیا اثر فعل «قنوط» به کلمه‌ی «رحمة» سرایت کرده است؟
آیا این سرایت به واسطه‌ی کلمه‌ی دیگری اتفاق افتاده و یا آن که مستقیماً صورت گرفته است؟
در همه‌ی زبان‌ها کلماتی این چنین را از مقوله‌ی «مفعول»‌ها و یا «متّمم»‌ها به‌شمار می‌آورند.
در زبان عربی نیز این چنین است!

أما...

چون این کلمه همراه واسطه‌ای ذکر می‌شود، به آن مفعول به گفته نمی‌شود.

حال به تابلوی روبه‌رو
نگاه کنیم :

﴿لَا تَقْنُطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ﴾ ﴿يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا﴾
﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ﴾
﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾

نام‌گذاری

به حروفی از قبیل «مِن» (از)، «فِي» (در)، «إِلَى» (به، به‌سوی)، «لِ» (برای)، «عَلَى» (بر، روی)،
«بِ» (با)، «كَ» (مانند)، «عَنْ» (از) «حرف جر» و به اسم پس از آن‌ها «مجرور» و به هر دو «جار و
مجرور» می‌گوییم.

حروف جر تنها قبل از اسم می‌آیند!

از خود سؤال کنید:

- فرق معنایی و نقش کلمه‌ی الطالب در دو جمله‌ی «ذَهَبَ الطَّالِبُ» و «رَأَيْتُ الطَّالِبَ» چیست؟
- آیا می‌توان گفت که یکی از نشانه‌های اسم بودن، وجود حروف جر قبل از آن است؟
- چرا فعل‌های لازم به مفعول نیاز ندارند؟
- آیا مفعول به در آغاز جمله نیز قرار می‌گیرد؟



مسابقه را فراموش نکنیم!
تشخیص ضمائر متصل به هر
سه قسم کلمه را به مسابقه
بگذاریم!

تشخیص آسان شد!
کلمه‌ای مفعول به است که قبل
از آن واسطه‌ای نیامده باشد!

عين الصَّحِيح أو الخطأ في العبارات التالية:

	١- قصد الإمام (ع) بحرَّته، إصلاح أمة رسول الله (ص).
	٢- إنَّ الله قد قَبِلَ توبَةَ «حُرٍّ».
	٣- وَصَلَتْ قَافِلَةُ الإمام (ع) إلى الكوفة.
	٤- ما أُرْسِلَ أهل الكوفة الرِّسَالِ لِدَعْوَةِ الإمام (ع).

ترجم النص إلى الفارسية و عَيِّن الفاعل و نوعه و المفعول به:

الفاعل ونوعه	المفعول به	الفعل

سافر شخص إلى بلاد كثيرة و شاهد أنواعاً مختلفة من الحياة.
فسأله أحد أصدقائه:
لقد رأيت مُدُنَ* العالم و أشكالاً مختلفة من الحياة خلال سفرِكَ،
فما أَجْمَلُ شيءٍ رأيته؟
أجاب: هو وطني الذي تولدت فوق أرضه و تنعمت* بخيراته و
تربيت* بثقافته!

أكمل الفراغ بالصيغة المناسبة:

١- ... العمل الصالح درجة الإنسان. (يَرْفَعُ، تَرْفَعُ، يَرْفَعَانِ)
٢- العمل الصالح ... درجة الإنسان. (يَرْفَعُ، تَرْفَعُ، يَرْفَعَانِ)
٣- العلم والإيمان ... الإنسان إلى الله. (تُقَرِّبَانِ، يُقَرِّبَانِ، يُقَرِّبُ)
٤- ... العلم والإيمان الإنسان إلى الله. (يُقَرِّبَانِ، تُقَرِّبَانِ، يُقَرِّبُ)
٥- المؤمنون ... ولا يكذبون أبداً. (يَصْدُقُونَ، يَصْدُقُ، يَصْدُقَانِ)
٦- ... المؤمنون ولا يكذبون أبداً. (يَصْدُقُ، يَصْدُقُونَ، يَصْدُقَانِ)
٧- الأُمَمُهاُت ... أنفسهن في تربية الأولاد. (تُنْعِنُ، يُنْعِنُ، تُنْعِبُ)
٨- ... الأُمَمُهاُت أنفسهن في تربية الأولاد. (تُنْعِنُ، يُنْعِنُ، تُنْعِبُ)

التمرين الرابع

ترجم إلى الفارسية عبارات مألوفة:

١- ﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾

٢- ﴿هَلْ يَسْتَوِي * الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾

٣- إِذَا نَمَّ * الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ.

٤- مَنْ عَذَّبَ * لِسَانَهُ كَثُرَ إِخْوَانُهُ *.

٥- خَيْرُ الْكَلَامِ مَا قَلَّ وَدَلَّ.

٦- صَدِيقُكَ مَنْ صَدَقَكَ لَا مَنْ صَدَّقَكَ *.

التمرين الخامس

صحح الأخطاء في الإعراب والتحليل الصرفي:

يَنْجَحُ الصَّادِقُ وَيَفْشَلُ الْكَاذِبُ.

ينجح : فعل أمر، للغائب، مزيد ثلاثي، مبني/ فعل مرفوع و فاعله «الصادق» والجملة اسمية.

الصادق : اسم، جمع، مذكر، مشتق و اسم مفعول، معرب/ فاعل و منصوب

و : حرف، مبني على الفتح.

يفشل : فعل مضارع، للغائبة، مجرد ثلاثي، معرب/ فعل منصوب و فاعله «الكاذب» والجملة فعلية.

الكاذب : اسم، مفرد، مؤنث، جامد، معرب / فاعل و مجرور.

تمرین ششم

إملاُ الجدول من كلمات العبارات التالية:

- ۱- يُبَشِّرُ اللَّهُ الْمُؤْمِنَ بِرَحْمَتِهِ.
- ۲- يَا مُوسَى... أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ.
- ۳- وَادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ...
- ۴- الْحَسَنَةُ تُوْهِدُكَ إِلَى الْحَسَنِاتِ.

	اسم ظاهر
	ضمير بارز
	ضمير مستتر
	مفعول به
	جار و مجرور

انواع فاعل

مفعول به — جار
و مجرور

التعريب

- «تعريب» یعنی ترجمه کردن به زبان عربی، خواه از زبان فارسی باشد یا از زبان های دیگر.
- «تعريب» به ما کمک می کند که :
- ۱- با ترتیب اجزای جمله در زبان عربی بیش تر آشنا شویم.
 - ۲- توانایی «جمله سازی» به این زبان را در خود تقویت کنیم.
 - ۳- برای فهم بهتر مطالب تمرین کنیم.
 - ۴- افکار و اندیشه های خود را به عربی بیان کنیم.

تمرین هفتم

عَرَّبْ * العبارات التالية:

- ۱- علم، انسان را به خداوند نزدیک می کند.
- ۲- وقت نماز رسیده است، الآن می رویم و نماز می خوانیم.
- ۳- آن ها نور حق را ندیدند و از حقیقت دور شدند.



- اسم پس از فعل همیشه فاعل نیست. فاعل گاهی در داخل فعل به صورت مستتر قرار می گیرد.
 - فعل گاهی در آغاز جمله به صورت مفرد می آید و حال آن که فاعل آن به صورت جمع است. در این صورت، فعل را به صیغه ی جمع ترجمه می کنیم: کتب الطلاب: دانش آموزان نوشتند.
 - جایگاه مفعول معمولاً پس از فاعل است. اما در همه جای جمله می تواند قرار گیرد. بدین جهت توجه به مفهوم عبارت راهگشای یافتن مفعول یک فعل است.
 - ضمائر منفصل نصبی هرگاه در آغاز جمله به کار روند، در ترجمه ی آن ها، کلماتی از قبیل «تنها»، «فقط» و ... را اضافه می کنیم.
- ترجمه ی متن زیر را بخوانید و اصلاحات لازم را در آن انجام دهید:

طریق تعلیم العلم

سَجَنُ فِرْعَوْنُ عَالِمُ الْهَنْدَسَةِ «أُقْلِيدُسَ». فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ قَالَ فِرْعَوْنُ: أَقْبَلْتَ كَلَامِي؟ قَالَ: لَا ... أَنْتَ تَطْلُبُ شَيْئاً مُسْتَحِيلًا! صَرَخَ فِرْعَوْنُ: لَا ... لَا ... عَلَّمَنِي الْهَنْدَسَةَ فِي ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فَقَطْ! أَفْهَمْتُ؟! إِنْ سَمَّ أَقْلِيدُسُ وَقَالَ: يَا فِرْعَوْنُ! طَرِيقُ الْمُلُوكِ مَخْفُوفٌ بِالْأَزْهَارِ وَطَرِيقُ الْعِلْمِ مَخْفُوفٌ بِالْمَصَاعِبِ وَالْمَشْكَلَاتِ! سَمِعَ فِرْعَوْنُ كَلَامَ أَقْلِيدُسَ وَصَرَخَ: ارْجِعْ إِلَى السَّجْنِ. بَقِيَ أَقْلِيدُسُ فِي السَّجْنِ وَمَا غَيَّرَ نَظَرَتَهُ. بَعْدَ أَيَّامٍ فَتَحَ السَّجَّانُ بَابَ السَّجْنِ فَوَجَدَ أَقْلِيدُسَ مَيِّتاً وَبِجَانِبِهِ وَرَقَةٌ: «لَيْسَ أُسْلُوبُ مَلِكِي لِتَعْلِيمِ الْهَنْدَسَةِ»!

راه آموزش علم

عالم هندسه اقلیدس، فرعون را زندانی کرد. روزی از روزها فرعون گفت: آیا سخن مرا قبول می کنی؟ گفت: نه ... تو چیز غیرممکنی را می خواهی؟ فرعون فریاد را بلند کرد: نه ... نه ... فقط در سه روز به من هندسه یاد بده! آیا فهمیدی؟! اقلیدس لبخندی را زد و گفت: ای فرعون! راه پادشاه با گل ها پوشیده شده و راه علم با سختی ها و مشکلات! فرعون فریاد زد: به زندان برو! اقلیدس در زندان ماند و عقیده اش عوض شد. پس از چند روز زندان بان در زندان را کمی باز کرد و اقلیدس را بیمار یافت و در کنارش ورقه ی کاغذی بود: برای آموزش هندسه، راه و روش ملوکانه وجود ندارد!

فرهنگ لغت از ضروری ترین ابزارهای یک مترجم است.

آشنایی با ساختار جملات عربی و نیز چگونگی ساختار جملات فارسی از نکات اساسی در زمینه ی ترجمه است.

دانستن زبان مقصد (زبان فارسی) و توانایی نوشتن به این زبان از ضروریات غیرقابل انکار در ترجمه است.

الف

- در کدام آیه از مشتقات «عَفَرَ» به کار نرفته است؟
- ۱- ﴿وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً﴾ (نساء/ ۱۰۶)
- و از خدا آمرزش بخواه که او آمرزنده و مهربان است.
- ۲- ﴿وَمَا لِلَّهِ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾ (بقره/ ۷۴)
- و خدا از آنچه می کنید، غافل نیست.
- ۳- ﴿وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ﴾ (غافر/ ۴۲)
- و من شما را به خدای توانای بی همتا و آمرزنده دعوت می کنم.

ب

- پیام آیه ی شریفه ی «تَأْتُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ» کدام است؟
- باید امر به معروف کرد.
- لزوم نهی از منکر را نباید فراموش کرد.
- انسان باید به علم خود عمل کند.
- انسان باید خود نیکوکار باشد سپس دیگران را به کار نیک سفارش کند.

فهرست نوح البلاغه

«صِفَةُ الْمُؤْمِنِ»

الْمُؤْمِنُ بُشْرُهُ فِي وَجْهِهِ وَحُزْنُهُ فِي قَلْبِهِ ... يَكْرَهُ الرِّفْعَةَ^۱ ...

شکور صبور، مغمور بفکرته^۲.

«الْحِكْم ۳۳»

تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ :

۲- مغمور بفکرته : غرق اندیشه های خویش است

۱- الرفعة : خودبزرگ بینی

پیرامون هریک از مسایل زیر مطالبی را در ماهنامه‌ی دیواری بنویسیم و یا دقایقی از وقت کلاس را به آن اختصاص دهیم :

- ✓ زبان عربی کلید فهم اسلام است.
- ✓ امامان و بزرگان دین بر یادگیری زبان عربی تأکید کرده‌اند.
- ✓ عالمان و دانشمندان اسلامی، کتاب‌های بسیاری در تمامی زمینه‌های علمی به عربی نگاشته‌اند.
- ✓ زبان عربی یکی از زبان‌های زنده و بین‌المللی است.
- ✓ زبان عربی زبان مشترک امت اسلامی است.
- ✓ درک اسرار پیام الهی و گفته‌ها و سخنان پیشوایان دین، فقط با یادگیری زبان قرآن میسر است.
- ✓ درک شیرینی زبان و ادبیات فارسی بدون دانستن زبان عربی میسر نیست.
- ✓ زبان عربی پیونددهنده‌ی نسل کنونی با گذشته‌ی پربار تمدن اسلامی است.

اهتمام به زبان قرآن، اهتمام به فرهنگ ایرانی است!

زبان عربی فصیح همان زبان قرآن است.

برای فهم بهتر زبان قرآن تلاش کنیم بیان مطالب به این زبان را تمرین کنیم!

ضرورت آموزش زبان عربی برخاسته از نیاز فرهنگی جامعه‌ی ما است!

... فية شفاء للناس



اللَّهُ أَنْزَلَ الْقُرْآنَ لِسَعَادَةِ الْبَشَرِ.
و فِيهِ مَا يَضْمَنُ * سَلَامَةً رُوحِيَّةً وَ
جَسَمِيَّةً.

الْأُمَّةُ الْإِسْلَامِيَّةُ لَا تَتَقَدَّمُ * إِلَّا
بِشَعْبٍ * سَلِيمٍ بَعِيدٍ عَنِ الْأَمْرَاضِ الْفِكْرِيَّةِ
و النَّفْسِيَّةِ وَ الْجَسَمِيَّةِ.

وَالْقُرْآنُ مِنْهَاجٌ * لِسَعَادَةِ الْإِنْسَانِ وَ عَقِيدَةُ الْحَيَاةِ.

و فِي بَعْضِ آيَاتِهِ

يُشَجِّعُ * الْقُرْآنُ النَّاسَ عَلَى الْإِسْتِفَادَةِ مِنَ الطَّيِّبَاتِ الَّتِي تَضْمَنُ سَلَامَةَ الْأَبْدَانِ
و تُسَبِّبُ * نَشَاطَ الْأُمَّةِ وَ تَقْدَمُهَا.



﴿وَجَاءَتْ مِنْ أَعْنَابٍ ...﴾
الْعِنَبُ مِنْ أَغْنَى * الْعُنَاصِرِ السُّكَّرِيَّاتِ *.
و هِيَ الْمَادَّةُ الْأَسَاسِيَّةُ لِإِيجَادِ الطَّاقَةِ *
فِي الْجِسْمِ.



﴿والتين* و...﴾

القيمة* الغذائية لهذه الثمرة
عالية جداً و فيها مواد مختلفة

كالأملاح* من الفوسفور والحديد و الكالسيوم.



﴿فيهما فاكهه و... رُمان﴾

الرُمان غني بعنصر الحديد. و هو
ضروري لتكوين الكريات* الحمراء.



﴿... رُطباً جنياً*﴾

هو أحد ملوك الفواكه الثلاثة :

العنب و التين و الرطب*.

الرطب مع قَدَحٍ* من اللبن

غذاء كامل.



﴿... شَجَرَةٌ مُبَارَكَةٌ زَيْتُونَةٍ...﴾

كُلُّ مَا فِي شَجَرَةِ الزَّيْتُونِ

— مِنْ وَرَقٍ وَ ثَمَرٍ وَ زَيْتٍ * —

يَنْفَعُ النَّاسَ.



﴿... وَ بَصَلِهَا...﴾

أَلْأَطْبَاءُ يَسْتَعْمِلُونَ الْبَصَلَ * فِي عِلَاجِ

بَعْضِ الْأَمْرَاضِ وَ هُوَ مُفِيدٌ لِتَطْهِيرِ * الْقَمَرِ

مِنَ الْجَرَاثِمِ *.



﴿... لَبَنًا خَالِصًا...﴾

الْلَّبَنُ * غِذَاءٌ كَامِلٌ وَ عِلْمَاءُ التَّغْذِيَةِ

يَعْتَبِرُونَهُ * أَفْضَلَ الْمَوَادِّ الْغِذَائِيَّةِ.



﴿... و عَدَسِهَا ...﴾
هو غذاء سهل الهضم غني
بالبروتين.



﴿... و فومِهَا ...﴾
ذَكَرَ الْأَطْبَاءُ لِلثُّومِ أَرْبَعِينَ فَائِدَةً طَبِيعَةً.



﴿... فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ﴾
فِي الْعَسَلِ سَبْعُونَ مَادَّةً مُخْتَلِفَةً مُفِيدَةً
وَهُوَ مُبِيدٌ* لِلْجَرَاثِمِ.



﴿... لَحْمًا طَرِيًّا*﴾
السَّمَكُ مِنَ الْأَطْعِمَةِ الْمُفِيدَةِ
لِأَمْرَاضِ الْقَلْبِ.
و فِيهِ عِنَصْرُ الْفُوسْفُورِ وَ فِيهِ مَنَافِعُ
لِلنَّاسِ.



پدیده‌های طبیعی هریک با آمدن خود «**خبر**»ی را به ارمغان می‌آورند!

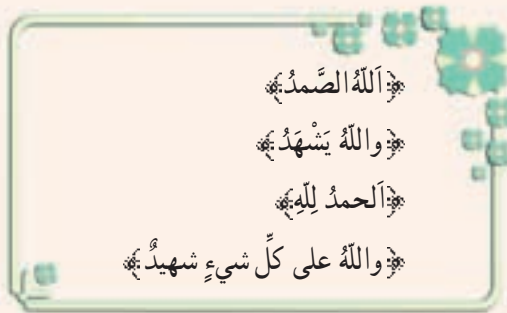
باران حکایت از سرسبزی و نشاط و آبادانی است و خورشید با خود پیام حیات و کار و تلاش را دارد و سفیدشدن طبیعت، به خواب رفتن درختان و تجدید قوای مادر طبیعت را حکایت می‌کند! در جهان خلقت پدیده‌ای خودنمایی نمی‌کند، جز آن که حامل «**خبر**»ها و حکایت‌ها است! و بدین گونه است که اسرار طبیعت خود را عیان می‌کند و در منظر چشم‌ها قرار می‌گیرد! آیا پدیده‌ای را سراغ دارید که با خود «**خبر**»ی را نداشته باشد؟!

عالم کلمات

جهان کلمات، جهانی سرشار از روح و حیات است. این‌جا نیز گویی روح و احساس و خلاقیت حکم فرما است! در این‌جا نیز کلماتی پدیدار می‌شوند و با خود «**خبر**»ی را حکایت می‌کنند. کلمات حاملان و دربردارندگان «**اخبار**»ند!

نمونه‌ها

حال در تابلوی زیر به کلمات «**ابتدا**»ی عبارت‌ها و نیز کلمه‌های «**خبر**» رسان دقت کنیم:



نام‌گذاری

همه‌ی پدیده‌ها برای آدم‌ها

«**خبر**»هایی به‌همراه دارند!

گیرنده‌هایمان را تقویت کنیم!

خش خش برگهای پاییزی،
رویش گیاهان، حرکت یک
مورچه، پیرمردی کوزبشت،
طفلی گریان ... همه و همه برای
ما آدم‌ها «**خبر**» دارند!

✓ جمله‌هایی که با «**اسم**» شروع می‌شوند، «**جمله‌ی اسمیه**» نامیده می‌شوند.

✓ به «**اسمی**» که در آغاز جمله‌ی اسمیه می‌آید، «**مبتدا**» (مبتدا) می‌گوییم.

✓ به کلمه یا کلماتی که پس از مبتدا می‌آیند و معنای مبتدا را کامل می‌کنند،

«**خبر**» می‌گوییم.



دانستیم که ارتباط میان فعل و فاعل، ارتباطی ناگسستنی و جدانشدنی است. فعل بدون فاعل قابل تصور نیست!

أَمَّا ...

در زبان فارسی تفاوتی میان «دانش آموز آمد»، و «آمد دانش آموز» از جهت فاعل جمله وجود ندارد. در هر دو جمله «دانش آموز» «فاعل» است! اما در زبان عربی در صورتی که فاعل بر فعل مقدم شود، دیگر به آن فاعل گفته نمی شود، بلکه نام جدیدی به خود می گیرد: **مُبْتَدَا**
جاء الطالبُ : فعل و فاعل
الطالبُ جاء : مبتدا و خبر



حال از خود سؤال کنید:

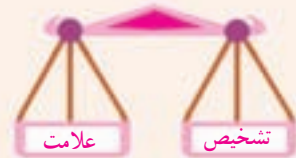
۱- جمله ای که با فعل شروع می شود، چه نام دارد؟ مثال بزنید.

۲- آیا «فعل» می تواند «مبتدا» واقع شود؟

۳- کلمه ی «مبتدا» چه نوع مشتقی است و به چه معناست؟

اعراب «مبتدا»، «رفع» است و مبتدا «مرفوع»!

«خبر» نیز همانند مبتدا، «مرفوع» است!



برای یافتن «خبر»، بی بردن به مفهوم عبارت راهگشاست. ترجمه و درک معنای جمله، «خبر» را مشخص می کند!



به نظر شما در جمله ی *الإِخْلَاصُ فِي الْعَمَلِ مَحْمُودٌ*. «خبر» کدام است؟
یک بار دیگر به تابلوی آیات نگاه کنیم:

□ آیا در همه ی عبارت ها مبتدا را تشخیص می دهیم؟

□ آیا «خبر» مبتدا را در همه ی عبارت ها تشخیص می دهیم؟

□ آیا می توانید بگویید که «خبر» ها به چند صورت آمده اند؟

مبتدا، مانند هر نقش دیگری به دو طریق شناخته می شود:

۱- ...؟

۲- ...؟

مهم برای ما درک دقیق معنای عبارت است!
همه چیز در خدمت درک مفهوم عبارت!

خبر غالباً به یکی از سه صورت زیر می آید :

۱	مفرد	مانند :	الْمُؤْمِنُ صَبُورٌ .	الْمُؤْمِنُونَ صَادِقُونَ .	الْمُؤْمِنَاتُ صَابِرَاتٌ .
۲	جمله ی فعلیه	مانند :	الْمُسْلِمُ يَصْدُقُ .	الْمُؤْمِنَةُ تَصْدُقُ .	الْمُحِبُّ نَجَحَ .
۳	جار و مجرور	مانند :	الْتَّجَاةُ فِي الصَّدَقِ .	الْإِيمَانُ بِالْعَمَلِ .	الْعُقَافُ مِنَ الْإِيمَانِ .

به عبارات تابلوی روبرو توجه کنیم :

الْإِنْسَانُ عَبْدُ الْإِحْسَانِ .
أَنْتَ مَسْئُولٌ عَنْ عَمَلِكَ .
الْغَرِيقُ يَتَشَبَّهُ بِكُلِّ حَشِيشَةٍ * .
الْتَّجَاُحُ فِي الْإِجْتِهَادِ لَا فِي التَّكَاسُلِ .

- کلمه های ابتدای جمله ها کدام یک از اقسام کلمه هستند؟
- آیا علامت رفع را در «مبتدا» و «خبر» ملاحظه می کنید؟
- «ضمایر» و «اسم های اشاره» معرب هستند یا مبني؟
- «جمله» و «جار و مجرور» چطور؟

این نکته را به خاطر بسپاریم

مگر ما در عالم طبیعت شاهد
شکل های مختلف خبررسانی
نیستیم؟ پس در کلمات نیز باید
چنین باشد!

اعراب در همه ی کلمات وجود
دارد. اما علامات آن در پاره ای
کلمات نه با چشم دیده می شود
و نه بر زبان جاری می شود!



✓ اعراب کلمات **مبني** (ضمایر، اشاره، ...) «**محلی**» است.

✓ اعراب «**جمله**» و «**شبه جمله**» نیز «**محلی**» است.

✓ بنابراین : در **مبتدا** و **خبر**، ضمایر و اسم های اشاره و «**جمله**» ها و «**شبه جمله**» ها «**محلاً مرفوع**» می باشند.

التدريب الأول

اجعل الجُمْلَ التَّالِيَةَ فِي مَكَانٍ مَنَاسِبٍ مِنَ الْجَدْوَلِ:

الجملة الاسمية			
المبتدأ	الخبر	نوع الخبر	
			١
			٢
			٣
			٤
			٥

١- ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾

٢- الزَّائِدُ * لَا يَكْذِبُ أَهْلَهُ!

٣- هُوَ لَا مَصَابِيحُ الْأُمَّةِ.

٤- أَلْصَدُوقُ رَأْسُ الْفَضَائِلِ *.

٥- شَرَفَ الْمَكَانِ بِالْمَكِينِ *.

التدريب الثاني

اجعل الفاعل مُبْتَدَأً و المبتدأ فاعلاً و غير ما يلزم:

١- يَأْمُرُ الْمُؤْمِنُونَ بِالْمَعْرُوفِ.

٢- يَعْطِفُ * الْوَالِدَانِ عَلَيْنَا.

٣- التَّلْمِيزَتَانِ سَاعَدَتَا أُمَّهُمَا.

٤- تَجْتَمِعُ الْمُسْلِمَاتُ فِي الْمَسْجِدِ.

٥- الْمَمَرَّضَاتُ * يَعْطِفْنَ عَلَى الْمَرْضَى.

٦- الْمُسْلِمُونَ رَفَعُوا أَعْلَامَ الْحَضَارَةِ * فِي الْعَالَمِ.

التدريب الثالث

ميّز الخطأ في كل عبارة ثم اكتب الصحيح:

١- الْعِرَّةُ لَا يَحْصُلُ بِالتَّكَاثُلِ.

٢- الْمُعَلِّمُ أَنْبِيَاءُ الْأُمَّةِ.

٣- حُسْنُ الْخُلُقِ مِنْ ثَمَرَاتِ الْأَدَبِ.

٤- التَّوَاضُّعُ تَرْفَعُ قِيَمَةُ الْإِنْسَانِ.

جمله های زیر را به فارسی روان ترجمه کنید :

۱- إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ، دَلِيلٌ عَلَى ضَعْفِ عَقْلِهِ.

۲- الْعَجَلَةُ مِنَ الشَّيْطَانِ وَالتَّأَنِّي * مِنَ الرَّحْمَنِ.

۳- كَمَالُ الْجُودِ بَذْلُ الْمَوْجُودِ.

۴- الْعَالِمُ بِلا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلا ثَمَرٍ.

إملاؤا الفراغ في كل صورة:

مفعول جار و مجرور



و فَجَاءَ نَهَضَتْ فَأَرَّةٌ صَغِيرَةٌ

مِنْ مَكَانِهَا وَ قَالَتْ :

— نُهَاجِمُهَا!

لازم متعدي



ولكن ...

شَاهَدَتْ الْفَتْرَانُ كَلْبًا ...!

فَفَرَحْنَ بِالنَّجَاةِ!

مبتدا خبر



— مَاذَا نَفْعُلُ؟

— نَنْتَظِرُ ... سَتَذْهَبُ!

— هِيَ لَا تَذْهَبُ.

— نَحْنُ جَرَيْنَا ذَلِكَ وَ قَسَلْنَا!

فعل فاعل



فَتَقَدَّمَتْ نَحْوَ الْقِطْعَةِ ...

شَاهَدَ الْجَمِيعُ مَنَظَرًا عَجِيبًا!

نعم ... عَجِيبٌ ...!

أَتَهَرَّبُ الْقِطْعَةَ مِنْ خَوْفِ فَأَرَةٍ؟!

مفعول فاعل



إِسْتَعْفَلْتُ قِطْعَةً كَبِيرَةً فِئْرَانًا.

فاعل فعل



— وَ مَنْ لَهُ جُرْأَةٌ؟!

— سَوْفَ أَهَاجِمُهَا ... وَ أَنْتُمْ

إِغْتَنِمُوا الْفُرْصَةَ لِلْفِرَارِ!

عَرِّبِ العبارات التالية:

- ١- میوه برای سلامتی بدن مفید است.
- ٢- فرصت را برای یادگیری غنیمت شمارید.
- ٣- مسلمانان برای کاری مهم در مسجد جمع می شوند.

أكمل الفراغ في الإغراب و التحليل الصرفي:

«الْعَاقِلُ يَعْتَنِمُ* الْفُرْصَةَ فِي الْحَيَاةِ»

الْعَاقِلُ : اسمٌ، ...، مذكّر، ...، ... / مبتدأ و ... والجملة

يَعْتَنِمُ : فعلٌ ...، لِلْغَائِبِ، ...، ...، متعدي، ... / فِعْلٌ ... و

فاعله ضمير «هو» المُسْتتر و الجملة فعلية و ... و

الفرصة : اسم، ...، ...، ...، ... / مفعول و

في : حرف جرّ،

الحياة : ...، مفرد، ...، جامد، ... / بحرف جرّ/ في الحياة : جازّ و مجرور



□ در پایان جمله‌های اسمیه‌ی فاقد فعل، از صیغه‌های مختلف فعل ربطی «است» استفاده می‌کنیم.

□ خبر مفرد در صورتی که مثنی و یا جمع باشد، معمولاً به صورت مفرد ترجمه می‌شود.
(الْمُؤْمِنُونَ صَادِقُونَ فِي حَيَاتِهِمْ : مؤمنان در زندگی خود راستگو هستند)

متن زیر را بخوانید و ترجمه کنید :

أَمَلُ الْمُسْتَقْبَلِ

الْكُفَّارُ غَضَبُوا بَلَدًا مِنَ الْبِلَادِ الْإِسْلَامِيَّةِ. النَّاسُ خَائِفُونَ وَ الْحُكَّامُ مُسَلِّطُونَ عَلَى أَنْفُسِ الشَّعْبِ وَ أَمْوَالِهِمْ.

كان في هذا البلد رجلٌ صالحٌ. هو رفيقُ الأطفالِ و مُصاحبُ الصِّبيانِ. بَقِيَ هذا الرجلُ على ارتباطِهِ بالأطفالِ و الصِّبيانِ زمناً طويلاً. و بعدَ سنواتٍ وقعتْ حادثةٌ عجيبةٌ. النَّاسُ

شاهدوا ذلكَ الرَّجُلَ معَ جَيْشٍ من أولئك

الصِّبيانِ و هم يَهْجُمُونَ على الأعداءِ و يَهْزِمُونَهُمْ. النَّاسُ سألوه عن سِرِّ عَمَلِهِ.

قال : فَكَرْتُ أَوَّلًا فِي الْكِبَارِ

فوجدتُ اليأسَ مُسَيِّطِراً عَلَيْهِمْ، فبدأتُ

بِالأطفالِ. فهم أَمَلُ الْمُسْتَقْبَلِ !

متن‌های مناسب خارج از کتاب‌های درسی انتخاب کنیم و خود را در زمینه‌ی ترجمه بیازماییم.

نکات ترجمه‌ای را در مبحث کارگاه ترجمه بار دیگر مرور کنیم.

برای مهارت بیشتر در ترجمه، متن‌های مختلف را بخوانیم و با وجود ندانستن پاره‌ای از واژه‌ها، مفهوم عبارت را «حدس» بزنیم!

ضعف‌های خود را در زمینه‌ی ترجمه بشناسیم و در صدد رفع آن بربیاییم.

الف

در آیات زیر کلماتی از ریشه (ظَلَمَ) بیان شده است. در کدام مربع توضیحات صحیح درباره آن‌ها داده شده است؟

۱- ﴿وَمَا اللَّهُ بِرَبِّد ظُلْمًا لِلْعِبَادِ﴾ (غافر / ۳۱)

مشتق

جامد

۲- ﴿وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيٍّ سُلْطَانًا﴾ (اسراء / ۳۳)

اسم
مفعول

اسم
زمان

۳- ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا﴾ (أنعام / ۲۱)

اسم
تفضیل

فعل
ماضی

ب

مفهوم صحیح آیات زیر کدام است؟!

﴿وَلَا زُطِیْ وَلَا یَاسٍ إِلَّا فِیْ کِتَابٍ مُّبِیْنٍ﴾

☐ خشک و تر با هم می‌سوزند.

☐ هیچ‌کس از خشم خدا در امان نیست.

☐ هیچ چیز نزد خدا پوشیده نیست.

﴿كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِیْنَةٌ﴾

☐ نكوهش شرط بندى

☐ مسؤولیت انسان نسبت به اعمالی که انجام می‌دهد

☐ جان انسان‌ها را نباید بازیچه قرار داد.

☐ نمایش‌گاهی از وسایل کمک آموزشی برگزار کنیم.

☐ ماه‌نامه‌های دیواری تهیه شده در طول سال را به

نمایش بگذاریم.

☐ گزارش فعالیت‌های گروه‌های مختلف درسی را

اعلام کنیم.

☐ متن‌های درسی را که می‌توان به‌صورت نمایش‌نامه

برگزار کرد، در این روز اجرا کنیم.

☐ تلخی‌ها و شیرینی‌های سال تحصیلی را بازگو کنیم!

☐ گزارشی از فعالیت‌های خود را در طول سال به

گروه عربی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف ارسال کنیم!

پایان سال تحصیلی زمان محاسبه‌ی آموخته‌ها و فعالیت‌ها است!

در مدرسه مراسم پایان سال تحصیلی را برگزار کنیم!

آزمودن اطلاعات درس عربی

- ۱- تعدادی کارت مثلاً ۳۰ عدد با ابعاد ۵×۱۰ تهیه کنیم.
 - ۲- کارت‌ها را مطابق شکل تقسیم‌بندی کنیم.
 - ۳- روی هریک از کارت‌ها، مطالب خوانده شده مانند: باب‌های مزید، مشتقات ضمائر، اسم‌های موصول و ... را یادداشت کنیم.
 - ۴- کارت‌ها را متناسب با مقدار اطلاعات و درجه‌ی سختی و سادگی مباحث امتیازبندی کنیم، مثلاً به کارت‌های ۳، ۵ و ۱۰ امتیازی.
- طریقه‌ی بازی: کارت‌های آماده شده را با توجه به امتیازهای ثبت شده روی آن‌ها از یک‌دیگر تفکیک کنیم و نفر اول با انتخاب و پیشنهاد نفر دوم کارت مورد نظر او را از جهت امتیاز، برمی‌دارد و از وی شروع به سؤال می‌کند. در صورت شنیدن پاسخ صحیح کارت متعلق به فرد پاسخ‌گو است و گرنه متعلق به فرد سؤال‌کننده خواهد شد. این عمل تا پایان کارت‌ها میان آنان متناوباً تکرار می‌گردد و در پایان، امتیازها شمارش و شخص برنده تعیین می‌شود.

موضوع: باب‌های مزید	۳ امتیاز	موضوع: مشتقات	۵ امتیاز	موضوع: مصولات	۱۰ امتیاز

جمله‌سازی

۱- تعداد زیادی کارت با ابعاد ۵×۵ تهیه کنیم.

۲- روی هریک از کارت‌ها به‌طور جداگانه کلماتی از قبیل اسم، فعل و حرف بنویسیم.
سعی کنیم که در نوشتن کلمات تنوع و گوناگونی را فراموش نکنیم، برای مثال به هنگام نوشتن فعل‌ها از زمان‌ها و صیغه‌های مختلف استفاده کنیم و یا در نوشتن اسم‌ها از اقسام ضمائر و موصولات ...

طریقه‌ی بازی: پس از تهیه‌ی کارت‌ها می‌توانیم بازی را با هر تعداد شروع کنیم، ابتدا کارت‌ها را یک‌جا و یا به تدریج میان خود تقسیم می‌کنیم، و سپس نفر اول بازی را با قراردادن یک کارت روی زمین آغاز می‌کند و نفر دوم با قراردادن کارت خود در کنار آن، در صورت ساختن یک جمله‌ی مفید، کارت‌ها را از آن خود خواهد نمود. در غیر این صورت کارت‌ها باقی خواهند ماند تا این فرصت برای نفر بعدی ایجاد شود. این کار ادامه می‌یابد تا کارت‌های یک نفر تمام شود. و در پایان، به تعداد کارت‌های به‌دست آمده در نزد هریک از بازیکنان، امتیاز منظور خواهد شد و برنده مشخص می‌گردد.



المُعْجَم

الف

۳	الأسوة: الگو، نمونه	۵	أثر: ترجیح داد
۱	أشار: اشاره کرد	۳	أسف: متأسف، متأسفم
	أشير إليها بخط: با خط به آن اشاره شده،	۹	الآل: خاندان
	زیر آن خط کشیده شده است	۴	إبتعد: دور شد
۱	إشتاق: اشتیاق پیدا کرد، مشتاق شد	۴	إبتلع: بلعید
۹	الأشجع: شجاع تر، شجاع ترین	۹	أبصر: دید
۳	أصبح: شد، گردید	۹	أتى — یأتی: آمد
۱۰	إعتبر: به شمار آورد	۴	الأجبال: ج جبل، نسل
۸	إعتمد: اعتماد کرد	۷	الأحد: یکتا
۱۲	الإعجاب: شگفتی	۳	الأخذية: ج حذاء، کفش
۶	الإعزاز: عزت و احترام	۶	أخبر: خبر داد، آگاه کرد
۱۰	إغتنم: غنیمت شمرد	۹	الإخوان: ج أخ، برادر، دوست
۱۰	الأغنى: غنی تر، غنی ترین	۹	أذهب: بُرد
۲	أفرغ: فرو ریخت	۹	إرتعد: لرزید، به لرزه افتاد
	أفرغ علينا صبراً: صبری به ما عطا کن!	۹	إرتفع: بالا آمد
۷	أقام — یقیم: به پا داشت	۷	أزجّع: بازگرداند
	إقامة الصلاة: به پاداشتن نماز	۵	الأرخص: ارزان تر
۳	أقبل: روی آورد، جلو آمد	۳	إستقبل: استقبال کرد، به پیش باز رفت
۹	إقرب: نزدیک شد	۸	إستمر: ادامه پیدا کرد، ادامه داد
۵	الألبسة: ج لباس، جامه	۹	إستوی: مساوی شد، برابر شد
۱	ألحق: ملحق کرد، رساند	۳	إستیقظ: بیدار شد، از خواب برخاست
	ألحني بالصالحين: مرا به درستکاران	۹	الإسقاط: ساقط کردن، انداختن
	ملحق کن	۲	أسلم: اسلام آورد
۹	ألقي: انداخت		

۱	إِلَيْكَ: به سوی تو	۱	هذه الكوفة تبدو من بعيد: این کوفه است
۴	الْأَلِيم: دردناک	۴	که از دور نمایان است.
۵	الْأَمَارَة: بسیار امرکننده، فرمان دهنده	۵	الْبَدِيع: عالی و زیبا، نو
۱۰	الْأَمْلَاح: مواد معدنی	۹	الْبَر: نیکی
۷	أَنْزَلَ: نازل کرد، فرو فرستاد	۶	الْبُرْد: سردی، سرما
۳	انْعَقَدَ: منعقد شد، برگزار شد	۸	بَرَزَ: ظاهر شد
۴	أَنْفَقَ: انفاق کرد	۵	الْبَرَّاز: برّاز، پارچه فروش، لباس فروش
	لا يُنْفِقونها: آن را انفاق نمی کنند	۳	الْبَشِير: بشارت دهنده، مرثده دهنده
۳	انْقَلَبَ إِلَى: برگشت، رفت	۱۰	الْبَصَل: پیاز
۳	الْأَنْيَقَة: زیبا، شیک	۸	الْبَطْن: شکم
۵	الْأَوْرَاق: ج وَرَق، وَرَقَة، برگ	۲	بعد قليل: اندکی بعد
۵	الْأَوَّلَى: اولی، سزاوارتر	۵	الْبُكَاء: گریه
۱	الأهل: شایسته	۸	بَلَّغَ: ابلاغ کرد، رساند
۷	أَهْلًا و مَرْحَبًا: خوش آمدید		بَلَّغَ عَنِّي: از جانب من ابلاغ کن
	أَهْلًا و... بكم: شما خوش آمدید	۵	الْبَنَات: ج بَنَت، دختر
۹	إِنِّي: بلی، آری		

ت

۳	تَأَمَّل: درنگ کرد، اندیشید	۳	تَأَمَّل: درنگ کرد، اندیشید
۱۰	التَّائِي: تأمل کردن، درنگ کردن	۱۰	التَّائِي: تأمل کردن، درنگ کردن
۱۰	تَرَبَّى: تربیت شد	۱۰	تَرَبَّى: تربیت شد
۶	تَرَوَّحَ: خود را باد زد، خود راخنک کرد	۵	تَرَوَّحَ: خود را باد زد، خود راخنک کرد
۹	تَضَرَّعَ: التماس کرد، لابه کرد	۴	تَضَرَّعَ: التماس کرد، لابه کرد
۳	التَّطْمِيع: به طمع انداختن	۷	التَّطْمِيع: به طمع انداختن
۹	التَّطْهِير: ضد عفونی کردن	۱۰	التَّطْهِير: ضد عفونی کردن
۶	التَّعْذِيب: شکنجه، شکنجه کردن	۷	التَّعْذِيب: شکنجه، شکنجه کردن
۶	التَّعْلِيق: آویختن	۶	التَّعْلِيق: آویختن
۲	تَفَضَّلَ: بفرما!	۲	تَفَضَّلَ: بفرما!
۱۰	تَقَدَّمَ: پیشرفت کرد	۱۰	تَقَدَّمَ: پیشرفت کرد

۴	التَّقْوِيم: شکل، هیئت	۱	الجَوَانِح: جِ جانِحه، اعضای (درونی) بدن
۳	تَكَاسَل: سستی به خرج داد، تبلی کرد	۳	أَشُدُّ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي: اعضای بدن مرا برای برخورداری از عزمی راسخ،
۳	التَّكْرِيم: بزرگداشت	۹	استوار بدار، یاری کن
۹	تَمَّ - يَتِمُّ: کامل شد، انجام شد	۱۰	ح
۹	تَمَسَّكَ: متمسک شد، چنگ زد	۳	الْحَاقِق: ماهر، زبردست
۱۰	تَنَعَّمَ: متنعم شد، بهره مند شد	۴	الْحَافِظ: نگاهدارنده
۳	تَوَضَّأ: وضو گرفت	۳	حَبَّبَ: محبوب گرداند، خوشایند ساخت
۱۰	التَّيْن: انجیر	۵	الْحَبْل: طناب، ریسمان
	والتَّيْن: قسم به انجیر	۲	حَبِيب: محبوب
	ث	۵	الْحَزَّ: گرما
۱۰	الثَّقَافَةُ: فرهنگ	۹	الْحَشِيْشَةُ: علف خشک، یک دانه
۳	الثَّمَن: قیمت		علف خشک
	ثَمْنُهُ بَاهِظ: قیمتش گران است!	۶	الْحُصُول: به دست آوردن، دست یافتن
	ج	۱۰	الْحَضَارَةُ: تمدن
۸	الْجَدُود: اجداد جَدَّ، پدر بزرگ، نیا	۳	الْحِفَاوَةُ: به گرمی
۱۰	الْجَرَاثِيم: جِ جُرْثُومَة، میکروب		استقبال کردن، پذیرایی گرم و صمیمانه
۹	الْجَرَّة: کوزه	۳	الْحِفْلَةُ: جشن
۶	جَزَعٌ: بی تابی کرد	۱	الْحُكْم: حکمت، دانش
	لَا تَجَزَّعِي: بی تابی مکن!		خ
۲	الْجَزِيل: فراوان	۸	خَالَفَ: مخالفت کرد
	شُكْرًا جَزِيلًا: بسیار متشکرم!	۹	خَذَلُ: خوار کرد، تنها رها کرد
۵	جَفَّفَ: خشک کرد	۶	الْخُرُوف: گوسفند
۱۰	الْجَنِي: تازه چیده شده	۵	الْخَضْرَاء: سبز
	الجَوَارِح: جِ جَارِحَة، اعضای (بیرونی) بدن	۴	خَلَّصَ: نجات داد، رهایی بخشید
	قَوَّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي: اعضای بدن مرا برای خدمت خودت توانمند کن.		

د

۵	الدقائق: ج دقیقه، دقیقه	۴	زَهَقَ: نابود شد
۴	دَلُّ: راهنمایی کرد	۱۰	الزَّيْت: روغن
۴	الدليل: راهنما	۴	الزينة: زیورآلات، زینت
۸	الديك: خروس		خرج في زينته: با جلال و شکوه بیرون آمد.

ذ

	ذات: صاحب، دارنده	۴	السائر: سیرکننده، حرکت کننده
۲	ذات لילה: شبی	۱	السابع: فراخی دهنده
۸	ذات يوم: روزی		يا سابع النعم: ای کسی که فراخی نعمت را به کمال داده است.
۶	الدَّئِب: دُم	۵	السابقون: ج سابق، پیشتاز
۴	الدَّهَب: طلا	۸	سَبَّ: دشنام داد
۸	ذوي التيجان: صاحبان تاج، تاجداران (خروس ها)	۱۰	سَبَّب: باعث شد، موجب شد
		۹	السَّبَط: نوهی دختری
		۱۰	سَبْعون: هفتاد

ر

۱۰	الزائد: پیش آهنگ، راهنما	۳	السجادة: قالی، قالیچه
۶	راجع: مراجعه کرد	۱۰	السكریات: مواد قندی، گلوکوزها
۹	الرؤوس: ج رأس، سر	۹	سَلَّمَ: تسلیم شد
۹	الرخاء: آسایش، رفاه، فراخی		بايغ أنت اوُسَلَّم: یا بیعت کن و یا تسلیم می شوی!
۳	الرخيص: ارزان	۲	سَمَحَ: اجازه داد
۱۰	الرَّطَب: خرما	۵	السُّنْدُس: نوعی پارچه ی ابریشمی
۲	الرعاية: توجه، مراقبت	۲	السَّنين: ج سَنَة، سال
۵	الرَّعَبات: ج الرَّعْبَة: شور، میل	۵	السوابق: ج سابق، پیشتاز
۸	رَفَضَ: رد کرد، نپذیرفت، مخالفت کرد	۵	السَّوء: بدی، زشتی
۵	الزَّنان: طنین انداز	۵	السيئة: بد و ناپسند
۹	رَوَّعَ: ترساند		

ش

- الشباب: ج شاب، جوان، جوانی ۵
 شَجَّعَ: تشویق کرد ۱۰
 شَدَّ - يَشُدُّ: نیرومند ساخت ۱
 الشَّرور: ج الشر، شر، بدی ۴
 الشُّعار: کِسوت، لباس، جامه ی زیرین ۸
 الشُّعب: مَلَت، مردم ۱۰
 شَعَرَبُ: احساس کرد ۵
 الشَّفِیق: مهربان، دلسوز ۵
 شَهِدَ -: شهادت داد، گواهی داد ۹
 رَبِّ فَاشْهَد: پروردگار من! تو شاهد باش.

ظ

- ظَنَّ -: گمان کرد ۸

ع

- عَادَ - يَعُودُ: بازگشت ۹
 عادَ واللّٰه فتانا الحرُّحرّاً: به خدا سوگند که جوان ما «حرّ» آزاده بازگشت.

ص

- صاحب الجلالة: دارای عظمت، باشکوه، ۴
 أعلى حضرت ۷
 الصامت: ساکت، خاموش ۴
 الصانع: سازنده ۳
 الصُّخف: ج الصحيفة، روزنامه ۳
 الصحيفة المسائیة: روزنامه ی عصر ۹
 صدَّقَ: تصدیق کرد، باور کرد ۹
 صلی - یُصَلِّي: نماز خواند ۹
 صَوَّرَ: ترسیم کرد ۵

ض

- الضفدعة: قورباغه ۸
 ضَمِنَ -: تضمین کرد، ضمانت کرد ۱۰

ط

- الطاغوت: سرکش ۴

عَلَّقَ: آویزان کرد، آویخت	۳	ق
عَلِمَ بِ...: بی برد، دانست	۵	قَبْلَ: طرف، سمت، جهت
علینا: علیه ما، بر ضد ما	۹	القَدَح: کاسه، ظرف
العُنُق: گردن	۳	قَدِرَ -: توانست
عَنِّي: از جانب من (عن + ن + ي)	۸	قَرَنَ: نام قبیله ای در «یمن»
العین: شبیه، مانند	۹	قَسَمَ: تقسیم کرد، قسمت کرد
عَیْن: تعیین کرد	۱	القِطْع: ج قِطْعَة، قطعه، تکه
		قِطْع اللحم: تکه های گوشت
غ		القِطْعَة: گربه
عَدَا: فردا	۳	القَلِق: نگران، مضطرب
الغراب: کلاغ	۹	القَلیل: کم، اندک
عَسَل -: شست	۵	بعد قلیل: اندکی بعد
عَضَّ -: بر هم گذاشت (چشم را)	۱۰	القَمیص: پیراهن
ف		قَوَى - یُقَوِّی: توانمند کرد
فاح - یَفُوح: پراکنده شد، پخش شد	۲	قَیْصَر: لقب پادشاه روم، سِزار
الفأرة: موش	۶	القيمة الغذائية: ارزش غذایی
الفتی: جوان، جوانمرد	۹	ک
فَتَّش: جستجو کرد	۲	كَبَّرَ: تکبیر گفت، «الله اکبر» گفت
الفرَج: گشایش	۹	الكحول: الکُل
الفضائل: ج فضیله، فضیلت، خوبی	۱۰	كذلك: همچنین
الفِضَّة: نقره	۴	الکُریات الحمراء: گلبول های قرمز
الفقراء: ج فقیر، نیازمند	۷	كسری: خسرو، لقب پادشاهان ساسانی
رَبَّنَا إِنَّا أَفْقَاءُ لِمَا تُنَزِّلُ إِلَيْنَا مِنْ خَيْرٍ:		كَلَمَ: صحبت کرد
پروردگارا، ما به آنچه از خیر بر ما		الکُم: آستین
نازل می کنی نیازمندیم.		كَنَزَ -: انباشت، جمع کرد، ذخیره کرد
فِکْرَة رائعة: فکر جالبی است!	۹	يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ ...:
فیم (= فی + ما)؟: درباره ی چه؟ برای چه؟	۹	طلا و نقره جمع می کنند.

۳	مَرْحَبًا: خوش آمدید	۸	الكهف: غار، پناه، پناهگاه
۶	المرضى: ج مریض		
۳	المساء: عصر		ل
۴	المُستسلم: مطیع، فرمان بردار	۷	اللات: نام یکی از بت های مشرکان قریش
۶	المستشفى: بیمارستان	۵	اللاحقون: ج لاحق، دنباله رو
۳	المسرحية: نمایش نامه	۱۰	اللبن: شیر
۸	مَشَى — يَمْشِي: راه رفت	۷	لِما: بر آنچه، برای آنچه
۵	المشاهد: ج مَشْهَد، صحنه، منظره	۵	لَمَّا: وقتی که
۳	المصافحة: مصافحه کردن، دست دادن	۹	لنا: با ما، برای ما
۶	المطر: باران		أعلينا أم لنا؟: بر ضد ما یا با ما؟
۹	المظالم: ج مَظْلَمَة، ستمگری، ظلم		عليه ما یا لِه ما؟
۶	المِظْلَة: چتر	۴	لَيْت: کاش
۴	المعاصي: ج مَعْصِيَة، گناه		م
۴	معتذراً: عذرخواهانه، با عذرخواهی		
۴	المغتصبة: غصب شده	۸	المأكر: مکار، حيله گر
۱۰	المكين: صاحب منزلت	۳	مالك؟: تو را چه می شود؟
	شرف المكان بالمكين: ارزش محل	۶	المؤسفة: تأسف بار، آسف انگیز
	به صاحب محل است.	۱	المألوفة: روان، سلیس
۱۰	الممرضات: ج مُمرضة، پرستار	۱۰	المبید: نابود کننده
۴	المملوءة: پُر، سرشار	۹	المبين: واضح، آشکار
۳	مَنَحَ —: بخشید، هدیه کرد	۶	مُتَأَخِّرًا: دیر
۱۰	المِنهاج: راه روشن	۴	المتفضل: کریم، بخشنده
۷	المُوَحَّد: موحد، یگانه پرست	۳	المثالي: نمونه، الگو
۴	الموكب: موکب، کاروان	۶	المجلس الاستشاري: مجلس مشاوره،
۱۰	مَيَّرَ: تشخیص داد		شورای مشورتی
		۳	المُحرقة: سوزان
	ن	۸	المُخطئ: خطا کار
۳	الناجح: قبول شده، مُوفق	۱۰	المُن: ج مدينة، شهر

۹	وَزَعَ: تقسیم کرد، توزیع کرد	۵	النَّاصِح: نصیحت گو، نصیحت کننده
۳	الْوَسَام: نشان، مدال	۴	التَّجْدَة: کمک، یاری
۸	وَعَظَّ — يَعِظُ: پند داد، نصیحت کرد	۹	نَحَوَ: به طرف، به سوی
۱	وَهَبَ — يَهَبُ: عطا کرد، بخشید	۳	النَّذِير: هشدار دهنده، بیم دهنده
	هَبَ لِي: به من عطا کن	۲	النَّصَّ: متن
		۱	نَصَبَ —: قرار داد

هـ

۹	ها أنا: هان، این من هستم!	۵	النَّصِيب: بهره، قسمت
۱	هَبَ: ← وَهَبَ	۹	النَّعِيم: بهشت، وفور نعمت
۷	هُبِلَ: نام بتی از بت های مشرکان قریش	۸	نَفَخَ —: دمید، باد کرد
۵	هَكَذَا: این چنین	۲	نَفَدَ —: تمام شد، به پایان رسید
۲	هَنِيئًا! : گوارا باد!	۱	النَّقَمَ: جِ نَقْمَة، بلا، بدبختی
۳	هَيَّا: مهیا ساخت، آماده کرد	۶	النَّوَاحِي: جِ نَاحِيَة، محله، گوشه
		۹	النَّهَج: راه، روش
		۲	نَهَضَ —: برخاست

ی

۲	يا لِّلْسعَادَة! : چه سعادت!
---	------------------------------

و

۵	واخْزَنَاهُ! : چه اندوهی!
---	---------------------------

والْحَمْدُ لِلَّهِ.

